

# مروری بر کار پژوهشی پیکار پامیر

## در گستره سیاست، هنر و تاریخ

سال ۱۴۰۰ میلادی (۱۳۹۷ خورشیدی)

تدوین کننده : داکتر شنا متین نیکپی

## شناسنامه کتاب

نام کتاب : مروری بر کار پژوهشی پیکار پامیر در گستره

سیاست، هنر و تاریخ

تدوین کننده : داکتر شنا متن نیکپی

ناشر : انجمن دانش در کانادا

طرح روی جلد : داکتر شنا متن نیکپی

شماره گان : پنجصد جلد

محل چاپ : تورنتو - کانادا

سال چاپ : ۲۰۱۸ میلادی

## فهرست مطالب

بخش اول : آثار نشر شده پیکار پامیر

بخش دوم : کارکرد های پیکار پامیر از دیدگاه پژوهشگران

افغانستان

بخش سوم: برگزاری محافل بزرگداشت از سوی نهادی های

فرهنگی- اجتماعی، شامل سخنرانی ها ، مقالات و پیام ها

بخش چهارم : همکاریهای قلمی پیکارپامیر با رسانه های

برون مرزی

## فرهنگ ارزشگزاری در جامعه‌ی افغانستان

(ارجگزاری کارکرد های ادبی، سیاسی و فرهنگی پیکار پامیر)

در تدوین کتاب "ارجگزاری کارکرد های ادبی، سیاسی و فرهنگی پیکار پامیر" هدف ویژه بی دارم که سال ها است، ذهن را می آزاد. زیرا عقب ماندگی فرهنگی جامعه ما در کل و پریشانی های فکری، ذهنی و روانی چند دهه اخیر بطور ویژه، سلسله بی از فعلیت ها و سیر رشد عادی جامعه را برهم زده و امراض مُهلکی مانند: زنده ستیزی و مرده پرستی، ناسپاسی و حسادت، عقدہ روانی و تعصب، درهمی مكافات و مجازات را که مهمترین انگیزه برای رشد و ترقی در جامعه انسانی شمرده میشوند، نه تنها از میان برداشته، بلکه مورد استفاده معکوس نیز قرار میگیرند که منبع اصلی این فرایند منفی را بایستی در سطح بالایی اداره کشور جُست و جو نمود.

وقتی ضیا الحق امر خیل ریس کمیسیون "مستقل" انتخابات که در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴م افغانستان مرتکب شدید ترین خیانت ملی به سود اشرف غنی احمدزی گردید، بجائی آنکه مجازات شود، "قهرمان" می شود و خودش را در زیر چتر حمایتی حکومت برسر اقتدار و

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

درسایه حضور جامعه جهانی ومصرف کننده ملیون ها دالر در پروسه انتخابات، راحت و مصون می بیند، آحاد جامعه مارا سخت عذاب میدهد. ویا بر عکس، افشاگرچنین خیانت ملی که عبارت بود از جنرال ظاهر فرمانده وقت شهر کابل، تنزیل مقام داده شده به تدریج، ساحه فعالیتش در امور امنیتی محدود می گردد، به مضحکه بی می ماند که پیامد آن، چیزی جز رسوایی عمومی و هنجارشکنی های عدالت و قانون تلقی شده نمیتواند. این روند منفی و کشنده از بالاترین سطح قدرت دولتی تا پائینترین صفوف دستگاه مذکور، بدون شک، قدم به قدم به عادت و شیوه کار روزمره مسئولان حکومت تبدیل می شود.

روشن است که جامعه مهاجر و جمعیت های پراگنده دور از وطن نیز از تاثیرات منفی بدنه اصلی نظام برسر اقتدار در افغانستان بی تاثیر مانده نمیتواند.

مثال انکار ناپذیر تاثیرات مظاهر منفی از بالا به پائین، یکی هم "زنده ستیزی و مرده پرستی" است.

به باور من مرده پرستی عقدہ روانی جمع است که از عملکرد جنایتکاران وابسته به خارج در جامعه ما پیدایش یافته و از امواج ادامه بی عدالتی های اجتماعی ریشه گرفته است. هدف ترویج گران شیوه مرده پرستی در واقع، احترام به اندیشه و کنش شخص عزیزی که از میان ما رفته، نیست، بلکه تبدیل کردن آن به تابو و ایجاد باور ها است تا سایر باور و اندیشه های پویا و نوین را از این طریق سرکوب نمایند. چنانکه فورمول هایی را ایجاد کرده اند که "چیزی را که مرده گفته بود، مقدس است و چیزی را که زنده می

گوید، نارواست " ، " مردہ قهرمان بود، زنده خائین است" ، " شخص مردہ یک مومن بود، مگر فرد زنده کافر است" و امثالهم در چنین جامعه لطمه خورده، شخصیت زنده، نخست باید بمیرد تا از کارکرد های نیکویی او، نیکوداشت بعمل آید، آنهم نه در سطح ملی و جهانی، بلکه در چوکات های محدود فکری، فرقه بی، مذهبی، قومی و گروهی.

یکی از اهداف عمدۀ این روند منحط ، جلوگیری از ظهورو تبارز شخصیت هایی است که درواقع، خلاف میل گرداننده های با نفوذ جامعه و منابع فراتر از آن هستند. این گرداننده های متنفذ (رسمی و دولتی) میخواهند شخصیت ها در چوکات قالب های خاصی تبارزنمایند که از قبل برای آنها ریخته شده به این منظور خاص که نتوانند از محدوده های تعیین شده سرکشی کنند.

گذار از این مهلکه اجتماعی کار ساده هم نیست، اما کار ناممکن نخواهد بود. شخصیت های علمی، هنری و ادبی، جمعیت های سالم فرهنگی و نهاد هایی که به سطوح لازم ترقی رسیده اند، می توانند با جلوگیری از این مظاهر منفی لااقل در میان خود شان، به تدریج کار روشنگری را برخلاف قالب سازان معرض و متنفذ در جامعه و کشور شان گسترش بدهنند.

تدوین کتاب "ارجگزاری کارکرد های ادبی، سیاسی و فرهنگی پیکار پامیر" ، را سهمی میدانم در ایجاد تغییر ذهنیت جامعه سنگ شده و زدودن روحیة منفی مروج در آن و همچنان، ایجاد تحرک مثبت برای نیکوداشت از نیکویی های بزرگترین شخصیت های علمی و فرهنگی که به "قصیر"

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

زنده بودن و پویا بودن شان، از لطف و احترام محروم نگهداشته شده اند.  
امید وارم نشر و مطالعه این کتاب الگویی برای افراد جامعه و به ویژه نسل  
جوان ما باشد.

"دوستان را دوستی در زندگیست

بعد مردن دوستی در کار نیست"

لازم است نکاتی چند در باره خصوصیات این کتاب بیان نمایم.

کتاب "ارجگزاری کارکرد های ادبی، سیاسی و فرهنگی پیکار پامیر" در  
جامعه‌ی که روز بروز تعصب، بخیلی و خودخواهی رشد صعودی دارد،  
فرهنگ پذیرش را پیشنهاد می‌کند. خواننده را انگیزه میدهد که از کار  
دوستان شان قدردانی و یادآوری کنند و محصولات فکری و قلمی شان را  
برای نسل های بعد بایگانی نمایند.

این کتاب کاکرد شخصیت جامعه را با تمام ابعاد آن به نمایش می‌گذارد،  
خواننده‌ها را با اجرای کاری که اجرای آن مشکل و غیر ممکن می‌نماید،  
باورمند و مصمم می‌سازد که از یک انسان نمونه الهام بگیرند.

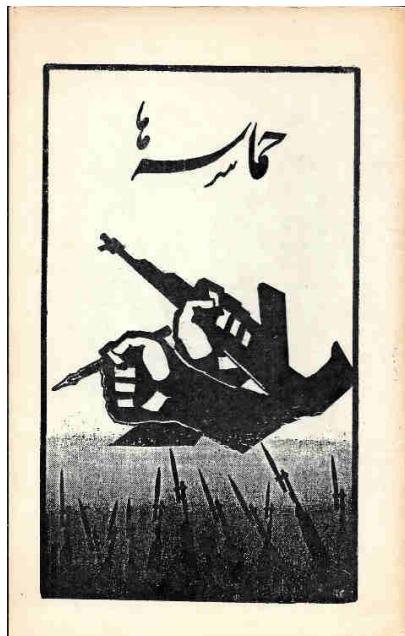
این کتاب از فرهنگ تملق و توصیف های بی مورد که متاسفانه ناشی از  
پریشانی های هویتی در جامعه ما در حال رشده است، کاملاً متفاوت است.  
زیرا هر بخش کتاب بر اساس فاکت های عینی و نمونه های مادی استناد  
شده است. زیبایی این کتاب در آن است که هیچ توصیف و تمجیدی از  
طرف تدوین کننده در آن گنجانیده نشده، بلکه پاداش و تمجید جامعه و مردم  
جمع آوری و تدوین کردیده است.

## بخش اول

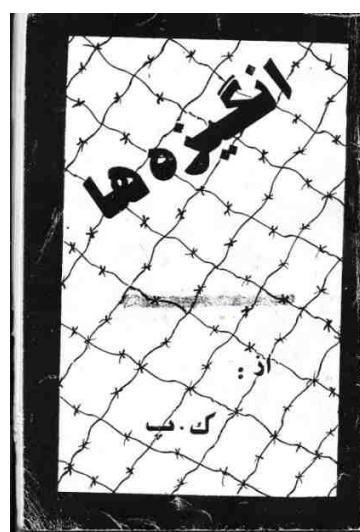
### آثار نشر شده از پیکار پامیر

کریم پیکارپامیر، علاوه از نگارش صد ها مقاله تحلیلی، سیاسی، اصلاحی و اجتماعی که همه در مطبوعات داخل کشور و رسانه های چاپی و الکترونیکی بروز مرزی به نشر رسیده اند، کتب و آثار آتی را نیز تحریر، تدوین و تألیف نموده است :

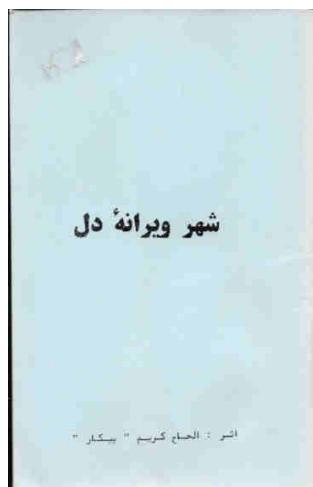
**حمسه ها** : مجموعه شعر است که شامل پنجاه و سه پارچه سرود های میهنی و آزادیخواهانه میباشد. این اثر در سال ۱۹۸۴ میلادی در شهر مونتریال کانادا بچاپ رسیده است.



**انگیزه ها** : شامل هفتاد ربعی در حوزه عاطفی، اخلاقی و اجتماعی است که در سال ۱۹۸۵ میلادی باز هم در شهر مونتریال کانادا به زیور چاپ آراسته شده است .

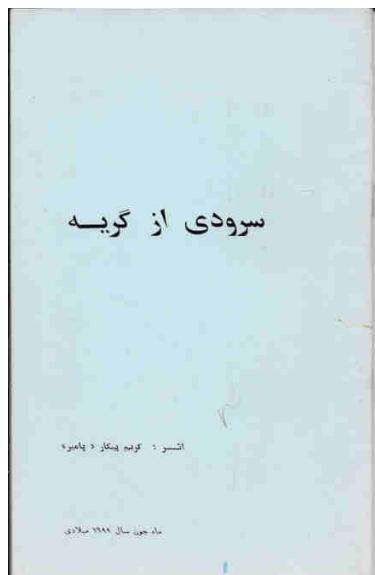


**شهر ویرانه دل** : مجموعه شعر است که به تعداد چهل و نه پارچه سروده های سوزناک میهنی را احتوا مینماید. این مجموعه، در سال ۱۹۸۶ میلادی از سوی " کانون فرهنگ باختر" در شهر تورنتو بچاپ رسیده است.

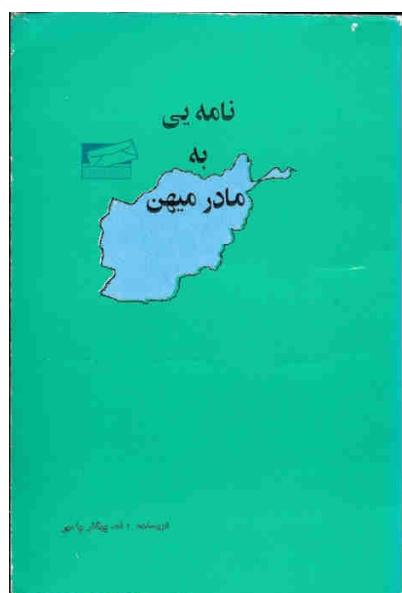


**سرودی از گریه** : مجموعه شعر است که شامل چهل و پنج پارچه سروده های میهنی بوده و در سال ۱۹۹۹ میلادی از طرف اداره ماهنامه " پگاه " در شهر تورنتو بچاپ رسیده است.

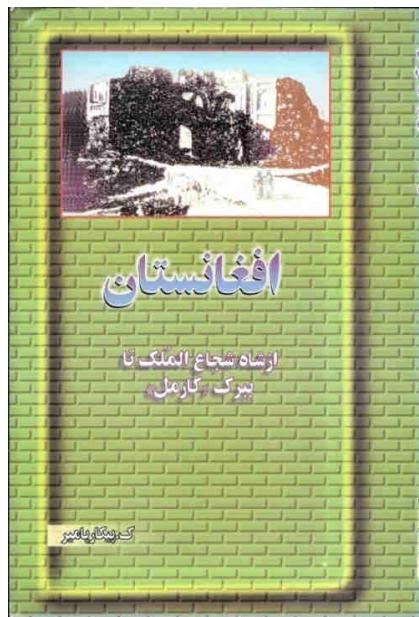
## محفل ارجمندی از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر



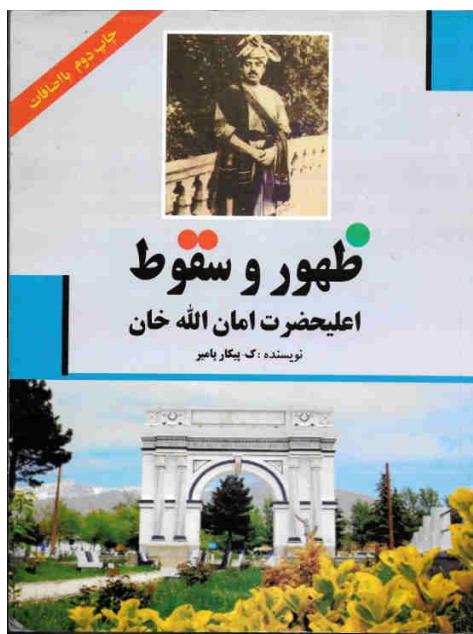
**نامه بی به مادر میهن :** شامل گفتگوهایی از یک مهاجر دور از میهن، عنوانی مادر میهن است که مجموعاً هفتاد و سه صفحه را احتوا میکند. این اثر، در سال ۲۰۰۱ میلادی از طرف اداره ماهنامه "پگاه"، به تیراز پنجمین جلد در چاپخانه میوند در شهر پشاور پاکستان به زیورچاپ آراسته شده است.



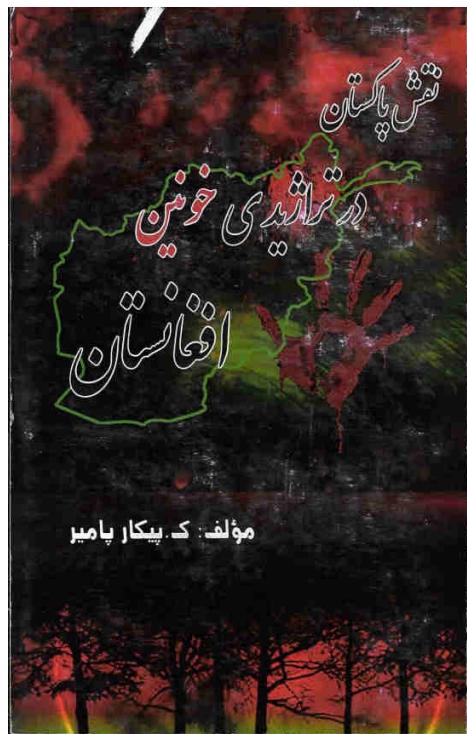
افغانستان از شاه شجاع الملک تا ببرک کارمل : این کتاب که دریکصد و نزدیک صفحه با پشتی رنگه در سال ۲۰۰۰ میلادی در مطبوعه میوند واقع در شهر پشاور پاکستان به چاپ رسیده است، بخشی از تاریخ سیاسی مربوط به شش تن از امیران دست نشانده افغانستان را بگونه فشرده و اما رسا، بیان میدارد. این اثر، از طرف اداره ماهنامه "پگاه" به شماره گان پنجصد جلد منتشر شده است .



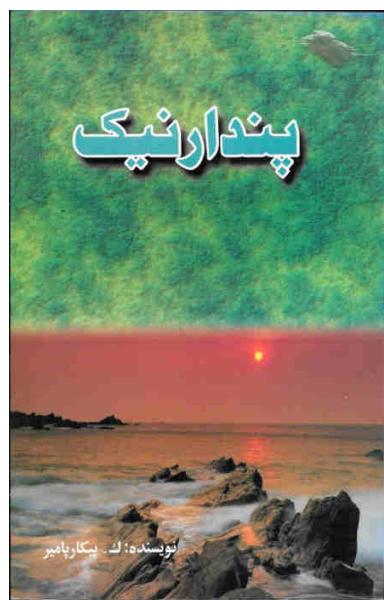
**ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان:** کتابی است تاریخی و تحلیلی شامل پیشینه به صحنه آمدن امان الله خان، کارنامه های اصلاحی او، اشتباهات فکری - سیاسی شاه مذکور و منابع و عناصر مؤثر در روند سقوط سلطنت وی. این کتاب در دو مرتبه، شامل چهارصد و چهل و پنج صفحه در سال ۲۰۱۲ میلادی، از سوی "بنگاه انتشارات و مطبوعه میوند" در شهر پشاور بچاپ رسیده است.



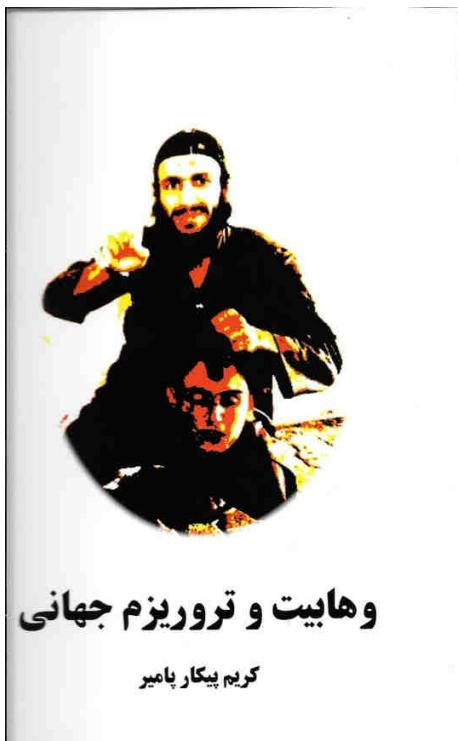
**نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان :** اثربست سیاسی، تاریخی، تحلیلی و مستند دردو جلد، (از هر کدام پنج صد جلد) و مجموعاً بیشتر از ششصد صفحه در کانادا، کابل و هالند به زیور چاپ آراسته شده است. باید افزوده شود که جلد اول این کتاب، نخست به تعداد سه صد جلد از سوی مؤلف در کانادا بچاپ رسید و به اختیار هموطنان عزیز قرار گرفت. چون مورد استقبال گرم خواننده های گرامی قرار گرفت، بار دوم در پشاور پاکستان ( بصورت پنهانی ) از چاپ برآمد. استقبال هموطنان عزیز موجب گردید که هردو جلد آن باز هم در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی در مطبوعه "شاه مامه" واقع در کشور شاهی هالند تجدید چاپ و به دسترس علا قمندان قرار داده شود.



**پندارنیک:** این اثر شامل یکصد مقاله کوتاه در موارد متعدد (اصلاحی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی) میباشد که مجموعاً یکصد و نود و هشت صفحه را احتوا نموده است . ناشر کتاب مورد نظر، اداره ماهنامه "پگاه" در کانادا و محل چاپ آن شهر پشاور و تاریخ چاپ و نشر آن، سال ۱۳۸۰ خورشیدی است.



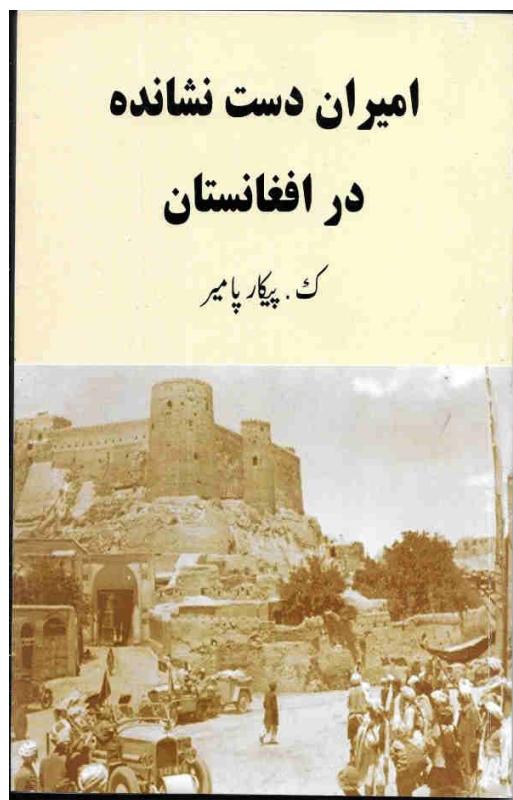
**وهابیت و تروریسم جهانی:** این اثر نیزیکی از آثار پژوهشی مستند و مصور است که ریشه های اصلی و تاریخی مذهب خشونت آمیزو هابیت و ایجادگراین مذهب (محمد بن عبدالوهاب) در صحرای نجد را طی یکصد و پنج صفحه، بصورت مدلل و منطقی شرح میدهد. علاوه‌تاً تلاش‌های مقام های عربستان سعودی در راه صدور و هابیت و گسترش آن در کشورهای مختلف اسلامی و منجمله افغانستان و پاکستان و پیامد های خوفناک آنرا بگونه دلچسب توضیح میکند. برگ آرایی این کتاب را اداره ماهنامه "پگاه" بعده گرفته و به تیراژ پنجصد جلد در سال میلادی و ۱۳۹۴ یا ۲۰۱۵ خورشیدی در شهر تورنتوی کانادا بچاپ رسیده است.



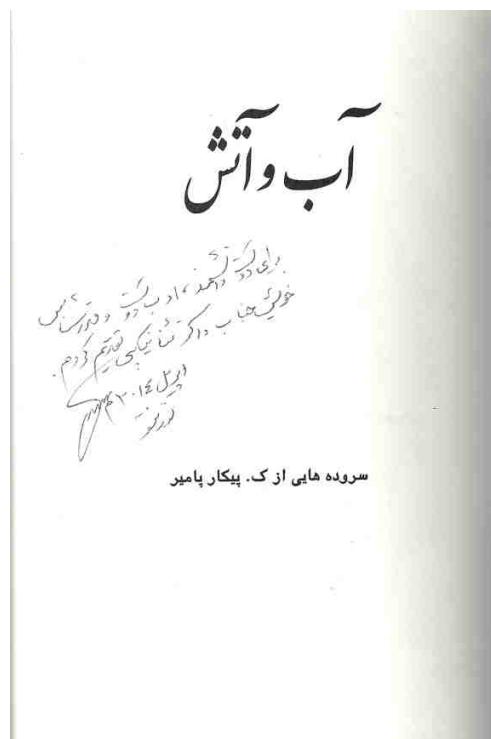
## وهابیت و تروریزم جهانی

کویبہ پیکار پامیر

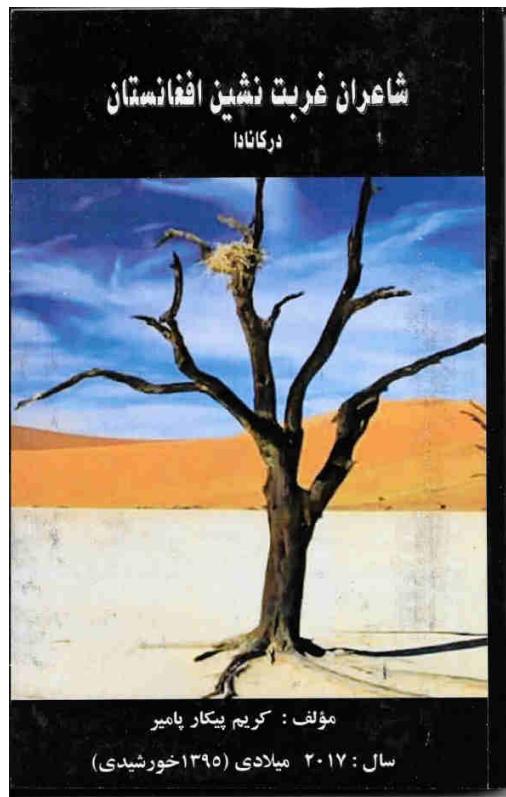
**امیران دست نشانده در افغانستان:** کتاب مذکور در یکصد و پنجاه صفحه با قطع و صحافت مناسب و پشتی رنگه، طی دوازده فصل تدوین گردیده و به این وسیله، تعداد دوازده تن از رهبران دست نشانده افغانستان (از شاه شجاع الملک تا حامد کرزی) را با ارائه اسناد و توضیحات منطقی به معرفی گرفته است. باید افزود که این اثر برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی در شهر پشاور بچاپ رسید و اما بار دوم، با جابجاگی اضافات لازم و درج اسناد و تصاویر بیشتر، بصورت مکمل تر در شهر تورنتو، اقبال چاپ یافت.



**آب و آتش :** مجموعه شعر است که به تعداد یکصد و هفتاد و نه پارچه از سروده های متنوع در قالب های غزل، رباعی، دو بیتی و شعر نیمایی را احتوا میکند. این اثر، طی دو صد و بیست صفحه با قطع و صفات عالی و پشتی رنگ، توسط "بنیاد شاه مامه" در کشور هلند و در سال ۲۰۱۴ میلادی اقبال چاپ یافته است.



**شاعران غربت نشین افغانستان در کانادا:** کتابی است شامل عکس، زنده‌گی نامه و نمونه اشعار پنجاه و سه تن از شاعران افغانستان در غربت سرای کانادا. این اثر در دو صد و یک صفحه با پشتی رنگه و طرح سمبلیک، به تیراز پنجم‌صدجلا در سال ۲۰۱۷ میلادی (۱۳۹۵ خورشیدی) در شهر تورنتوی کانادا به زیور چاپ آراسته شده است. مؤلف امید واراست چاپ و توزیع این اثر بتواند پل ارتباط و مایه شناخت متقابل میان سایر شاعران افغان در داخل و خارج کشور عزیز ما افغانستان گردد.



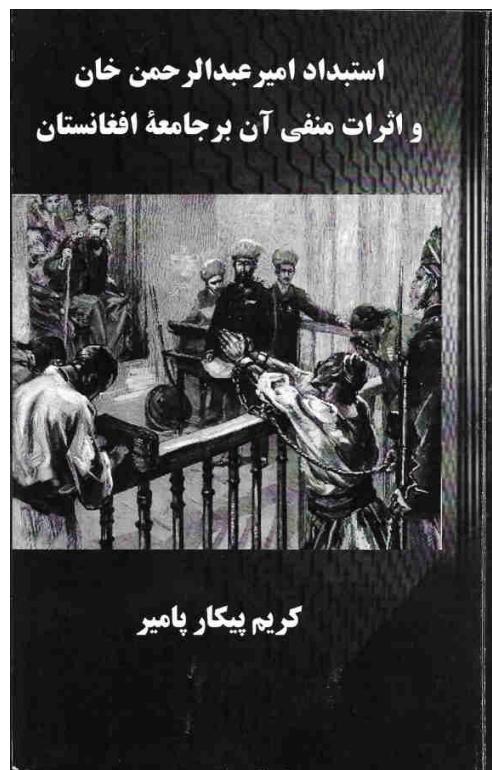
## استبداد امیر عبدالرحمن خان

### و اثرات منفی آن بر جامعه افغانستان

در این اثرباری و پژوهشی، به جریانات و حوادث دوران امارت اسبابداری بیست ساله امیر عبدالرحمن خان، فرزند افضل خان و نواسه امیردوست محمد خان در افغانستان پرداخته شده است. همچنان در لابه لای این کتاب، خصال و گرایشات فکری - سیاسی و کشتهایا و بیدادگریهای

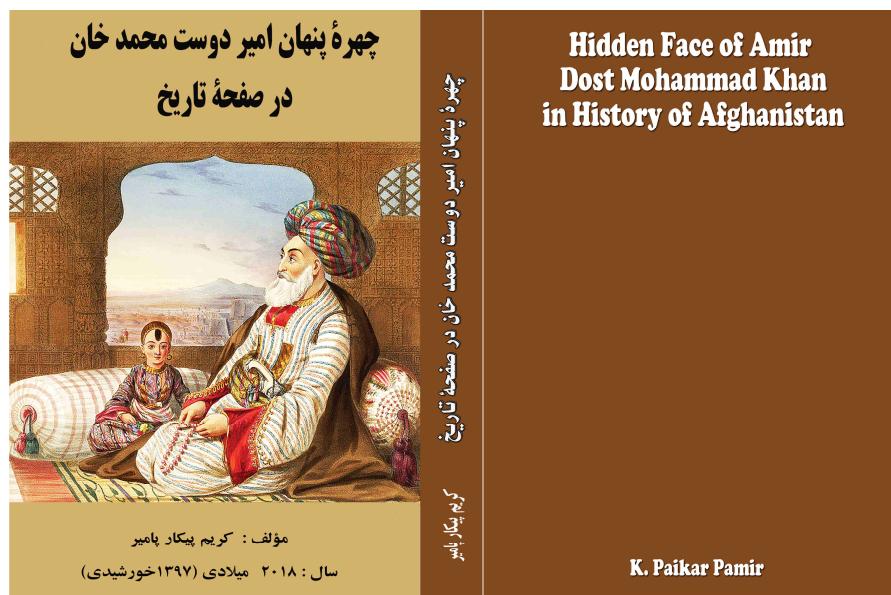
## محفل ارجمند از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

امیر مذکور بگونه‌ی مستند و تحلیلی تشریح گردیده و با قطع و صحافت موزون در دو صد و چهار صفحه تحریر، تدوین و چاپ شده است. این اثر نیز در سال ۲۰۱۶ میلادی (۱۳۹۵ خورشیدی) در شهر تورنتوی کانادا به زیور چاپ آراسته شده است.



## چهره‌ی پنهان امیردوست محمد خان در صفحه‌ی تاریخ

کتابی است تاریخی، تحلیلی و مستند راجع به شخصیت، خصلت و کارنامه‌های منفی امیر مذکور در نیمه‌های قرن نزدهم که همین اکنون آماده‌ی چاپ می‌باشد. در لای این اثر، مسایل مهمی به تحلیل گرفته شده است که دولت‌های افغانستان روی ملحوظات قومی و سیاسی مورد نظر خودشان، اجازه‌ی نشر آنها را نمیدادند.



## بخش دوم

# کارکرد های پیکار پامیر از دیدگاه پژوهشگران افغانستان

دکتر اجرالدین ( حشمت )

## پیکارپامیر از جمله پُرکار ترین نویسنده گان افغانی درجامعة ما



دوستان عزیز و وطنداران محترم !

## محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

من خیلی خوشحالم که از طریق سنتیز با اعتبار کانون فرهنگی باختر سلام های گرم و تمنیات نیک خود را به شما تقدیم نموده و از خداوند متعال برای شما صحبت و سلامتی استدعا مینمایم.

اجازه بدهید قبل از همه از محترم فرهاد لبیب، فرهنگی فرهیخته جامعه ما و سعیده جان لبیب نطق و گرداننده و دکلماتور توانا که به مناسبت بزرگداشت از اثر علمی، تاریخی و سیاسی جناب پیکارپامیردانشمند جامعه افغانهای مقیم تورنتو که زمینه دیدارما و شما را فراهم ساخته اند، اظهارسپاس نموده و از خداوند متعال صحت و سلامتی و موفقیت بیشتر برای شان استدعا نمایم.

محترم پیکار پامیر بدون تردید از جمله پُرکار ترین نویسنده گان افغانی در جامعه غربت زده ماست که در عرصه های ادبی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی برای سالهای طولانی در کشور کانادا با سعی و تلاش خسته گی ناپذیر فعال بوده و من شخصاً با عده بی از مجموعه های شعری، رسالات ادبی و کتب تاریخی شان از نزدیک آشنایی دارم. این نویسنده توانا و پُرتلاش علی رغم تمام مصروفیت های فامیلی و مسؤولیت تأمین معاش، درجهت ادامه زنده گی، بدون مبالغه از زمرة نادر نویسده گان در جامعه افغانی شهر تورنتو است که زیاد ترین فراورده های علمی، تاریخی، سیاسی و ادبی را تهیه نموده است.

پیکار پامیر خطیب توانا، تحلیلگر مسایل سیاسی و ژورنالیست ورزیده جامعه ماست ک نشرات موقوت چندین ساله مجله وزین پگاه در دو دهه

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

اخير سده گذشته در شهر تورنتو شاهد اين ادعاست. يادآوري از تمام آثار و مطابع پیکارپامیر از حوصله اين تذکار مختصر خارج است. در اينجا صرفاً از چند اثر محدود تاریخی شان به گونه مثال نام ميرم :

(۱) افغانستان از شاه شجاع الملک تا بيرك كارمل ( محل چاپ: پشاور، ناشر: اداره ماهنامه پگاه در کانادا و تاريخ چاپ : ۱۳۷۹ خورشيدی - سال ۲۰۰۰ ميلادي)

(۲) ظهورو سقوط اعليحضرت امان الله خان. ناشر: اداره ماهنامه پگاه در کانادا- محل چاپ تورنتو. سال چاپ: ۱۳۸۱ خورشيدی و ۲۰۰۲ م

(۳) نقش پاکستان در ترازيدي خونين افغانستان، جلد اول، ناشر: کانون فرهنگي باختر، محل چاپ : کانada و تاريخ چاپ: ۱۳۷۷ خورشيدی و ۱۹۹۹ م

(۴) كتابی که همين اکنون در معرض ارجگزاری قرار دارد. يعني نقش پاکستان در ترازيدي خونين افغانستان، جلد دوم، سال ۱۳۸۹ خورشيدی ما نظر به محدوديت وقت نمیتوانيم طور جزوar از همه محسنات اين اثر پرمحتوا يادداهاني نماییم، اما طور مختصر میتوان اظهار نمود که جلد دوم نقش پاکستان در ترازيدي خونين افغانستان، شارح تمام حوادث و رویداد ها و اعمال تخریبی دوره منحوس طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ ميلادي است که مستند با اسناد، وثائق، آمار و احصائيه هاي دست اول بوده و هم نقش دولت پاکستان را در حمایه، تجهيز و تسليح به اصطلاح تحريک طالبان در قبال بحران خونین سی ساله کشور مورد بررسی و ارزیابی همه جانبه قرار

## محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

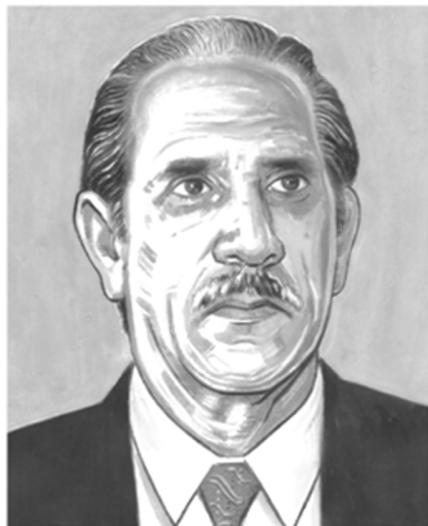
---

میدهد.

کتاب مورد بحث با آنهمه معلومات وسیع و مستندش، برای نویسنده گان، محققین و مؤرخین بحیث مأخذ خیلی مفید و ارزشمند محسوب شده میتواند. ما از خداوند متعال برای محترم پیکارپامیر صحت و سلامتی و طول عمر میخواهیم تا با فراورده های علمی خود، ما را با تاریخ و فرهنگ کشور، بیشتر و بهترآشنا ساخته و علی الخصوص با تهیه آثار تاریخی شان، آرشیف تاریخ کشور را هنوز هم غنی تر سازند. از توجه تان تشکر.

پروفیسور حبیب الرحمن (هاله) آسترالیا

## پیکار پامیر نویسنده برومند



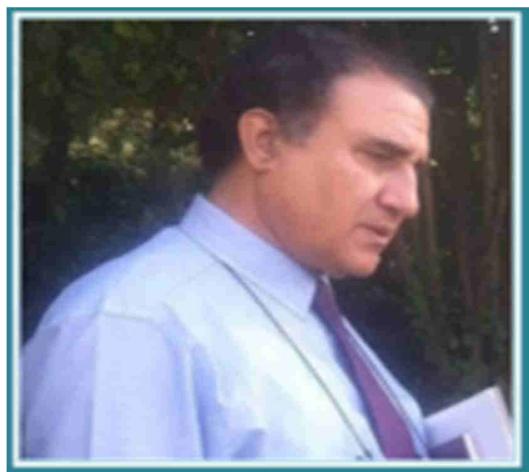
"در روزگار انيکه شمار لاتعد و لاتحصى میهن وندان افغانستان عزيز خانه و کاشانه های شانرا گذاشت و در سراسر جهان پراگذشده شده و در گردابهای از خود بیگانه شدن دست و پاميزنند، جای مسرت است که شماری از شخصیتهای با وجودان و با احساس ملی، قایق های وسیال ارتباط همه گانی شان را در آبهای نشرات انداخته تا پیش از آنکه فرصت

از کف برون شود، آنها را از غرق شدن در لجنزار جنبه های منفی فرهنگهای دیگران و از خود بكلی بیگانه شدن نجات دهند. البته نویسنده گان بالحساس و از خود گذری که آنها را در این کنش پُر منش تنها نگذاشته و یکجا با آنها تیم های نجات فرهنگی را تشکیل داده اند، سزاوار هرگونه ستایش و ارجگزاری میباشدند. از آن جمله، میتوان از آقای پیکارپامیر نویسنده برومندی نام برد که خود را در ردیف اول آن تیم نجات فرهنگی جا بجا کرده است. مضامین پُر محتوا، عمقی و ابتكاری موصوف بیانگر آن میباشد که او از این آزمون به مثابه یک نویسنده بزرگ میهن دوست قد علم نموده است. خداوند بزرگ در پیمودن پیروزمندانه این مسیر پُر افتخار، یار و مددگارش باد !

نصیر(مهرین) – آلمان

هamburg- اول اکتوبر ۲۰۱۱ م

## صراحت لهجه در کارپیکارپامیر



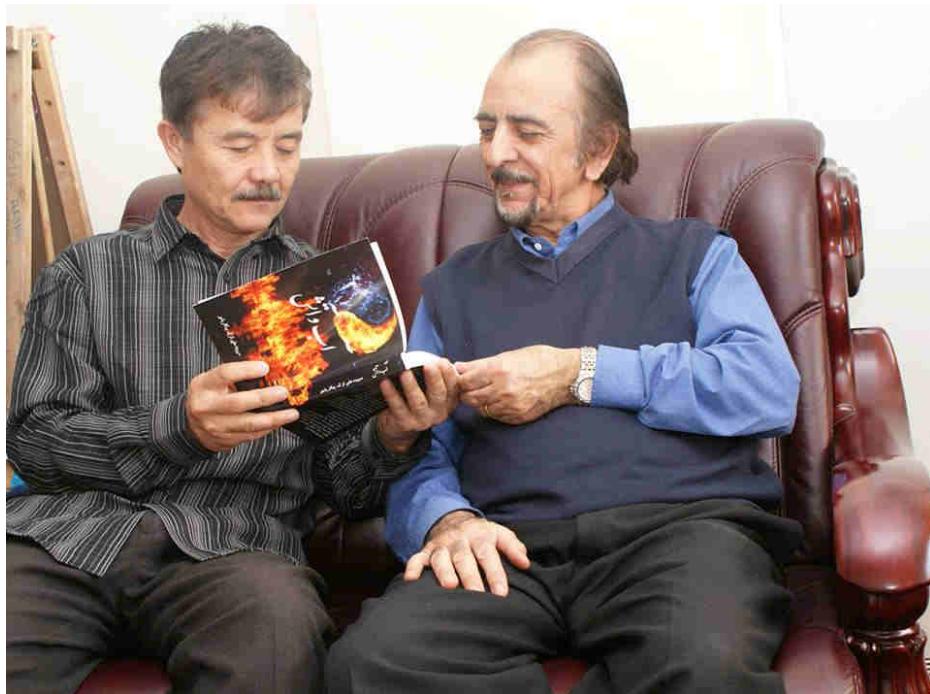
دوستان کانون فرهنگی باختر به شما و حضارگرامی سلام میفرستم.  
آگاهی از تصمیم برگزارکننده گان محفل گرامیداشت فرهیخته گرامی جناب  
کریم پیکار پامیر، برای من خرسند کننده و مسرت بخش بود؛ زیرا این  
نویسنده گرامی سالهای متعدد است که از پایگاه آزاده گی به مسائل میهن

ما و جهان نگریسته است. ابعادی از فرا آورده های قلمی در گستره شعرو ادب، مسایل اجتماعی و سیاسی جهانی و تحلیل هایی از مسایل سیاسی افغانستان دارد که آنها را به موقع انتشارداده است.

در حوزه تاریخ نگاری، دید مورد نیاز زمانه را که لازمه اش بازنگری به حوادث و رویداد های رسم شده پیشینه میباشد، به کار برد است. دو کار متمرکز جناب پیکارپامیر، در پیرامون زمانه پادشاهی امان الله خان و نقش پاکستان در شکل یابی حوادث چند دهه پسین افغانستان، مژده امیدی است که مانند روش چند تن از بقیه قلمزنان کشور، از عمومی نویسی تاریخ ما که دیگرسنده نیست، به سوی تأمل به موارد خاص رسیده است. ویژگی دیگری در کارکرد های قلمی ایشان صراحة لهجه در زمینه ابراز نتایج و برداشت های واضح و عرای از دو پهلو گویی و ابهام نویسی مشهود است. بنابر آن، رعایت فرهنگ احترام و کار برد معیار های قدر شناسانه شما هم سزاوار نیکو داشت و تحسین است . آرزو داشتم در محفل گرامیداشت ایشان به گونه حضوری سخنانی را به عرض برسانم، با آنکه نویسنده گرامی جناب فرهاد لبیب نیز در این زمینه لطف هایی را ابراز داشتند، اما با ابراز تأثر که من نتوانستم از این امکان استفاده نمایم. از اینرو، به این وسیله برای جناب پیکار تدرستی و قلم پُربار آرزو مینمایم.

داکتر ثنا ( نیکپی ) – کانادا

مروری بر کتاب  
**( ظهو رو سقوط اعلیحضرت امان الله خان )**  
اثر کریم پیکار پامیر



## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

در شرایط دشوار کنونی که کشور ما افغانستان در دو راهی جنگ و صلح، قدرت و بی قدرتی، انسجام و بی نظمی و در آخرین تحلیل، هستی و نیستی قرار دارد، عده بی بخاطر دستیابی بقدرت، ولو به شیوه های نامطلوب، ملت بخون نشسته‌ی ما را سزاوار عقبگرایی و ظلمت همیشه‌گی میدانند. کسان دیگری هم هستند که چون جغدان ویرانه نشین، پیام مرگ و بدختی را می سرایند. ولی خوشبختانه در عین زمان، نغمه سرایان هستی کشور، پرنده های مهاجر، این عندلیان خوش الحان و حماسه سرایان هستی، پیام صلح و خوشبختی را زمزمه مینمایند تا به همنوعان خویش بفهمانند که هنوز ریشه هستی و خوشبختی‌خشکیده است.

یکی از پیام آوران صلح و هستی، شاعر حماسه سرا، تاریخ نویس و نویسنده توانای کشور (پیکارپامیر) است. هنوز تأثیرات کتاب (پندارنیک)، اثر دیگری از پیکار پامیر که قبلًا به مطالعه آن توفیق یافته بودم، در ذهن باقی بود که آفریده تازه این صاحب اندیشه پر تلاش و با انرژی کشور بنام (ظہور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان) به دسترسم قرار گرفت. من تاریخ نویس نیستم که ادعای ابراز نظر و یا جسارت نقد آنرا نمایم. این موقف، به من جرأت میبخشد تا آزادانه و با رعایت مسؤولیت اخلاقی، تأثیرات کتاب محترم پیکار پامیر را که بر ذهنم وارد نموده است، بیان دارم.

برتری شیوه تاریخ نویسی پیکار پامیر در آنست که او از اسالیب مؤرخین کلاسیک کشور چون غلام محمد غبار و فیض محمد کاتب و غیره فیض برده، ولی کتاب وی از غایی که ابتکار نویسنده باشد، خالی نیست.

بطورمثال، اگر تاریخ نویسان کلاسیک ما (شیوه خاص غبار) که در بیان حقایق تاریخی همیشه از عام به خاص می‌آید، بدین مفهوم که در توضیح وضعیت خاص تاریخی، اول اوضاع اطراف افغانستان، شرایط بین المللی، منطقی و خود کشور را تشریح نموده بتدریج و رعایت جوانب تاریخی و منطقی به موضوع ویژه تاریخی که عبارت از مقطع زمانی خاص مانند بررسی رژیم و چگونگی آن است، میپردازد. مگر پیکارپامیر نویسنده (ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان) بر علاوه استفاده از این شیوه‌ها، در اصل موضوع کاوش بیشتر از دیگر مؤرخین را انجام میدهد و گاهی هم به اسلوب جدیدی دست می‌زند که بر عکس، شیوه مرور از خاص به عام را به نمایش میگذارد که این شیوه، سوالات و ابهامات موجود در ذهن خواننده را به حداقل کاهش میدهد.

در اثر تازه (ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان)، این شیوه در افشاری دار و دسته محمد نادرشاه، لوینابها، مجددی‌ها، صاحبزاده‌ها، نورالمشایخ‌ها و ملا‌های دیوبندی چنان با مهارت بکار رفته است که وطنفروشان بیگانه پرست را به شاخی باد نموده است تا کاه را از دانه جدا کرده گروه خاینین را از توده وطنپرستان تفکیک نماید. عدم تفکیک خدمت و خیانت یکی از پرابلم‌های بزرگ جامعه افغانی بوده و در شرایط کنونی نیز به قدر کافی جایش را دارد که بدان پرداخته شود و او در این کار، موفقیت‌های بینظیر را نصیب گردیده است. امتیاز دیگر کار پیکار پامیر در آنست که او اول تاریخ مینویسد و بعد از بیان رویداد‌های تاریخی، نظر و مدل خودش را ارایه میدارد. وی واقعات را نه تنها بیان می‌کند،

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

بلکه آنها را تحلیل و ارزیابی نیز مینماید. چنانچه در مورد دوستی اعلیحضرت امان الله خان با شوروی مینویسد : " امروز هستند کسانیکه اعلیحضرت امان الله خان را بخاطر بر قراری روابط دوستانه اش با شوروی آنروز ملامت نموده و عمل تجاوزی سال ۱۹۷۹ م قشون روس به افغانستان را که شصت سال بعد ازان صورت گرفت، با اقدامات دیروزی شاه جوان افغان مرتبط میسازند. البته اینان کسانی اند که یک رژیم نو بنیاد و منافع ملی دولت امانی را نمی شناسند و یا آنرا نا دیده میگیرند. "

یکی از نقایص فاجعه بار تاریخ نویسی در کشور ما چنین بوده است که افتخارات ملی و تاریخی بنام فرمانده، سپه سالار، سلطان و امیر درج میگردید، اما پیکار پامیر افتخارات تاریخی را مربوط به کسانی میداند که واقعاً آن افتخارات را آفریده اند. طور مثال ، او در رابطه به جنگ آزادیخواهانه افغان و انگلیس در قندهار که در سال ۱۹۱۹ م واقع شد، مینویسد : " اقوام و طوایف ارغندایی و ارغستانی و الکوزی و قزلباش و توخی و کاکری و فوفلزایی و محمد زایی و شیعه وسنی و غیره بصورت داوطلبانه به زیر درفش مبارزه مقدس آزادیخواهی جمع شده و چون سیل خروشان بسوی سرحدات به حرکت آمدند. "

خلاصه اینکه پیکار پامیر نه تنها با احتیاط و حرمت از تاریخ نویسان گذشته پیروی میکند، بلکه تاریخ نو مینویسد و تاریخ می آفریند. نویسنده، هنگامیکه رویداد های تاریخی را بیان میدارد، خودش را نیز قربانی جنایات بحساب می آورد و موضوعگیری قاطع اجتماعی اش را بیان میدارد. طور مثال، در جایی مینویسد که " عبدالرحمن خان به جهنم

پیوست ". در اینجا میخواهم موضوعی را که مایه رنج دائمی برای من است ، بیان دارم و آن اینکه دشمنان خارجی ما نه تنها در تحقیق پلان های خاینانه علیه ملت و کشور ما موفق بوده اند، بلکه توانسته اند مقاومت های برق مردم ما را که در مخالفت با منافع خارجی و عمال دست نشانده آنها شکل گرفته و ظهر نموده اند نیز به نفع خود شان بچرخاند.

معلومات مستدل تاریخی در باره گروپ سید حسین و حبیب الله کلکانی که ظهور آنها بدون شک معلول استبداد رژیم های خاندانی و مزدوران خارجی بوده اند، چطور شد که در سر نگونی رژیم مترقی و سرکوب نیرو های آزادیخواه ازان استفاده بر عکس صورت گرفت ؟ این موضوع در شرایط کنونی کشور نیز مسئله حاد است که مبارزات و مقاومت مردم قربانی قهرمان پرستی، کیش شخصیت و مظاهر منفی گردیده و پرسه ای که باید به مقاومت بزرگ ملی علیه حاکمیت خاندانی و قبیله ای منجر میگردید، بر عکس به نفاق ملی به شکل تازه و فاجعه آمیز آن مبدل شد.

چیزیکه تاریخ نویسی پیکار پامیر را برجسته تر از همه میسازد، استفاده از منابع ناب است که با تغییر نسل، این منابع را از دست خواهیم داد. زادگاه نویسنده، پروان زمین است که حوادث دوره سلطنت امان الله خان به آن نزدیکی دارد. شناخت و روابط شخصی نویسنده با افراد مسن آن دوره، به وی کمک نموده است تا معلومات سچه و دست اول را گرد آورده و مورد استفاده قرار بدهد. بطور مثال، حکایت مرحوم عبدالشکور محمود به نویسده در مورد قتل سردار عبدالعزیز در آلمان توسط سید کمال و همچنان جنایت سردار محمد داود که هفده نفر اعضای خانواده سید کمال را

در کابل با فیر ماشیندار به قتل رسا نیده بود، از جمله هزار ها واقعیت تاریخی اند که تا اکنون پوشیده مانده و مردم ما از دانستن حقیقت در کشور شان محروم نگهداشته شده است . همچنان، معلومات دقیق و ناب در مورد سید حسین از زبان پدر نویسنده و مثالهای دیگر، اعبار کتاب را در استفاده از منابع ناب بیشتر میسازد.

استفاده از اسلوب مقایسه نه تنها در تاریخ نویسی، بل در پژوهش و علوم دیگر کاری است حتمی. نویسنده کتاب ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) بار ها از این شیوه استفاده نموده است که در کارش سخت موفق بوده است . بطور مثال، او شخصیت امان الله خان را از زبان دوستان، رقبا، افغانها و خارجی ها بیان و بعداً با نظریات خودش آنرا تکمیل نموده است . چیزی که بیشتر از همه به بر جستگی کتاب افزوده است ، استفاده وسیع از تصاویر، اسناد حقوقی و فرامین، نشانها، نامه ها و کاپی اسناد مربوط به دوره مورد بررسی است که استفاده از شیوه های بصری را در این اثر ممکن ساخته است . استفاده از فرامین ، تصویر روشن و مستند آن دوره را که کتاب به آن اختصاص داده شده بیان میدارد.

مطالعه کتاب ( ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان ) تأثیرات عمیق را به خواننده اش بجا میگذارد که علت آن بیان واقعات و رویداد ها به گونه خاص شاعرانه و ترسیم دراماتیک قضایا میباشد. نویسنده کتاب که شاعر و نویسنده نیز هست، توانسته است مهارت های هنری استفاده از کلمات و جملات را در تاریخ نویسی بکار برد. نمیدانم که این کار تصادفی درنوشتن کتاب غنای تازه بخشیده و یا نویسنده هنگام نوشتن، روح و روان

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

خواننده های احتمالی اش را نیز مطالعه نموده و ضرورت های فکری جامعه کنونی افغانی را نیز در نظر گرفته است که در هر دو صورت، آنرا میتواند برتری های کتاب به حساب آورد.

قابل ذکر میدام که در این کتاب، بارها به معلومات، نقل قول تاریخ نویسان پیشین استناد گردیده است. ولی پیکار پامیر با ترکیب خاص و ظریف و بکار برد شیوه های نگارش، آنرا مؤثر تر ساخته و با آن روح تازه بخشیده است.

مطالعه کتاب مذکور در شرایط سرنوشت ساز کنونی کشور که ساختار دولت و حاکمیت با سهمگیری و نقش خارجی ها مطرح است، ارزش خارق العاده پیدا میکند. (پایان)

پروفیسور داکتر اسدالله (حیدری) – آسترالیا

## یک برگ سبز



هموطنان عزیز!

بعد از تقدیم سلام های صمیمانه خدمت هر یک از اعضای محترم کانون فرهنگی باختر، اطلاعیه شمارا در باره ارجگزاری به خدمات فرهنگیان آزاده کشور، در وبسایت گفتمان مطالعه نمودم. این خدمت فرهنگی شما خیلی ها را ارزش و قابل قدر میباشد.

چون فعلاً در نظردارید تا از خدمات فرهنگی برادر محترم الحاج پیکارپامیر ارجگزاری نمایید، به نظر بnde انتخاب بسیار بجا و مناسب نموده اید. من که آقای پیکارپامیر را هیچ وقتی حضوراً ندیده ام، مگر از طریق وبسایت "گفتمان" و هفته نامه "افق" منتشره سدنی آسترالیا با مضماین و مقاله‌های پُرحتوا و سرشار از احساسات وطنپرستانه و اشعار زیبای ایشان آشنایی داشته و از خواننده‌های آثار با ارزش جناب شان میباشم. بسیار آرزو داشتم و دارم تا در همچو محافل ارزنده‌یک اشتراک نمایم؛ وی بعد مسافه و کهولت سن، این اجازه را برایم نمیدهد. به هر صورت، گرچه جسمًا از شما برادران فرهنگ دوست فاصله دارم، مگر قلبًا و روحًا با شما نزدیک میباشم. چون میدانم که آقای پیکارپامیر یک شخص فرهنگی فرهیخته و مؤرخ واقعیت نویس و وارسته، شاعر شیرین سرا، عاشق و دلباخته وطن آبایی خود افغانستان عزیز ما میباشد، از فاصله هزاران کیلومتر، قلبًا با شما بوده و میخواهم در این محفل خجسته با ارسال یک پارچه شعر میهندی خود؛ تحت عنوان "چاکر شیطان" سهمی داشته باشم. در این پارچه شعر خود قسمی که خواهید شنید، از وطنپردازان خلقی و پرچمی و حائین رنگارنگ کشور عزیز ما به اندازه توان و قدرت خود هجو نموده ام. امید وارم که آقای پیکار در محتوای سروده ام همنوا بوده و آنرا به صفت یک برگ سبز در این محفل نیک ارجگزاری، بپذیرد.

در اخیر، از خالق جهان و جهانیان، از آفریننده قلم، توفیقات هرچه بیشتر از پیش را برای برادر گرامی پیکارپامیر و سایر قلم به دستان وطن پرست خود استدعا دارم.

دکتر عبدالحنان (روستایی) – آلمان

دوم اکتوبر ۱۱۰۲ م

## پیکار پامیر، نمادی از مبارزه و نمودی از آگاهی



قبل از همه سلام و تمنیات نیک خویش را خدمت حضارگرامی تقدیم نموده صحبت، سلامتی و موفقیت همه شما را آرزو مینمایم. درثانی، سپاسگزارم از اینکه زحماتی را برای تدویر و اشتراک در محفل ارجگذاری از کارکردهای ادبی، تایخی و فرهنگی شخصیت وارسته کشور جناب پیکارپامیر کشیده اید.

برای من جای مسرت است که این فرهنگ معقول آهسته آهسته در بین افغانها جای پای بازکرده که از خدمات انسانهای بزرگ در زمان حیات شان

قدرتانی صورت میگیرد و شما با تجلیل این محفل، گام مؤثر دیگری اندرين راه گذاشته اید که کامیابی نصیب تان باد.

اینجانب بسیار علاقه مند بودم تا دراین محفل، حضور اشتراک میکردم، ولی متأسفم که اوضاع و احوال موجود، رخصت نداد تاریخ دوستان و عزیزان و دراجمن مخلسان شخصیت عزیزکشور جناب پیکارپامیر شرکت میکردم. لذا، با ابراز معذرت از این کوتاهی، چند سطرمحدودی درمورد فعالیتهای خسته گی ناپذیر این دوست مبارز و آگاه مینویسم :

با جناب پیکارپامیر از عرصه حدود چهل سال بدين طرف آشنایی دارم. درست از آوانی که او جوان بود و مانند بسی از مبارزان دیگر، آرزوی ایجاد تغییر و تحول اجتماعی در افغانستان، درسینه اش می جوشید. بدون شک یک چنین آرزویی که از اعماق دل خاسته و از اوضاع و احوال اجتماعی کشور منا گفته بود، کار فراوان و قربانی بی پایان می طلبید.

پیکارپامیر بادرک این حقیقت که تحولات اجتماعی نه تنها به مبارزه بی امان، بلکه به آگاهی فراوان نیازمند است، پیوسته در همین مسیر گام بر می داشت. از همین جاست که درد های اجتماعی را در قالب شعر می آورد و برای ارتقای آگاهی به مطالعه می پرداخت و مینوشت، می آموخت و می آموختند. خواندن و نوشتن در وجود نحیف شیخان عجیل شده است که این یکی بدون آن دگری و این هردو بدون او نمیتوانند مفهوم بیابند و از این جهت به اجزای جدایی ناپذیری تبدیل شده اند.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

پیکارپامیر در هنگام جوانی، هرزمانیکه به روستای ما می آمد، کتابی یا روزنامه‌ی، شعری یا نبشه بی با خود میداشت و از سرلطف، بخشی را نیز به اینجانب اعطا میکرد. خوشبختانه که این عرف نکو و این لطف خوش او در حق من مثل سابق جریان دارد؛ چنانکه چند هفته قبل، جلد دوم کتاب " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " را توسط دوست مشترک ما جناب فرهاد لبیب برایم فرستاد که بدینوسیله از هردوی این بزرگواران ابراز سپاس مینمایم.

پیکارپامیر در سنین جوانی با همان صلابتی که شعر می سرود و مضمون مینوشت، به همان پخته گی به مبارزه بی امان در سایر عرصه‌ها نیز دوام میداد. به قضايا هیچگاهی از دریچه احساس و شتاب زده گی نمی دید، بلکه به عمق آنها می پرداخت و با تدبیر و حوصله مندی عمل میکرد. مبارزه داغ و بی امان از یک جانب و حوصله مندی و تواضع و برد باری از جانب دیگر، این شعر (بیدل) را در وجود پیکارپامیر مصدق میداد که سروده بود:

**باکمال سرکشی(بیدل) توضع طینت  
همچو زلف یارمینازد به ما افتاده گی .**

واقعاً که این شکسته گی و افتاده گی، نرمش و تواضع یکی از خصلتهای والای انسانی پیکار پامیر است که با حفظ تلاطم درونی چون بحر عمیق، در برون درآرامش است و به این قول عارف باورمند است که گفته بود:

**ز دیگ پخته گان ناید صدایی      خوش از مردمان خام خیزد**

درست همین خصوصی‌های پیکارپامیر بود که با وجود آنکه او در زمان جمهوریت داود خان مأمور وزارت امور خارجه افغانستان بود، به مبارزه پیگیر علیه آن دولت مستبد میپرداخت؛ بدون آنکه در دام بلای آن بیافتد.. این جانب که از احوال پیکارپامیر بی خبر بودم، تصور نمیکردم که او از دم تیغ قاتلان حرفی جان به سلامت برده باشد. پس از تر دریافتمن که او از پاکستان به هند رفته و از چنگ اهرمن نجات یافته است. این خبر خوش بر من اثر بسیار گذاشت و خوشحال بودم از اینکه این دوست دیرینه و ارجمند در قید حیات است. پیکارپامیر در جریان اقامت در پاکستان و هند، لحظه ایرا خاموش ننشسته و وطن و باشندگان آنرا از یاد نبرده، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با یاران و عزیزانش به راهش ادامه داد. نوشه های پُربار او که در مطبوعات افغانی در هند به نشر میرسید، مثل همیشه طبیعی بود از آزادی و پیکی داشت از آزاده گی.

گرچه بازی سرنوشت، پیکارپامیر را هزاران کیلومتر دور تراز میهن به آن طرف اوقیانوس در کانادا پرتاپ کرد، ولی هرگز نتوانست ذره بی از علاقه مندی و عشق او را نسبت به میهن و هم میهن از وی بستاند. محیط مهاجرت در کانادا ساحات و زمینه های وسیع تر و بیشتری از مبارزات را در برابر چشمان جست و گر پیکارپامیر میگشود. برخلاف عده بی از روشنفکران سر خورده که در همچو محیط های مهاجرت در گرداب افسرده گی و دلزده گی می افتند و یا از میدان مبارزه کنار میروند؛ پیکارپامیر توانست که با قامت راست هرچه رسا تر فریاد مردم مظلوم افغانستان با بالا کند. همین بود که ساحات وسیع مبارزه در کانادا، جولانگاه افکار آزادی و

آزادیخواهی پیکارپامیر گردید و او توانست از همان دور دستی‌ها به تشریح عوامل مصائب افغانستان بپردازد. بخصوص دراثردو جلدی اش تحت عنوان " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" نکات مهم و اساسی مصیبت‌های چند دهه اخیرکشور را نشانی کرده است. شناخت او در دوران ماموریتش از پاکستان و مخصوصاً از نقش سازمان استخبارات نظامی (آی.اس.آی) آن کشور و اطلاعات او درخصوص مزدوری و مزدورمنشی و حشت احزاب اسلامی، این کتاب را از اسناد مؤثق و استدلال منطقی بسیار غنی ساخته است. پیکارپامیر در این کتاب، نقش پاکستان و احزاب اسلامی را در تراژیدی خونین و بی‌سرانجام افغانستان بصورت علمی و منطقی تحلیل و تجزیه کرده و راه برونو رفت از این مصیبت را نشان میدهد.

آنچه پیکارپامیر سالها قبل دریافته و در این کتاب بر رشته تحریر درآورده بود، اینک دولت دست نشانده افغانستان با گله‌هایی از مشاورین امنیتی خویش تازه دو روز قبل، شمه‌ای بدان پی برداشت و گفتند که برای تأمین امنیت با طرف اصلی که پاکستان است باید به مذاکره نشست و نه با طالبان.

این کتاب که یک اثر تحلیلی است، در عین حال به گوشه‌هایی از تاریخ معاصر افغانستان نیز روشنی انداخته و ازین‌رو ارزش تاریخی نیز دارد. معرفی این کتاب پُرمحتوا، مقاله جدگانه می‌طلبد که از حوصله نبسته حاضر بدور است. فعالیتهای فرهنگی پیکارپامیر بسیار زیاد بوده و بررسی

آنها رساله حجیمی میخواهد. با وجود آن هم در ذیل به چند مورد آن مختصرآً اشاره میگردد:

## اول: مقالات

پیکارپامیر صدھا مقاله درمورد افغانستان به رشتة تحریردرآورده است که شامل مقالاتی در باره تاریخ افغانستان، سیاه روز ششم جدی و پیامد های ننگین آن، جنگ و مصائب ناشی از آن، جنایتکاران جنگی، عدالت و بازخواست، انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، ولسی جرگه، مشرانو جرگه و غیره میباشد.

پیکارپامیر با درک این موضوع که حکومات طماع پاکستان و ایران در افغانستان بازیهای خطرناکی میکنند، آنها را فراموش نکرده مقالات افشاگرانه زیادی درخصوص حکومت پاکستان، بی نظیربوتو و طالبان، مدارس دینی، سازمان استخبارات پاکستان و جنرال حمید گل، جنرال کیانی و غیره نوشته است. همچنین جنایات و سیاستهای دولت آخوندی ایران و استبداد مذهبی آنرا افشا کرده است. خصوصیت عمدۀ مقالات پیکارپامیر یکی درآنست که همیشه درمورد قضایای حاد و جدید به سرعت دست به قلم بُرده و قبل از آنکه دیر شده باشد، مضمونی تحریر میکند و در آن راه نجات را نشانه میگیرد. چنانکه در همین روزیکه من در مورد پیکارپامیر مینویسم، او درمورد بمباران کنر توسط پاکستانیها در مقاله جالبی تحت عنوان "جنگ اعلان نا شده پاکستان علیه افغانستان" ، مؤرخ اول اکتوبر ۲۰۰۱م، دسایس پاکستان را بر ملا ساخته در زمینه چنین پیشنهاد میکند :

آنچه عجالتاً ایجاب میکند اینست که مردم سراسر افغانستان به پا خیزند و با یک صدا علیه چنین توطئه ضد ملی اعتراض نمایند. افغانهای پناهنه درخارج نیز نباید خاموش و ملاحظه گرباقی بمانند. آنها نیز بایستی با برآه اندازی اعتراضات دموکراتیک و افشاگرانه شان ، صدا و فریاد تلخ مردم دردمند افغانستان را بگوش جهانیان برسانند تا گوشه بی از دین میهند شان را درچنین وضع تأسف بار انجام داده باشند. "

علاوه براین، پیکارپامیر درمورد ارجگذاری از دانشمندان افغان و محافظ افغانی مانند کاروان شعر، محفل بزرگداشت از ابوالمعانی بیدل و غیره مقالات متعددی نوشته اند که هرکدام شایسته توجه بوده و حامل پیامی میباشد.

یکی از خصوصیات برازنده دیگر مضامین پیکارپامیر، معرفی شخصیت های تاریخ افغانستان و نقش آنها در جنگهای استقلال میباشد. مانند معرفی قوماندانان جنگهای اول و دوم در مقابل تجاوز انگلیس، فعالیتهای اعلیحضرت امان الله خان، محمد هاشم زمانی و عده دیگر. تاجاییکه برای پیکارپامیر مقدور بوده، کوشیده تا آثار جدید نویسنده گان را نیز معرفی نماید. از آن جمله است معرفی کتاب " از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه "، " جنایات حزبی "، " خاطراتی از یک زندان دیده سرزمینم " و غیره پیکارپامیر، حقه بازیهای دولت دست نشانده افغانستان را به تحلیل گرفته و مقالات متعددی درمورد کرزی، کنفرانس های لندن، توکیو و غیره به رشتہ تحریر درآورده است. او در مقالات دیگری، تجاوز ناتو به افغانستان و بمباران کشور ما را توسط قوای مت加وز و خود سری های خارجیها را به

شدت محکوم کرده و برای استرداد استقلال وطن، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور رهنمود های جالبی ارائه کرده است. همچنین پیکارپامیر توطئه تجزیه طلبان را که زیرنام فدرالیزم و در همویی با اجنبی صورت میگیرد، افشا نموده و در مضامین مختلف به ریشه یابی این دسایس پرداخته است. مضامینی که پیکار پامیر در مورد تریاک و تروریسم بگونه مثال در مقاله "افغانستان، کشور تریاک و تروریسم طالبی" نوشته است، نیز از اهمیت خاصی برخوردار میباشد.

## دوم : ترجمه ها

پیکارپامیر با درک این موضوع که در زبان انگلیسی معلومات علمی، سیاسی و غیره به قلم دانشمندان و متخصصان خارجی به نشر میرسد، کمر به ترجمه نیز بسته و آثار متعددی را از منابع مختلف انگلیسی زبان به فارسی دری برگشتنده است . از آن جمله، ترجمه های ذیل به عنوان مثال "برشمرده میشوند: سؤال حراست از پروژه های کانادایی در افغانستان" ، "گسترش نقش عربستان سعودی در نابودی جهادیها" ، "طالبان پلان کشتن گروگان کانادایی را به تعویق انداختند" ، "استراتژی اوباما راجع به افغانستان و اظهارات مطبوعات کانادا در این مورد" ، "جنگ زرداری و نواز شریف در پاکستان" ، "روستاییان بیجا شده به استخدام طالبان در می آیند" ، "ریس جمهور دست نشانده امریکا در کابل خاموشانه نخواهد رفت" ، "زمزمه های استعماری پیرامون تجزیه افغانستان" ، "انستیتوت تحقیقات استراتژیک انگلیس، تجزیه افغانستان را پیشنهاد میکند" ، "آینده و مأموریت

نیرو های کانادایی در افغانستان" و ده ها ترجمه دیگرکه هر کدام آنها در جایش قابل تحسین است.

### سوم: شعر

پیکارپامیر افکار و طندوستانه خود را در قالب شعرآورده و فریاد خود را بلند کرده و راه نجات مردم را ترسیم نموده است. او در مقالاتی تحت عنوان " سخنی کوتاه پیرامو شعرنو در جامعه افغانی " و " نقش شعر و رسالت شاعر در قبال جنگ مقاومت ملی "، از شاعران وطن خواسته است تا از تعریف گل و سنبل حذر کرده برای آزادی و آزاده گی و نجات میهن از چنگ اریمنان، شعر بسرایند. چنانکه خوش دریک مخمس تحت عنوان " بیگانه پرستان " نخست، حال زار وطن را بیان کرده و در پایان همین مخمس، راه حل مشکل را نشان میدهد :

### بیگانه پرستان

از میهن غمیده و این مردم غمناک  
یارب ! چه بگویم که چه افتاده درین خاک  
مردم شده آواره و گریان و یخن چاک  
خون موج زند در بُن هرشاخه و هرتاک  
دلها همه افسرده و خونین و فگار است

....

هندو و مسلمان و نصارا و برهمن

روزی که شود یکدل و یکپارچه و یک تن  
آنگه نگری جمله جهان شاد و مطنطن  
زان پس اثری نیست نه از "ما" و نه از "من"  
از بهر همین غایله (پیکار) به کار است .  
همچنان درشعر دیگری با صراحت میگوید :  
ای صلح و صداقت توکجایی که نیایی  
بنگر که کند درهمه جا فتنه خدایی  
از اشعار پیکارپامیر پیداست که افکار او تنها بر افغانستان خلاصه نمیشود،  
بلکه او در سطح جهان و در مجموع برای بشریت و راه نجات اولاد آدم  
می‌اندیشد. از همین روست که درشعر "جهان ما" چنین میگوید:  
ای جهان زیباستی اما چه سود اهرمن خویان خرابت میکنند

درمیان شعله های خشم و کین می گدازند و کبابت میکنند.  
وی که انسان عدالتخواه است، در سروده "جهان و بیعدالتی" چنین میگوید:  
درجهان ما که تا بینی به تحقیق ای دریغ !  
دزد و فاسد باهم و قاضی و قاتل هم صداست

پیکارپامیر برگشت هم میهنان را درپرتو آزادی به میهن مهم دانسته و  
تقاضا میکند تا هجرت دیده گان به وطن باز گردند. چنانکه درشعر "برگرد"  
آورده است :

برگرد ای مسافر دیر آشنای ما دیگر مگو ز هجر و میاور بهانه ها در مو  
رد توانایی ها و پخته گی شعر پیکارپامیر باید نوشت که اشعار او ورد زبان  
مبارزان و پیام آوران آزادی بوده و بیان درد واقعی مردم ما میباشد. پیام  
هایی را که پیکارپامیر در اشعارش می گنجاند، شورش است و طغيان،  
آگاهی است و آزادی. افسوس که درین مختصر گنجایش ندارد تا به آن به  
تفصیل پرداخته میشند.

#### ۴: مصاحبه ها

پیکارپامیر برای معرفی و صیانت از فرهنگ افغانی، با هنرمندان افغانستان  
مصاحبه هایی را انجام داده است که بسیار قابل قدر میباشد. از آن جمله، باید  
از مصاحبه های او با هنرمندانی مانند خانم قمرگل، عبدالله نوامبی شادکام،  
شمس الدین مسرور، وحید قاسمی، عزیزالله هدف، عبداللطیف پاکدل نام  
برد. در این مصاحبه ها درمورد شعر، موسیقی و تیاتر افغانستان معلومات  
سودمندی را به شنونده گان تقدیم کرده است. اگر درمورد فعالیتهای  
پیکارپامیر که از طریق رادیوی "رنگین کمان"، مخصوصاً از برنامه "نگاهی به رویداد های سیاسی افغانستان و جهان" پخش شده، بنویسیم،  
چندین صفحه دیگر پرخواهد شد. لاتن نا گفته نمیگذارم که در هرجایی که  
پیکارپامیر روزنه یی دیده است، از آن روزنه فریاد مردم جگرسوخته اش  
را بلند کرده بر ضد مت加وزان، جنگسالاران و جنگ افروزان و به دفاع از  
منافع ملی برآمده و پیوسته به مردم آگاهی داده است. بدین ترتیب،

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

پیکارپامیر واقعاً نمادی از مبارزه و نمودی از آگاهی میباشد که عالم مبارزه و آگاهی را همیشه بلند نگهداشته است.

با درنظرداشت اینکه در نوشتن آثاریکه پیکارپامیر به رشتة تحریر درآورده، وقت زیاد مصرف و خون جگر بسیار خورده شده، لهذا باید براین خدمات و خدمات ارج فراوان گذاشت. حضرت بیدل میفرماید:

(بیدل) از فهم تلاش درد غافل نگذری  
دل بصد خون جگریک آه موزون میکشد.

اینجانب به نوبه خود به فعالیت های گستردہ و عمیق دوست گرانمایه ام ارج بسیار گذاشته برایشان صحتمندی آرزو نموده تمنا دارم او مثل گذشته به پیکارش ادامه دهد. همت ات چون پامیر بلند و فیض ات چون آمو روان باد ! با محبت بسیار.

## بخش سوم

### برگزاری محافل بزرگداشت از سوی نهادی های

#### فرهنگی- اجتماعی

#### شامل سخنرانی ها ، مقالات و پیام ها

هموطنان قدردان ما، بخصوص جامعه‌ی افغانی در شهر بزرگ تورنتو، بر بنیاد درک عمیق از انسان و براساس فرهنگ‌دستی ها و فرهنگ پروریهای شان، نه تنها در برابر پیکارپامیر همیشه از احترام و محبت کارگرفته اند، بلکه در مقاطع مختلف از کارگردهای ادبی، فرهنگی و تاریخی وی با برگزاری محافل شکوهمند، سخنرانی های جذاب و تقدیم تحایف و غیره ارجگزاری نیز بعمل آورده اند. این درک و حسن نظر و این قدردانی ها از یک قلم بدست ویک خادم میهن، آنهم در دور دست ترین نقطه‌ی جهان، بیانگر آگاهی بلند و شناخت منطقی و منصفانه‌ی هموطنان

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

عزیز ما بوده و ما را به آینده‌ی روشن ترفهنه‌ی و اجتماعی امید وار میسازد.

پس بهتردانستم در اینجا از برگزاری بعضی از محافل منوط به بزرگداشت از کارکرد های پیکارپامیر، منحیث نمونه و بگونه‌ی گزارش مختصریاد کنم:

**الف:** به روز شنبه هشتم ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱ میلادی، همایش شکوهمندی بخاطر ارجگزاری از کارکرد های ادبی - فرهنگی و امورتاریخی کریم پیکارپامیر، از طرف " کانون فرهنگی باختر" در بزرگ‌شهر تورنتوی کانادا برگزار گردید.

این همایش بزرگ که در آن تعداد غیری از نویسنده‌گان، شاعران، ژورنالیستان و اهل مطبوعات افغانی و ایرانی اشتراک ورزیده بودند، به ساعت هفت شام شنبه در سالون فرهنگی اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو صورت پذیرفت.

متعاقب تشریف آوری مهمانان، محترمه سعیده لبیب و رامین بهارابی که گرداننده گان همایش بودند، از محترم فرهاد لبیب رئیس کانون فرهنگی باختر تقاضا به عمل آوردند تا با سخنان مؤجزخویش، محفل را بیآغازد. ایشان در حالیکه حضور مهمانان را خیر مقدم گفت و از ذوات فرهنگدوسن و رسانه‌های افغانی و ایرانی که از همکاریهای صمیمانه و نشر اطلاعایه‌های کانون مذکور پیرامون این همایش دریغ نکرده بودند، ابراز سپاس نمود و سپس خطاب به حضار چنین گفت: " در این شب و روزیکه از

## محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

یکطرف اوضاع مملکت عزیزماً شدیداً آشفته است و از سوی دیگر، تعداد زیادی از هم میهنان ما دربرابر تعدی ها و تجاوز های اجنبی بالای خاک و نوامیس ملی ما زبان فرو بسته اند، شخصیت هایی که درجهت افسأ دشمنان میهند، آگاهی دهی برای هم وطنان و بخاطر رهایی سرزمین آبایی ما از اسارت جهل و جنون و اشغالگری اجانب قلم و قدم میزنند، سخت قابل ستایش هستند که کریم پیکار پامیر یکی از این قلم رانان و قدم زنان است..."

متعاقباً دکتراجرالدین حشمت محقق و مؤلف کتاب "از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان"، عقب مایکروفون قرار گرفته از سخت کوشی ها و آثار متعدد تاریخی پیکارپامیر بگونه بزرگوارانه بی ستایش بعمل آورد. داکترحسین دانشور رئیس اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو نیز ضمن بیان سجایای اخلاقی و ارزش آثار شعری و فرهنگی پیکارپامیر اظهارداشت که "از سی سال بدینسو، افتخار شناخت نزدک با وی را دراد و همیشه شاهد کرد کردهای قلمی و اجتماعی او بوده است."

در لابه لای سخنرانی ها و دکلمه اشعار ووجیزه ها، شرح زنده گی پیکارپامیر که قبلًاً توسط کانون فرهنگی باختر بگونه صوتی مرتب گردیده بود، برای حضار شنوانده شد و در عین حال، برخی از پیام های رسیده از قاره های مختلف جهان که از سوی شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشگاهی به همین مناسبت عنوانی کانون فرهنگی باختر موافق نموده بودند، بخوانش گرفته شد.

آقای محمد اکبر پروانی نویسنده و فعال سیاسی و اجتماعی که جلد دوم کتاب " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" تألیف پیکارپامیر را مرور نموده بود، بصورت نسبتاً مفصل در مورد اثر مذکور صحبت نموده روی نقاط بر جسته، مؤثرو متباز آن مکث نموده گفت: " خوانش این اثر، خواننده را به عمق فجایع، دخالتها و خیانت های همسایه های افغانستان متوجه ساخته و حقایق زیادی بصورت مستند و مصور در صفحات آن، مورد بررسی قرار داده شده است. "

بانو حنیفه فریور، شخصیت فرهنگی، فعالی اجتماعی و مسؤول ماهنامه " پیام روز" ضمن صحبت مشرح، خطاب به حاضرین گفت: " مقالات، تبصره های سیاسی و سایر آثار قلمی پیکارپامیر را در اکثر نشریه های چاپی و انترنتی می خواند و می بیند که وی در تحت هر نوع شرایط اجتماعی و سیاسی، هرگز احساس خسته گی نکرده با روحیه بلند و امید به آینده به فعالیتهای قلمی و سیاسی خویش ادامه میدهد. "

بانو فریور علاوه نمود که " تا جایی که خود شاهد بوده است، پیکارپامیر فریفته و دلبسته هیچ نوع زرق و برق دنیایی نشده با متناسب و استواری به پیش می تازد. "

آقای علیشاه احمدی عباب، شاعر با درد میهن مان، ضمن ابراز خوشی و تهییت گویی به پیکارپامیر، پارچه شعر زیبا و رسای خویش تحت عنوان " تصویر تکرار" را دکلمه نمود که مورد استقبال اعضای محفل قرار گرفت. در بخش دوم این همایش که پس از تقریح و صرف غذا ادامه یافت، آقای محمود با هر فرمی مبلغ، شاعر و نویسنده افغان ضمن بیانیه

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

شورانگیزتوم با احساسات نیک، نه تنها اقدام " کانون فرهنگی باختر" در راستای برگزاری همچو همایش ها غرض بزرگداشت از شخصیت های آزاده و وارسته کشور را ستود، بلکه تلاشها و تپیدنها بی وقفه پیکارپامیر در دراز نای سالهای طولانی را نیز به نیکویی یاد کرد. وی علاوه نمود که چنین همایش ها باید در آینده ها نیز صورت بگیرد.

آقای وکیل بهارابی گرداننده برنامه رادیویی " رنگین کمان " با ابراز احساس عمیق درقبال همایش ارجگزاری، طی سخنرانی نسبتاً مفصل خویش از خاصیت، پیشامد، حرارت و جذیت های مثبت پیکار پامیر در امور اجتماعی، ادبی و سیاسی نه تنها بمثابة همکار دائمی رادیو رنگین کمان، بلکه بعنوان شخصیت چند بعدی یاد آوری نموده علاوه نمود که وقتی کار و تلاش و امید واریهای پیکارپامیر را مینگرد، انرژی دو باره بدست می آورد و بکارها دلگرم ترمیشد.

آقای عنایت شریف نویسنده، نطاق و مفسر سیاسی شناخته شده، دریک صحبت مؤجز و شمرده شده گفت : " اگرچه تا قبل از این، هچگاه از کارکرد های پیوسته و بی وقفه پیکار پامیر بگونه حضوری ستایش بعمل نیاورده است، ولی حال باصراحت و صمیمیت میگوید که او ( پیکارپامیر ) نه تنها همیشه بسیار مؤدب و مؤقر است، بلکه قلم و بیان رسا و آتشین نیز دارد و نوشته هایش در همه جا جلب نظر میکند که مایه خورسندي است.

خانم انیس زیرک فعال اجتماعی، یکی از سروده های پیکار پامیر تحت عنوان " قصه خوان " را به دکلمه گرفت.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

کریم پیکارپامیر در پایان محفل، عقب مایکروفون قرار گرفته ضمن  
قدردانی از دست اندکاران کانون فرهنگی باخته، ذوات سخنران و  
صاحبان پیام‌ها و همکاران و همدلان عزیزدیگر، خطاب به حضار گفت:  
" خودش را سزاوار آنهمه اوصافی نمی‌بیند که هموطنان گرامی در حق او  
ابراز فرمودند؛ زیرا وی هنوز کارهایی را که مادر میهن انتظار دارد،  
انجام داده نتوانسته است... ولی، علی رغم همه گونه تضیقات و تخریباتی  
که از سوی برخی عناصر (یا معرضنده و یا ناگاه) علیه وی صورت گرفته  
و یا میگیرد، در پیشگاه مادر وطن قبلًا تعهد سپرده و بار دیگر تعهد می  
سپارد که تا آخرین رمق هستی علیه ظلمت، اسارت، بیعدالتی و وطنفروشی  
دست از طلب ندارم تا کام من برآید  
بنویسد و برمد .  
یا جان رسد به جانان یا جان زتن برآید.

در ختم محفل، آقای فرهاد لبیب مسؤول کانون فرهنگی باخته، پورتريت  
پیکارپامیر را که با انگشتان هنرآفرین ابوبکرایوبی، یکی از نقاشان چیره  
دست کشور نقش گردیده و از قاره اروپا بمناسبت همین همایش فرستاده  
شده بود، برای آقای پیکارپامیر تفویض نمود که با ابراز تشکر پذیرفته شد.

## سخنان محترمه سعیده (لبیب) گرداننده محفل بعنوان آغاز محفل

" دوستان و مهمانان عزیز اسلام علیکم ! از همه اولتر، تشریف آوری شما را در این محفل خجسته فرهنگی که با خاطر ارجمندی از کارکردهای جناب پیکارپامیر برگزار گردیده است، خیر مقدم میگوییم و امید وار هستم لحظات خوبی را با ما داشته باشید.

احمد شاملو چنین فرمود :

من فکر میکنم  
هرگز نبوده قلب من  
اینگونه گرم و سرخ:  
احساس میکنم  
در بدترین دقایق این شام مرگزای  
چندین هزار چشمۀ خورشید در دلم  
میجوشد از یقین؛  
احساس میکنم  
در هر کاره و گوشۀ این شوره زار یأس  
چندین هزار جنگل شاداب  
ناگهان میروید از زمین.

متن سخنرانی فرهاد (لبیب)  
مسؤول کانون فرهنگی باختر



دوستان و مهمانان گرانقدر ! از همه اولتر تشریف آوری یک یک شما را در این محفل که بخاطر ارجمند از خدمات خسته گی ناپذیر جناب پیکارپامیر تدویر یافته، خیر مقدم میگوییم. وظیفه خود میدانم از هیأت رهبری اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو، بخصوص از شخصیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ما (جناب داکتردانشور) بخاطر محبت های بی شایبه شان با کانون فرهنگی باختر، اظهار سپاس نمایم. همچنان از رسانه های چاپی،

صوتی و تصویری هموطنان و هم زبانان عزیزی که در قسمت پخش آگاهی های مربوط به این محفل با ما همکاری نموده اند، قدردانی نموده بصورت خاص از جناب حسن زری مسؤول هفته نامه وزین " شهر وند" سپاسگزاری میکنم. از ذوات محترم فرهنگی، ادبی و اجتماعی جامعه افغانی در شهر تورنتو که در این محفل تشریف آورده اند، نیز اظهار تشکران مینمایم. دوستان و مهمانان گرانقدر ! اگر در میان یک جامعه، یک ملت و یا یک قوم، اولاً فرق میان خوب و بد، زشت کار و نیکو کار و فرق میان فرزندان خلف و نا خلف صورت نگیرد، آن قوم و آن ملت نابود شدنی خواهد بود. روی همین ملحوظ است که ملتهای زنده، آگاه و سر بلند، فرزندان خدمتگزار، دلسوز و آگاه خویش را قدر میکنند، جاده ها و اماکن مهم را بنام آنها مسما میسازند، شرایط بهتر زنده گی را برایشان آماده میکنند و ... ولی برخلاف، اقوام و جوامع استعمار زده و نا آگاه، نخست فرق میان خوب و بد را از دست میدهند و چه بسا که زشتکار، قاتل و وطنفروش و ناسپاس را بیشتر از یک ادیب، شاعر، مؤرخ و نویسنده دلسوز و آگاه مورد تکریم و اعزاز قرار دهند.

هموطنان گرانقدر ! من، منحیث مسؤول "کانون فرهنگی باختر" در محفل ارجگزاری امروزی مان، دو وجه تمایز از محافل دیگری که قبل برگزار نموده ایم، می بینم :

(اول) همکاری بی شاییه دوستان از داخل شهر تورنتو، تا آنجا که نگذاشتند حتا یک پول از جیب گرداننده گان این محفل مصرف شود و مهمتر اینکه این

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

همکاری ها، نه بخواست و فرمایش ما، بلکه داوطلبانه و آرزومندانه صورت گرفته است.

دوم) پیام های شادباش و تحسین بر انگیزی که از چهارگوشة جهان موافق است نموده اند. آنچه نزد من از اهمیت شکفت انگیز برخوردار است، اینست که چه کسانی به مناسبت این محفل ارجگزاری پیام فرستاده اند و چه وجه مشترکی باهم دارند؟

بلی ! همه آنها نویسنده گان، شуرا و مؤرخان فعال و نیکنام ما هستند. همه آنان مردمان آزاده، ضد استعمار، سلحشور و وطنپرست واقعی اند که نه به شرق سرخم کرده اند و نه به غرب.

این دو وجه تمایز به عقیده من، جایگاه خاص جناب پیکارپامیر را در جامعه افغانی ما در کانادا و سراسر جهان مبارز میسازد. به هر حال، امید و ارم چنین مجالس فرهنگی قدرشناسانه را برای سایر فرزندان آزاده، باهنر و ارزشمند میهن مان در آینده ها هم داشته باشیم والسلام.

### کیست (پیکار) که (پامیر) مینازد برایش ؟!

اینک، نخست پارچه شعری از جناب (پیکارپامیر) تقدیم شما عزیزان میشود:

چه آمد ای خدا از گردش ایام در میهن  
که روز روشن ما شد سیه چون شام در میهن  
کی میگوید که آرامش بود در کشور افغان

کزان هرگز نباشد معنی بی جز نام درمیهن  
نه پروای وطن دارد نه شرم از مردم دنیا  
بدآیین سیه اندیش بد فرجام در میهن  
لهیب جنگ و غارت سوخت هست و بودما(پیکار)  
چنان کز بُن فرو افتیده درب و بام در مین .

در اینجا سخن از (پیکار) است که کوه‌ها و جلگه‌های (پامیر) بر زنده‌گی و پیکارش خردمند و گردن فرازی دارند و امیدواری...، چه، در روزگاری که تعدادی از فرزندان "بابا و پامیر" یا مزدور استعمار شده‌اند و یا هم از جهالت ورزی، هیزم بیار آتش‌دشمن. و یا هم از زبونی لب فرو بسته نظاره گر غارت گشته‌اند و هم تعدادی بنام قلم بست و فرهنگی از قماش آن‌هایی که در بالا ذکرش رفت. بلی، آنها در این امواج خون و آتش یا سکوت کرده‌اند و یا هم برای اینکه بازار فضل و دانش شان همچنان پُرخریدار باشد، خود را در کوچه‌های پُر رنگ و بوی "ندیدن‌ها" و "نشنیدن‌ها" مصروف نگه داشته‌اند.

آری! در این زمان و مکان، (پیکارپامیر) قلم و قدم و درهم اش را برای آزادی و سر بلندی "پامیرو بابا" ، "آمو" و "اباسین" بکار گرفته است. او در این راه، آگاهی و فراست، دانش و دانستن، خواب و راحت، پول و مکنت اش را یکسره از یاد برده و برای آزادی زادگاه و مردمش روز را از شب نشناخته است... بدین خاطراست که جلگه‌ها و دره‌های "بابا و

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

پامیر" امواج سرکش و کف آلد "آمو و اباسین" ، با داشتن چنین فرزندی  
فخر دارند و گردن فرازی ؛ سربلندی دارند و امید واری ...  
باز هم سروده بی از او: باشد مرا به سینه همه داغ میهنم  
آنجا وطن در آتش و اینجا نگر تم  
خونِ جگر ز دیده به دامن همی چکد  
هردم چراغ لاله فروزد به دامنم  
دردا وطن بسوخت و من زنده ام هنوز  
زین زنده گی نکوست به یکباره مردنم  
جز سوز و جز تپیدن و(پیکار) وجُست وجو  
هرگز کسی ندیده دمی آرمید نم .

بلی ! پیکارپامیر در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، آنگاه که جلگه ها و دامنه های  
کوهستان پروان زمین را لحاف سیمین برف در برگرفته بود،  
در شهر چهاریکار مرکز ولایت پروان دیده به جهان گشود، ولایتی که زادگاه  
مردانی چون "امام حنیفه غاری" ، میر عبدالقادر خان او فیانی ، "میربچه  
خان کهدامنی" ، "عثمان خان" ، "جلدرخان" و صدها غازی نامدار  
دیگر میباشد.

پیکارپامیر آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش بسر رسانید  
وشامل اداره انسٹیتوت صنعت را در مرکز سرزمینش (کابل) گردید. او  
هنوز شاگرد صنف نهم "لیسه نعمان" پروان بود که جریده "رخشان" را  
هر دو هفته برای شاگردان آن لیسه منتشر میکرد.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

پیکارپامیر از آوانیکه خودش را و جامعه اش را شناخت، متوجه ستمگریها، بیعدالتی ها و فرهنگ ستیزی های ناشی از سیاست های ضد مردمی رژیم های حاکم در سرزمینش گردید. از دیدن حال زار مردم و سیه روزی های جامعه خویش سخت رنج می برد و در آن موارد تقدیر میکرد. وی هنوز جواب بود که کتاب " گلهای صحرایی" حاوی یکهزار دویستی محلی را جمع آوری نمود غرض نشریه وزارت اطلاعات و کلتوروقت سپرد، ولی اثر مذکور بدون هیچ عذرخواهی از نشر بازماند. پیکار پامیر در دوران شباب، در عصمه عدالتخواهی و اسارت ستیزی، بگونه جدی تر و خسته گی نا پذیرتر با قلم و قدم وارد میدان پیکار و مبارزه شد. او در آن سالها، با اکثر نشرات داخل کشور مانند روزنامه پروان، روزنامه بدخشان، مجله میرمن، هفته نامه پامیر، روزنامه های اصلاح و انسیس، مجله ژوندون و ... همکاری قلمی خویش را ادامه داد تا آنکه ازنگون بختی ایام، وضع کشور از بدتر شده و کودتای ثور با دستان اهرهمنی و استگاه روس به ثمر نشست.

پیکارپامیر در حالیکه کارمند رسمی وزارت امور خارجه افغانستان بود، بعنوان اعتراض در برابر اشغال میهنش توسط قشون روس، ترک وظیفه کرده و در پهلوی مردم مبارزش درجهت آزادیخواهی، داخل صف مبارزه قلمی شد. او در این ایام با نوشتن صد ها مقاله و سروden صد ها قطعه شعر، خواست حق مادر وطن را که حصول آزادی سیاسی بود، ادا نماید. او در غربت نیز، مقالات و اشعارش را در نشریه های چاپی مانند مجله خوشه در آلمان، ماهنامه مسافر در آسترالیا، کیوان، افغانستان آزاد و مجله

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

آینه افغانستان در امریکا، هفته فام، فروغ، افغان رساله و هفته نامه های شهروند و ایرانیان در تورنتو به دست نشر سپرده است. همچنان پیکارپامیر با تارنماهای اینترنتی افغان- جرمن آنلاین، گفتمان دموکراسی افغانستان، فردا، رنگین، افق و نیز رادیوگذرگاه و چند شبکه تلویزیونی افغانها مانند تلویزیون اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو، تلویزیون نوید، شهرآشنا و افغان تایم همکاری دائمی داشته است.

اینک سروده دیگری از پیکارپامیر چنین است :

ترگشته بخونابه ، نگر پیرهن من

زین بیش مگو قصه درد وطن من

هر لحظه مرا شورسخن باشد و فریاد

با مادر آزرده خاک کهن من

اینجا همه جا دره و دشت و دمنی هست

هرگز نبود لیک، چو دشت و دمن من

زین رنگ فربیای چمن سخت ملولم

کاین نیست همان نگهت و رنگ چمن من

گربسط دهم قصه رنجوری و هجران

ترسم که شوی خسته ز طرز سخن من

(پیکار) خروشندۀ این ملت مغorer

افسرده کند دشمن خاک و وطن من .

آری ! چنین است پیکار پامیر ما که سرش سبز و عمرش دراز بادا!

سخنرانی دکتر محمد حسین (دانشور)

مارا اگر به جام سفالین دهید می خاکش ز کاسه سر دانا بیا ورید

حضورگرامی! جای بسیار خوشی و افتخار است که امروز دوستان عزیز خود را در این محفل می بینم. محفل امروزی را که جناب (لبیب) مسؤول کانون فرهنگی باخته برگزار نموده، خلیل مبارک و قابل قدر است. من با جناب (لبیب) از سالها بدین سو شناخت مقابله دارم.

هر چند صحبت در برابر شما دوستان علمی و فرهنگی دشوار است، باز هم میخواهم عرض کنم که تقدیر از کارکرد های حاجی صاحب پیکارپامیر، بسیار بجاست؛ زیرا وی یک شخصیت ملی و شاعر خلیل خوب و با درد کشور ماست و نظریات موصوف فوق العاده مثبت و میهن دوستانه میباشد. من اشعار آقای پامیر را خوانده و حقیقت را بگویم که حتا بسیار مواقع در جریان خواندن اشک هم ریخته ام.

طوری که دیده میشود امروز هوای خزانی و گوارایی داریم. از این معلوم میشود که حاجی صاحب پیکارپامیر شخصیت نیکو، مبارک و نیکنام جامعه

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

ما میباشد. این محفل در حالی دایر شده که فصل خزان را داریم و چقدر خوب میشود که پیکارپامیر اشعاری در این باره بسراید. چقدر خوب است که انسانها در زنده گی شان مصدرکارهایی شود تا پس از مرگش شان به نیکویی یاد گردند و حاجی صاحب پیکار پامیر از جمله چنین شخصیت هاست.

مارا اگربه جام سفالین دهید می خاکش زکاسه سر دانا بیاوردی  
حاجی صاحب پیکار و امثال شان کسانی هستند که تخم سخن را می پرآگند  
و در این راه مصدرخدمت میشوند. ایشان همچنان نویسنده و مؤرخ هم  
هست. کار تاریخ نویسی، کارآسانی نیست. یک مؤرخ باید تعداد زیادی  
از آثار و کتاب را دقیقاً بخواند و بعداً مسایل تاریخی را بنویسد، مخصوصاً  
وقتی تاریخ مستند و مؤثث باشد، ارزش خاص خودش را میداشته باشد و ما  
طمئن هستیم که جناب پیکارپامیر همیشه تاریخ نویسی اش را روی اسناد و  
شواهد استوار نگهداشت و نگههدارد.

من از "هنديه" دختراعلیحضرت امان الله خان شنیدم که گفت : "پدرم در لحظات نزع خواهش کرد که آواز استاد قاسم را برایش بشنوانند و همینکه صدای استاد خاموش شد، پدرم آهی کشید و کابل گفت و جان داد." این همان نکات مستندی است که تاریخ نویسان ما باید آنرا درج تاریخ کنند.  
ما، در جامعه یی زنده گی میکنیم که در آن زور گویی، ظلم و بیعدالتی حاکم است. پس ما باید برای نا بودی این همه نا روایی ها مبارزه کنیم.

بیشتر از این وقت شما را ضایع نمیکنم و برای پیکارپامیر یکبار دیگر موفقیت های مزید آرزو مینمایم.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

به روز شنبه هشتم ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱ میلادی، همایش شکوهمندی بخاطر ارجگزاری از کارکردهای ادبی - فرهنگی و امور تاریخی کریم پیکارپامیر، از طرف "کانون فرهنگی باختر" در بزرگشهر تورنتوی کانادا برگزار گردید.

این همایش بزرگ که در آن تعداد غیری از نویسنده‌گان، شاعران، ژورنالیستان و اهل مطبوعات افغانی و ایرانی اشتراک ورزیده بودند، به ساعت هفت شام شنبه در سالون فرهنگی اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو صورت پذیرفت.

متعاقب تشریف آوری مهمانان، محترم سعیده لبیب و رامین بهارابی که گرداننده‌گان همایش بودند، از محترم فرهاد لبیب رئیس کانون فرهنگی باختر تقاضا به عمل آوردند تا با سخنان مؤجزخویش، محفل را بیآغازد. ایشان در حالیکه حضور مهمانان را خیر مقدم گفت و از ذوات فرنگدوست و رسانه‌های افغانی و ایرانی که از همکاریهای صمیمانه و نشر اطلاعیه‌های کانون مذکور پیرامون این همایش دریغ نکرده بودند، ابراز سپاس نمود و سپس خطاب به حضار چنین گفت: "در این شب و روزیکه از یکطرف اوضاع مملکت عزیز ما شدیداً آشفته است و از سوی دیگر، تعداد زیادی از هم میهنان ما در برابر تعدی‌ها و تجاوز‌های اجنبی بالای خاک و نوامیس ملی ما زبان فرو بسته اند، شخصیت‌هایی که درجهت افشا دشمنان میهند، آگاهی دهی برای هم وطنان و بخاطر رهایی سرزمین آبایی ما از اسارت جهل و جنون و اشغالگری اجانب قلم و قدم میزنند، سخت قابل

## محفل ارجمندی از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

ستایش هستند که کریم پیکار پامیر یکی از این قلم رانان و قدم زنان است..."



خانم سعیده (لیب) و رامین (بهارابی) گرداننده گان همایش

متعاقباً دکترا جرالدین حشمت محقق و مؤلف کتاب "از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان"، عقب مایکروفون قرار گرفته از سخت کوشی ها و آثار متعدد تاریخی پیکارپامیر بگونه بزرگوارانه بی ستایش بعمل آورد. داکتر حسین دانشور رئیس اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو نیز ضمن بیان سجایای اخلاقی و ارزش آثار شعری و فرهنگی پیکارپامیر اظهار داشت که

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

"از سی سال بدبینسو، افتخارشناخت نزدک با وی را دراد و همیشه شاهد کرد کردهای قلمی و اجتماعی او بوده است."

در لابه لای سخنرانی ها و دکلمه اشعار ووجیزه ها، شرح زنده گی پیکارپامیر که قبلًا توسط کانون فرهنگی با ختر بگونه صوتی مرتب گردیده بود، برای حضارشنوانده شد و در عین حال، برخی از پیام های رسیده از قاره های مختلف جهان که از سوی شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشگاهی به همین مناسبت عنوانی کانون فرهنگی با ختر موافصلت نموده بودند، بخوانش گرفته شد.

آقای محمد اکبر پروانی نویسنده و فعال سیاسی و اجتماعی که جلد دوم کتاب "نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" تألیف پیکارپامیر را مرور نموده بود، بصورت نسبتاً مفصل در مورد اثر مذکور صحبت نموده روی نقاط برجسته، مؤثرو متأثر آن مکث نموده گفت: "خوانش این اثر، خواننده را به عمق فجایع، دخالتها و خیانت های همسایه های افغانستان متوجه ساخته و حقایق زیادی بصورت مستند و مصور در صفحات آن، مورد بررسی قرار داده شده است."

بانو حنیفه فریور، شخصیت فرهنگی، فعالی اجتماعی و مسؤول ماهنامه "پیام روز" ضمن صحبت مشرح، خطاب به حاضرین گفت: "مقالات، تبصره های سیاسی و سایر آثار قلمی پیکارپامیر را در اکثر نشریه های چاپی و اینترنتی می خواند و می بیند که وی در تحت هر نوع شرایط اجتماعی و سیاسی، هرگز احساس خسته گی نکرده با روحیه بلند و امید به آینده به فعالیتهای قلمی و سیاسی خویش ادامه میدهد."

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

بانو فریور علاوه نمود که " تا جاییکه خود شاهد بوده است، پیکارپامیر فریفته و دلبسته هیچنوع زرق و برق دنیایی نشده با متنات و استواری به پیش می تازد. "

آقای علیشاه احمدی عباب، شاعر بادرد میهن مان، ضمن ابراز خوشی و تهنيت گویی به پیکارپامیر، پارچه شعر زیبا و رسای خویش تحت عنوان " تصویر تکرار" را دکلمه نمود که مورد استقبال اعضای محفل قرار گرفت.

در بخش دوم این همایش که پس از تقریح و صرف غذا ادامه یافت، آقای محمود باهر فرمی مبصر، شاعر و نویسنده افغان ضمن بیانیه شورانگیز توأم با احساسات نیک، نه تنها اقدام " کانون فرهنگی باختر" در راستای برگزاری همچو همایش ها غرض بزرگداشت از شخصیت های آزاده و وارسته کشور را ستود، بلکه تلاشها و تپیدنها بی وقفه پیکارپامیر در درازنای سالهای طولانی را نیز به نیکویی یاد کرد. وی علاوه نمود که چنین همایش ها باید در آینده ها نیز صورت بگیرد.

آقای وکیل بهارابی گرداننده برنامه رادیویی " رنگین کمان " با ابراز احساس عمیق درقبال همایش ارجگزاری، طی سخنرانی نسبتاً مفصل خویش از خاصیت، پیش آمد، حرارت و جدیت های مثبت پیکار پامیر در امور اجتماعی، ادبی و سیاسی نه تنها بمثابة همکار دائمی رادیو رنگین کمان، بلکه بعنوان شخصیت چند بعدی یاد آوری نموده علاوه نمود که وقتی کار و تلاش و امید واریهای پیکارپامیر را مینگرد، انرژی دو باره بدست می آورد و بکارها دلگرم ترمیشود.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

آقای عنایت شریف نویسنده، نطاق و مفسر سیاسی شناخته شده، دریک صحبت مؤجز و شمرده شده گفت: "اگرچه تا قبل از این، هچگاه از کارکردهای پیوسته و بی وقفه پیکار پامیر بگونه حضوری ستایش بعمل نیاورده است، ولی حال باصراحت و صمیمیت میگوید که او (پیکارپامیر) نه تنها همیشه بسیار مؤدب و مؤقر است، بلکه قلم و بیان رسا و آتشین نیز دارد و نوشته هایش در همه جا جلب نظر میکند که مایه خورسندي است.

خانم انیس زیرک فعال اجتماعی، یکی از سروده های پیکار پامیر تحت عنوان "قصه خوان" را به دکلمه گرفت.

کریم پیکارپامیر در پایان محفل، عقب مایکروفون قرار گرفته ضمن قدردانی از دست اندکاران کانون فرهنگی باخته، ذوات سخنران و صاحبان پیام ها و همکاران و همدان عزیز دیگر، خطاب به حضار گفت: "خودش را سزاوار آنهمه اوصافی نمی بیند که هموطنان گرامی در حق او ابراز فرمودند، زیرا وی هنوز کارهایی را که مادر میهن انتظار دارد، انجام داده نتوانسته است... ولی، علی رغم همه گونه تضییقات و تخریباتی که از سوی برخی عناصر (مغرض و یا ناآگاه) علیه وی صورت گرفته و یا میگیرد، در پیشگاه مادر وطن قبل تعهد سپرده و بار دیگر تعهد می سپارد که تا آخرین رمق هستی علیه ظلمت، اسارت، بیعدالتی و وطنفروشی بنویسد و بزرگمد.

دست از طلب ندارم تا کام من برآید  
یا جان رسد به جانان یا جان زتن برآید.

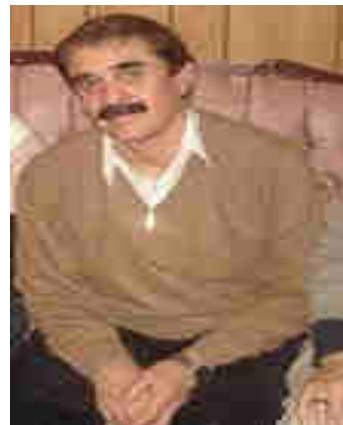
## محفل ارجکاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

در ختم محفل، آقای فرهاد لبیب مسؤول کانون فرهنگی باختر، پورتریت پیکارپامیر را که با انگشتان هنرآفرین ابوبکرایوبی، یکی از نقاشان چیره دست کشور نقش گردیده و از قاره اروپا بمناسبت همین همایش فرستاده شده بود، برای آقای پیکارپامیر تفویض نمود که با ابراز تشکر پذیرفته شد.



ترجمه سخنرانی سلطان جان (کلیوال) از زبان پشتو به زبان فارسی :

## اگرما صد نفر چون (پیکارپامیر) میداشتیم



حضراتگرامی، خواهران و برادران عزیز !

محفلی که امروز برگزارگردیده به نظر من خیلی ها به موقع، خیلی بمورد و بسیار نیکوست. من برای محترم (لبیب) صاحب مسؤول کانون فرهنگی باختر و رفقایش به این مناسبت مبارکباد میگویم و برایشان موفقیت های بیشتر آرزو میکنم.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

متأسفانه معمول چنان بوده که وقتی یکنفر می‌میرد، آنگاه برایش دعا و گریه می‌کنیم؛ ولی چقدر بجا خواهد بد که از شخصیت‌های مان در زنده گی شان قدردانی بعمل آوریم. من، آقای پیکارپامیر را از مدت‌ها به اینسو می‌شناسم، با او طی گردهمایی‌ها، نشست‌ها و مناسبت‌های مختلف دیدار داشته واز نظر، علمیت و فهم موصوف استفاده‌ها کرده‌ام.

من با صراحة می‌گویم که اگر چنین درختان استوار و چنین گلهای زیبا و عاشقان می‌هن مانند پیکار پامیر را به تعداد صد نفر میداشتم، به شما با اطمینان گفته می‌توانم که نه درد و نه رنجی در وطن وجود میداشت. پیکارپامیر که نظرات و اعتقادات خویش را در هر کجا ابراز میدارد، نه با خاطر آن است که خودش را متبارز نشان دهد، بلکه با خاطر اینست که فاصله میان من و تو را از بین برد، من و تو را با هم نزدیکتر سازد و سعادت نصیب ما شود. دروغگویی‌ها و عدم صداقت است که فاصله‌ها میان ما را بیشتر و بیشتر می‌سازد، ولی اگر راستی و صداقت در شعار و عمل ما برجسته باشد، فاصله‌ها از میان می‌روند. پس بباید نزدیک و صمیمی شویم.

کانون فرهنگی باخترا محفل دیگری نیز به منظور ارجگزاری از کارکرد های استاد من (دکترا جرالدین حشمت) در شهر تورنتو برگزار کرده بود که متأسفانه من در آن حاضر نبودم. شاید نام من از قلم افتاده بود و یا هر دلیل دیگری که بوده. داکتر صاحب حشمت نه تنها استاد من است، بلکه مانند پیکار پامیر عزیز دارای شخصیت متعالی می‌باشد.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

بیشتر از این وقت شما عزیزان را نمی‌گیرم و یکبار دیگر از جناب لبیب و کانون فرهنگی با ختر تشکر می‌کنم که چنین محفل شکوهمند را دایر فرمودند.

سخنرانی آقای محمد اکبر (پروانی)



## خواستگاه اثر " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " در کجاست؟

امروزما، در محفلی حضور بهم رسانیده و دعوت شده ایم که ضمن آن، میخواهیم اثری را به کاوش و بررسی بگیریم که در واقع، اثربخش منحصر به فرد؛ زیرا استقبال کم نظیر مردم ما طی سالهای اخیر از جلد اول " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " در کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران، هند، اروپا و امریکا و نیز، عکس العمل خشن و سانسور ضد

فرهنگی سازمان های استخباراتی، گروپهای وابسته و مزدور و تبلیغات زهرآگین آنها دربرابر کتاب و نویسنده آن و بخصوص، جلوگیری و ممانعت از تکثیر و چاپ بعدی آن، خود، بیانگرمدعای ماست.

اینک جلد دوم اثر مذکور که درنتیجه زحمات و تلاش‌های خستگی ناپذیر دانشمند گرامی و شاعر رسالتمند (محترم پیکارپامیر) را دراختیارداریم، اما قبل از آنکه این اثر را به بحث و بررسی بگیریم، باید خواستگاه این اثر ماندگار را که چنین جایگاهی برای خود و نویسنده اش کمایی کرده است، بررسی نماییم :

دانشمند گرامی آقای پیکارپامیر تا جاییکه من می شناسم و بخاطردارم، نویسنده بی است رسالتمند، شاعریست با درد و مؤرخی است بی باک که آثار و کتب معدد وی، بیانگراین مدعای میباشد.

آقای پیکارپامیر هیچگاهی دربرابر استبداد و وطنفروشان رنگارنگ، سرخ نکرده ، زانو نزده و قلمش را به معامله نگذاشته و هیچگاهی این "در " گرانبها را "درپای خوکان" روزگار نریخته است؛ بلکه او را همیشه درد و رنج وطن و وطندارش آرام نگذاشته به فغانش درآورده و فریادش را تا آسمانها رسانیده است. وی بجای آنکه تضرع کند، باسلح قلم و دانش به جنگ اهرمن رفته و میرود، خسته گی نمی شناسد و از هرامکانی بخاطر اهداف انسانی و وطنی اش استفاده میکند، اما هیچگاه مانند مدعیان کاذب مبارزه و فرهنگیان این الوقت، به نرخ روز نه مینویسد تا یک جانی و قاتل را رد کند و جانی و قاتل دیگری را ستایش نماید و یا شیادی را هجو

کند و اهرمنی را توصیف. اگر طفلى در سر زمین برباد شده ما ستم کشیده و از فرط گرسنه گی و فقر گریه میکند، نویسنده ما در این طرف دنیا در دش را احساس میکند، اگر ستمگری دست و پای جوان مظلومی را قطع میکند، رنج و غم ش را وی بازتاب میدهد، اگر مادری در مرگ فرزند شهیدش جیغ میکشد، آرامش او را از میان می برد و اگر وطنفروشی، وطن را به معامله میگذارد، وی خاموش نمی ماند، بلکه با سرایش پارچه شعر، با نگارش مقاله و مضمون و با ترجمه مطالب مهمی از منابع خارجی، عکس العمل خود را به نمایش میگذارد.

این است خواستگاه این اثر ماندگار (نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان) که نویسنده رسالتمند ما میخواهد از آن طریق، عوامل اساسی رنجها، مصیبتها، دردها، وطنفروشی ها، ناروایی ها و جفا ها در حق ملت مظلوم افغانستان را به بحث و بررسی بگیرد. گرچه من بخود اجازه نمیدهم و صلاحیت آنرا هم در خود نمی بینم که این اثر را به نقد و بحث بگیرم و نیز بررسی، قضاؤت و نقد روی این اثر در چنین وقت کوتاه و چنین محفل خاص، کاریست مشکل، اما با آنهم بخاطر تجلیل از نویسنده دانشمند گرامی (آقای پیکارپامیر) و اثر ماندگارش، کاریست بجا و در خور ستایش همه که نکات برازنده آنرا میتوان چنین نشانی کرد :

"کتاب" نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان"، قسمی که قبلًا نیز گفته ام، اثری است منحصر به فرد و این، بدان معنا نیست که در این زمینه، تنها همین یک اثرنوشته شده است و بس؛ بلکه ده ها کتاب در ارتباط با جنایات "جهادیها و طالبی ها" و نقش کشورهای بیگانه وبخصوص پاکستان

در قضایای افغانستان به نشر رسیده است؛ اما تنها در این اثر است که ما شاهدیم؛ نویسنده هیچگاهی نخواسته افکار، نظریات و اعتقادات خود را بالای خواننده تحمیل کند؛ بلکه بر عکس، در این اثر، اسناد سخن می‌گویند؛ آنهم نه از زبان مخالفین؛ بلکه از زبان خود عاملین جنایتها و حامیان داخلی و خارجی آنها به طور نمونه، میتوانیم این نکته‌ها را از متن کتاب برجسته

سازیم:

در صفحه (۸۴) جلد اول اثربخشی میخوانیم: " در ماه جولای ۱۹۹۰م، صبغت الله مجددی رئیس دولت مؤقت مجاهدین (ساخت راولپنڈی)، ضمن مصاحبه به جریده "مجاهد" چنین گفت : " مشکلات اینست که اکثر امور مجاهدین بدست پاکستانی هاست و همه مساعدتها از طریق پاکستانیها صورت میگیرد... من بحیث رئیس دولت مؤقت مجاهدین، صلاحیت ندارم که یک میل کلاشنکوف و پنجاه روپیه را به یک قوماندان مساعدت نمایم... تا زمانیکه پاکستانیها فیصله نکنند، وزارت دفاع حکومت مؤقت کاری انجام داده نمیتواند..."

با خوانش این مصاحبه، شما خود در مورد سایر رهبران، امیران و سرکرده گان جهادی - طالبی قضاوت کرده میتوانید. این، البته نظر نویسنده کتاب نیست و اگر کسی بگوید "علیه رهبران جهادی" سخن گفته شده و یا آنها را نوکر و مزدور اجنبي دانسته است. این، واضحًا اظهارات یکی از همین رهبران جهادی است که میتوان ده ها کتاب روی آن نوشت و به قول " تاکور " بزرگ : " در عقب نام های بزرگ، چه انسانهای کوچکی قرار دارند. " اما بحث اصلی، روی جلد دوم اثر " نقش پاکستان در تراژیدی

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

خونین افغانستان " است که درباره ایجاد، سازماندهی و به قدرت رسا نیدن دهاره های طالبی متمرکز گردیده است. ببینیم اسناد چه میگویند و دوستان و حامیان و سازنده گان آنها چه بیاناتی بعمل آورده اند ؟

"بل کلنتن" ریس جمهور وقت امریکا: "طالبان یک گروه معتدل هستند، ما آنرا اصولی و بنیاد گرا نمی پنداریم . "

سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا : " ما، چیز قابل اعتراضی را نمی بینیم، طالبان یرای تحمیل نظام اسلامی در مناطق تحت کنترول شان اقدام کرده اند. ..."

"رابین رافل" معاون وزارت امور خارجه امریکا: " نزد طالبان اهداف اسلامی، جهانی نیست ..."

ریس کمپنی یونوکال : " ظهور طالبان یک انکشاف مثبت است . " " وال ستريت ژورنال " : " منافع رسمی امریکا در افغانستان اینست که آن کشور را به گذرگاه صدور نفت و گاز و سایر منابع طبیعی آسیای مرکزی تبدیل نماید و در این لحظه از تاریخ افغانستان، طالبان لائق ترین نیرو جهت تأمین صلح در کشور به شمار میروند..."

نماینده سی.ای.ای: " پیروزی طالبان بهتر از جنگ داخلی است... اکنون ما قادریم که لوله نفت و گاز را از طریق افغانستان به بازارهای جهانی برسانیم. باید همگی احساس آرامش کنند. "

"بینظیر بوتو" صدراعظم وقت پاکستان : " طالبان هرچه زودتر تمام افغانستان را اشغال خواهند کرد؛ چونکه آنان لشکر اسکندر کبیر میباشند. " " محمد معصوم افغانی " سفير گروه طالبان در پاکستان : " کسی که دشمن

پاکستان است، دوست ما نیست. در پالیسی طالبان، حفظ منافع پاکستان از حق اولیت برخوردار است..."

"مولانا فضل الرحمن" رهبر جمعیت العلمای پاکستان: "اشغال کابل توسط طالبان، فتح و پیروزی پاکستان است ..."

برهان الدین ربانی : "طالبان فرشته های صلح اند.

این بود نمونه های کوچکی از اظهارات حامیان و سازنده گان گروه طالبان که درج کتاب " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " شده و باذکر آن ، ما خواستگاه و هدف اصلی به میان آمدن گروه طالبان را می می شناسیم. جالب ترین بخش کتاب را اعلامیه های طالبان از طریق رادیوی " شریعت ژغ " ، مصاحبه های سر باند های طالبی و بخصوص فرامین متعدد ملا - ۶۵-۶۳-۵۹-۵۷-۵۰ عمر رهبر این گروه تشکیل میدهد که در صفحات ( ۹۸-۹۰-۸۶-۷۳ ) به نشر رسیده اند.

وقتی انسان اسناد مذکوره را مطالعه میکند، هرگز باورش نمیشود که در این عصر و زمان، آدمهایی با چنین افکار قرون وسطایی و غیر انسانی وجود داشته باشند. بلی ! این اسناد، خود سخن میگویند و با کمترین تعمق میتوان به ماهیت ضد انسانی، ضد فرهنگی، ضد زن و ضد وطنی آنها پی برد و اندیشه سیاه و چهره کریه این اهرمنان اخیر قرن بیستم را شناخت . در صفحه ( ۱۴۶ )، عکس زن بینوایی را میبینیم که طالبان، دستش را قطع کرده اند. در صفحه دیگر، عکس یک جوان مظلوم را می بینیم که دجالان طالبی آن بیچاره را بعد از شکنجه های غیر انسانی، از پا آویزان کرده اند. در صفحه ( ۶۰ ) ، جوان دیگری را مشاهده میکنیم که یک دست و یک پايش

توسط طالبان قطع گردیده و یا طالبی را می بینیم که بخاطر تطبیق "امر بالمعروف و نهى عن المنكر"، دست قطع شده یک هموطن را در حالیکه از آن خون می چکد، در "غازی ستديوم" غرض تتبه دیگران بلند کرده نشان میدهد و یا در صفحه (۱۴۱)، طالب بچه یی را تماشا میکنید که با غیرت دیو بندی اش، با کلاشنکوف برسر یک زن مظلوم، شاهد هم مادر چند فرزند شلیک میکند و یا عکسهايی از قتل عام های طالبان در شمالی، مزار، میمنه، بامیان و غیره جا ها را که بیانگر واقعیت های غیرقابل انکاراند، مشاهده میکنیم. از همه درد آورتر، قصه ها و گفته نهای هموطنان مظلوم و بینوای ماست که هرچه بیشتر ماهیت طالبان را بر ملا میسازد. شما میتوانید منحیث مشت نمونه خروار، صحبت های مظلومانی چون نظام الدین از سرچشم، نازو از چهاریکار، بابه صاحب گل از بابه قشقار، فقیر از استالف، فیروزه از کلکان، ریزه گل از قره باغ را در صفحات متعدد کتاب بخوانید که واقعاً مو را بر بدن انسان راست میکند. در اینجا همان گفته فردوسی بزرگ که روزی در وصف طالبان عصر خودش گفته بود، چقدر با ماهیت طالبان عصر ما همخوانی دارد:

ازین مارخواراهريمن چهره گان      زدانایی و شرم بی بهره گان .

این بود نمونه هایی از جنایات طالبان که مستند در این اثر گرانبهای نشر گردیده و قضاوت بدست خواننده سپرده شده است.

چیز دیگری که در این اثر، جالب توجه است اینست که همین تبعیض قومی، استخوان شکنی ملی و تقابل ملیتها در برابر هم به نام های تاجیک، پشتون،

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

اوزیک و هزاره و غیره دامن زدن آتش نقاق، کدورت و بد بینی تا سرحد  
محو فزیکی و تصفیه های قومی در افغانستان که حتی دامن بسیاری از  
روشنفکران و "چیزفهمان" ما را در خارج کشور هم آلوده ساخته است. به  
استناد اسناد مندرج در این اثر، همه، ساخته و پرداخته بیرون کشور، عمدتاً  
از پاکستان در طول سالیان متتمدی به افغانستان صادر شده است.

نگارنده کتاب با توضیح صحبت های پرویز مشرف و گوهر ایوب خان که  
گفته بودند "تاجیکهای افغانستان دشمنان اصلی ما میباشند"، علاوه میکند  
که "نخستین مفهوم سیاسی این اظهارات عبارت از اینست که دولتمردان  
پاکستان باهم سویی دروغین و غدارانه با پشتونهای افغانستان و دشمنی با  
سایر ملیتهای این سرزمین، بویژه تا جیکان و هزاره ها، عمدتاً در تقابل  
فکری، زبانی و نژادی میان اقوام باهم برادر افغانستان ایجاد نمایند تا باشد  
این تقابل به تأمین اهداف سیاسی آنها منجر گردد."

شما باز هم میتوانید با مراجعه به صفحات دیگر این کتاب و گفته های سایر  
مقامات پاکستانی و طالبی، یقین حاصل نمایید که ریشه این تومور خبیثه  
تفرقه قومی، در خارج از کشور آبیاری میشود و توسط عُمال بومی آنها در  
به ثمر میرسد.

با ذکر مطالب فوق، در مرور کتاب مورد نظر چنین قضاوت و برداشت  
میشود که این اثر؛ بزرگترین سیلی ای است بر روی کسانی که هنوز هم  
اهریمنان طالبی را "نیروی آزادیبخش" و یا "فرشته های صلح" میخوانند  
و هم، عکس العمل نفرت انگیزی است به آن کسانی که هنوز هم آرزو  
میکنند که "طالبان سربازان او باشند". یعنی اگر دیروز، اینهمه جفا ها را

تحت حمایه قوای ملیشه های پاکستانی بحق این ملت روا داشتند، امروز تحت حمایت قوای ائتلاف بین المللی، بیشتر از آن به جنایات شان می افزایند.

در اخیر، دو نکته دیگر پیرامون کتاب مرود نظر ما قابل بحث و مکث است که آرزو میروند نویسنده گرامی در جلد سوم، بصورت مستند به آن بپردازد :  
اول) همان طورکه افکار و ایدئولوژیها، رهنمود دهنده و سازنده عملکرد های افراد و گروه های سیاسی و اجتماعی میباشند، بحث روی افکار طالبانی که سازنده عملکرد غیر انسانی آنهاست و اینکه آبشورایین افکار ضد انسانی در کجاست و چطور این همه اعمال و ناروایی ها را توجیه عقیدتی مینمایند و در برابر هر آهمچه که بوی انسانیت میدهد، دشمنی میکنند، لازمی است .

دوم) پیروزی برق آسای طالبان و عقب نشینی برق آسای نیرو های مخالف و اینکه چطور "شورای ننگرهار" با آنهمه نام و نشان و شهرت اش، یکشبه نا بود میشود؟ چرا حوزه جنوب غرب با آنهمه گز و برخود، با کمترین مقاومت فرار میکند؟ چرا وقتی هنوز تپ تپ پای طالبان در سروبوی شنیده میشود، پهلوان پنهه های "ائتلاف شمال" کابل را رها میکنند و ره دره های پامیر پناه میبرند؟ و چرا هزاران تن از مردم بی دفاع شمالی و کابل را بدست جلادان طالبی می سپارند؟ و همین طور در مزار، بامیان، هرات و غیره جا ها ؟!

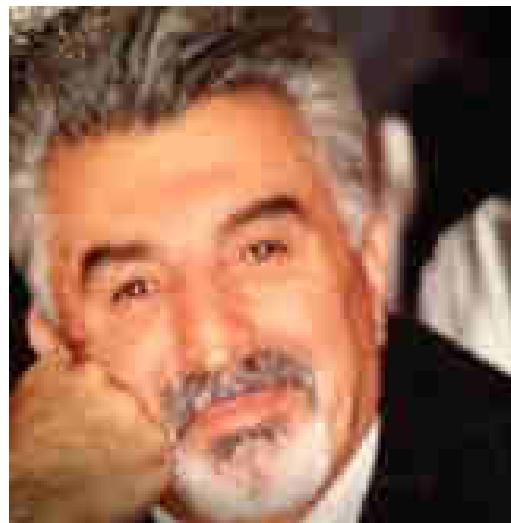
## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

اینها همه قابل بحث اند که امید وارم در جلد سوم، غرض تکمیل شدن بیشتر  
این اثر، به آنها پرداخته آید. در اخیر، باید گفت که قلم دانشمند گرامی آقای  
پیکارپامیر همیشه پُربار باد !

سخنرانی آقای محمود باهر فرملی

## به پاس تلاش‌های یک همنورد



در پیش‌اپیش این برپایی، از کانون فرهنگی باختر سپاس بجا و منت فراوان  
باد که در بزرگداشت جشنواره‌ها و یاد بود های رفته گان و مانده گان ما در  
دل دوران دور از میهن، در این ولایت، همواره سهم شان برازنده بوده و  
این بار، سخن از کار کرد های دوست عزیز و فرهنگی پر تلاشی درمیان  
است که با حضور داشت خودش از ماحصل کاوش و پویش و پیرایش اش  
قدرشناسی به عمل می آید.

تکیه بر زنده گان کنید ای قوم      تاج بر فرق مرده گان نزنید

## محفل ارجمند از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

ایکاش میتوانستم همردیف یک مؤرخ صاحب اثر و صاحب نظر، بر تارو  
پود این مجموعه حوادث کشور را بر از نده گیهای این دستمایه، متعهدانه و  
مسولانه حرف و سخنی داشته باشم؛ ولی از جایگاه یک دوست، یک هم  
یار فرهنگی، یک پوینده حلالات بغرنج و غبار سیاسی میهن، بر خود می  
بالم که چشمانم به دست چین کار کردها و دونده گیهای فرهنگی و سیاسی  
محترم پیکار پامیر روشن میگردد.

محمل دار عزیز ! میدانم تو با این کوله بار هزاراندوه و حسرت و با گزند  
گیهای این گزدم غربت، چون صد های دیگر، چه تلخیها و چه زهر کامی  
ها و طعنه ها را برای ایفا چنین نقش آفرینی ها و رسالتها که به جان و  
دل نه خریده بی !

پیمایش این فراز و فرودها، صخره و کوه و کتل، دست اندر کاران این  
عرصه را از پیش فرضهایی است که بر قامت عاشقان آن کهن دژ، سخت  
زیبند خواهد بود. من از کجگاه ها و کمرگاه های این تنگه های حوادث،  
صبورانه و امید وارانه به ظفر مندی تو و یاران صاحبدل دیگر چشم امید  
بسته ام.

حالا که صاحب اثر، از کلبه تار غربت و از شام در دلگین میهن، از عرق ناز  
کف دست، بجای غnodن و آرمیدن، اینک در رستاخیز فرزندان صدیق  
کشور " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " را می آفریند تا در  
برهه های تلخ تاریخ کشور، دشمنان دیرینه میهن را نشانه گیرد، ستودنی  
است.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

سیر جبری تاریخ نیز در دامان ننگین خاینان، وطنفروشان، جانیان و مُهره های اجنبی در درون دستگاه قدرتهای دولتی، این لکه های خونین و شرم آگین را به خطوط جلی به نمایش گذاشته است. به رسالتمندانی چون شما آفرین که شجاعانه و بی باکانه پنجه بر گلوی (آی.اس.آی) شیاد می فشارید. این اثرگذاریها و نقش آفرینیها را برای نباد فردا های سبز وطن توشه راه آینده گان شمرده و زبان سرخ را در سر باختن به دار عشق میهن ثواب می بینم، به روایت راد مردی که فرمود : "اگر زنده گان به مصلحتی خاموش بمانند، مرده گان حقانیت آنرا شهادت میدهند . "

گذری بر سیر بنیادگرایی در منطقه و جهان، نطفه گزاری "القاعده" و "طالبان" و دریک سخن، تسلیح و تجهیز تروریستان حرفه ای با روکش عقیدت و ایمان و مذهب، ریشه های عمیقی در برنامه ها و موقعیت های جیوپولیتیکی، استراتژیکی و اکونومیکی افغانستان داشته که سود خوران امپریالیسم، صهیونیسم و کمویسم، بر باد رفته و و هابیسم جدید از سده ها بدین سو در حوزه جغرافیایی ما بیداد میکنند که این خود، لایه دیگری از

تاریخ کشور است که بایست بی محابا از خزینه های فکری و جسارت علنی اصحاب پژوهش به خورد ملت و مردم داده شود.

پرده براندازی از چهره مسخ شده و چند پهلوی نظامیگران اسلام آباد، این مشاطه بزم جهانخوران که در این اثربنایان شده، گام های مؤثری اند که به یقین دنباله خواهد داشت. برهمن و تیره، جامه سوزی عبا و قبای آل سعود و عربیانی جباریت مطلقه پیامبران کاذب تهران نشینان از زخم های

چرگین دیگریست که درقبال قضایای پیچیده کشور، فصلی از ناگفته ها را میسازد که تاریخ نگاران ارجمند ما، این برگه ها را به انتظار ملت با شهامت ما خواهند گشود.

این اثر ارزشمند، راهکار و رهنمود خوبی است برای نقب زدن به چاله ها و سیه کاریهای عمال و اوباشان منطقه و جهان، منجمله دولتمداران افغانی شان و آغازیست برای شناسایی بخش خفته‌ها ناگفته تاریخ توطئه در حوزه ما و جهان. به تعریف دیگر، شعر، این آبگینه واژه ها، این تلاطم خودجوش شاعر، این تراوش روح عصیانگر و پُر پهناش شاعر که یک حادثه تاریخی را به دوش میکشد و همه یکسره در زبان رُخ میدهد، امتیاز دیگریست از الطاف ایزدی که به محترم (پیکارپامیر) ساحة جولان بیشتر فرهنگی را فراهم کرده است.

در پس منظر این تلاش مردمی و میهنه، سیمای آرام و آراسته به سجایای یک بانوی مهربان، یک مادر ارجمند، دستیار و دولتیار محترم پامیر، همسر مهربان شان جلوه خاصی به این دستاورده میبخشد.

صاحب اثر را چون قله های شامخ پامیر و بابا و صخره های مقاوم و پُر صلابت هندوکش، در حراست از مرز های فرهنگی در قطار دیگرپاسداران و همنوردان ایستاده قامت آرزومندم. تشهه کامم ! مگر ازان بلورینه های فردا های سبز سبز وطن بر ساغر تکیده و جام و مینای شکسته ما هم، شهد و شکر نابی به گوارایی دوشاب کهダメن زمین در آن گل جوشی باده ها؛ جرعه ای به کام گردد تا مگر بانگ می گسارانش در

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

میخانه های زمان، خواب رخوت و کسالت از چشمان تن آسایان و بیماران  
سیاسی بربايد.

درفش چنین پرپایی ها و ارجگذاریها با همه گشاده دلی ها و دیگر پذیری  
ها را در امتداد زمانه ها بر سطیغ پُر صلات فرهنگی در اهتزار میخواهم.  
تا باد چنین بادا !!

سخنرانی بانو حنیفه (فریور)

## تحلیلهای موشگافانه پیکار پامیر قابل تقدیر است



امشب، شاهد ارجگزاری از کارکردهای یک تن از فعالین سرشناش جامعه ما در عرصه های ادب، فرهنگ و سیاست هستیم. دو دهه واندی بود که وقتی راهی کشورهای دورترشیدیم و تعدادی از فامیلها وارد کانادا شدند، ماهم به این کشور آمدیم. هنوز فشون روس در کشور ما بیداد میکرد و دل و جان زن و مرد ما داغدار بود. در آن سالها سؤال اساسی این بود که چه باشد

کرد و چه راهی را غرض برون رفت از معضله های کشورمان در پیش گیریم؟ هر چند این سؤال ها متأسفانه پاسخ روشنی نیافتد و هنوز هم که هنوز است جوابی در خور قناعت سراغ نمیشود، امامیخواهم علاوه کنم که در جریان فعالیتها و کارکرد های سیاسی و فرهنگی هموطنان عزیزما در این کشور، با شخصی در قطار سایر هم میهنان خردمند و با تعهد و با مسؤولیت بنام (پیکارپامیر) معرفت حاصل کردم که ارآن روزگار تا حال با ایشان آشنایی و شناخت و همکاری صمیمانه دارم.

شکی نیست که جناب پیکارپامیر شخص با مسؤولیت و قاطع و مصمم است و در این مسؤولیت و قاطعیت شان، طی سالهای دراز، نه تنها هیچ گونه خللی وارد نشده، بلکه مصمم تر، قاطع تر و پُرانرژی تراز پیش هم شده اند. طی سالهای طولانی، با اعتراض در مقابل کشتار و تجاوز و اعتراض در برابر نا ملایمات کشور، سهم گیری در تظاهرات، مباحثات بین الافغانی، نگارش مطالب و مقالات متعدد ادبی و سیاسی، تبصره های رادیویی، تلویزیونی و نوشتاری و اشکال مختلف مبارزه، سهم جدی و خسته گی نا پذیری داشته است.

میخواهم این نکته را نیز به روشنی بیان کنم که پاسخ نیافتن سؤالها و افت و خیز فردی و اجتماعی، تجملات، ظواهر وزرق و برق زنده گی ماشینی در این کشورها، تجاییکه من میدانم و شناخت کامل دارم، باز هم هیچگونه خللی در اراده و تصمیم پیکارپامیر وارد نکرده است و چنانکه دیده شده و میشود، هنوز مصممانه تر و قاطع تر از پیش مشغول کار و پیکار است و

من این برازنده گی را برای خودش و همسرگرامی و فداکارش تبریک عرض میکنم.

همچنان پیکارپامیر در درازنای سالها، با وجود آنکه هموطنان عزیزما روی دلایل مختلف، دلگرمی چندانی به امور فرهنگی نداشته و از فرهنگیمان ما قدردانی نمیکنند، کتابهای زیادی را بسیار سخاوتمندانه نوشته و بچاپ رسانیده و رایگان توزیع نموده است. این کارو عمل ایشان، علاوه از سایر فعالیتهای قلمی و تحلیلی بی بوده که با نشرات مختلف چاپی و صوتی و تصویری داشته اند. بطور مثال باید عرض کنم که دو اثر ایشان بنام " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " که جلد اول آنرا قبلاً مطالعه کرده و جلد دوم را هنوز نخوانده ام، از برجسته گی خاصی برخوردار میباشد. من وقتی جلد اول این اثر را خواندم، خواستم مطلب مفصلی در آن مورد بنویسم، اما متأسفانه نسبت مشکلات کمپیوتری، نتوانستم این کار را به اتمام برسانم و اما یک گوشه بی از تبصره و تحلیل جناب پیکار پامیر را در اینجا یادداشت کرده ام که به شما عزیزان میخوانم: وی، ای تبصره را پس از ارائه یک سند کتبی ضد افغانستان که از منابع پاکستانی بدست آورده است، در صفحه (۱۰۸) جلد اول " نقش پاکستان ..." مینویسد : حکومت پاکستان، آنچه را تا امروز از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی علیه افغانستان انجام داده و آنرا به غمخانه‌ی بی نظیر تاریخ مبدل نموده است، اکتفا نمیکند. از اوضاع چنین برمی‌آید که این رشته سر دراز دارد. "

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

همین تبصره، نظر و تحلیل موشگافانه پیکار پامیر را در قبال سیاستها و برنامه های خرابکارانه پاکستان علیه افغانستان نشان میدهد. شایدما در آن زمان، پیرامون این "رشته دراز" دقت نمیکردیم، ولی هر قدر زمان سپری شد و میشود، به این واقعیت تلخ واقف ترمیشویم که واقعاً این رشته، سرِ دراز داشته است.

یکی دیگر از مزایا و برجسته گیهای کارایشان، ارائه اسناد و شواهد در متن آثارشان است و نکته برجسته تر از آن اینکه جناب پیکارپامیر هر موضوع را در موقعیت به بررسی و تحلیل میگیرد و دشمن ملت افغانستان را به هراس افشا مینماید. مثلًا؛ وقتی امارت قرون وسطایی طالبان از میان میرود، برای هر کسی آسان تر و بی خطرتر است که علیه آن چیزی بگوید و یا بنویسد، مگر پیکارپامیر، در زمان حاکمیت این گروه قلم زد و مبارزه کرد و از طالبان و حامی جدی آن ها (آی.اس.آی) و دیگران نه را سید.

حسن دیگرکار های پیکارپامیر اینست که هیچگونه تنگ نظری و تعصب را نمی شناسد. در حالیکه خیلی ها را دیدیم و یا می بینیم وقتی چیزی میگویند و یا مینویسند، منافع کی گروه و یک جناح خاص را مدنظر میداشته باشند، اما آنچه پیکارپامیر میگوید و مینویسد، در آن یک نوع حرکت، تمایل و گرایش ملی و میهندوستانه نهفته است.

من شخصاً برای پیکارپامیر و خانواده شان موفقیت و طول عمر میخواهم و برای هر کس دیگری هم که در راه رهایی و سعادت انسان تلاشمیکند، آرزوی موافقیت دارم و به عقیده من، خیلی مهم است که ما اول علل مشکلات و مصیت های مان را دریابیم که البته بدون آن، موفقیتی نخواهیم

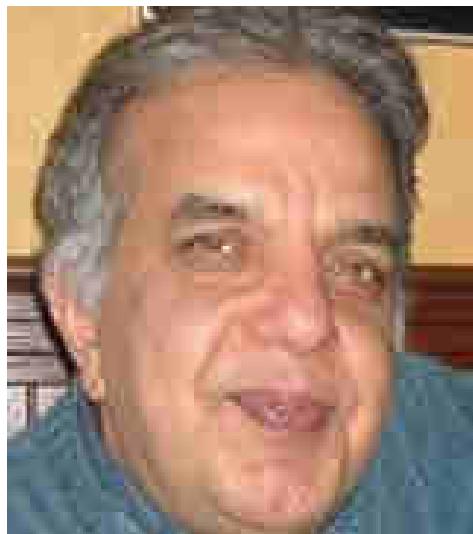
## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

داشت و این چیزی است که جناب پیکارپامیر در صدد ریشه یابی و شناختاندن آن برای هموطنان ما بوده است. بنابرآن، مطالعه آثار ارزشمند

سخنرانی آقای عنايت ( شریف )

## جا دارد از کار کرد های پیکارپامیر ستایش کنم



سلام به شما عزیزان ! از کانون فرهنگی با خترشکرمیکم که علی رغم تراکم موضوعات و با آنکه در لیست اساسی نبودم، به من موقع دادند تا چند کلمه بعرض برسانم:

من بسیار صادقانه باید عرض کنم که به این وسیله فرصت می یابم تا از دوست عزیز و دیرینه خود، نویسنده و شاعر توانا (پیکارپامیر) قدردانی و ستایش کنم. پیکارپامیر از چهره های آشنا و مطرح فرهنگی جامعه

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

افغانی ماست. چنانکه کثرت پیام هایی که از هرگوشه و کنار جهان موافق نموده است، این حقیقت را میرساند که ایشان در همه جا مورد ستایش و احترام هموطنان ما هستند. به نظر من، جا دارد از محترم پیکارپامیر همین اکنون بحضور شان ستایش نمایم.

وقتی پیکارپامیر با شما حرف میزند، با نهایت ملایمت و صمیمیت است و اما، آنگاه که این حرفاها روی کاغذ می آیند و یا شعر و چکامه بی میسراید، آتشین میشود و سنگینی و صلابت گفتارش چند چندان میگردد. این حقیقت، چه در سرود و سرایش شعری و چه در تبعات تاریخی و مقالات سیاسی اش متبارز میشود. گاهی چیزهایی هست که میتوانیم آنرا بصورت خصوصی بگوییم و اما نمیتوانیم بگونه عام اظهار کنیم و بالعکس، ولی در همینجا بحضور شما عزیزان با صراحة میگوییم که من هیچگاه از نزدیک از کارهای پیکارپامیر بصورت فردی ستایش نکرده ام، ولی ارزش این را دارد که همین حالا در چنین جمعی از خودش و کارهای ارزشمندش ستایش بعمل آورم.

امید که در آینده نیز چنین محافل ارجگزاری برگزار شود تا من بتوانم از سایر هموطنان ارزشمند خویش ستایش کنم. بار دیگر از فرصتی که به من داده شد و از حوصله مندی شما عزیزان اظهار تشکر مینمایم.

دکلمه شعری از پیکارپامیر توسط بانو انبیس (زیرک)

## وطن بسوخت



با اظهارشکران و قدردانی از گردانند گان محفل که برای من این فرست را  
مساعد ساختند تا در مقابل شما شاعران و دانشمندان، پارچه شعری را از  
شخصیت والای پیکارپامیر بخوانش گیرم. ضمناً به نماینده گی از "کانون  
دوستداران فرهنگ افغانستان"، از برگزار کننده گان این محفل شکوهمند  
تشکر نموده این محفل ارجگزاری را برای جناب پیکارپامیر و خانواده  
محترم اش تبریک و تهنیت عرض میکنم:

این پارچه شعری را که اینک میخواهم خدمت قرائت نمایم، از مجموعه  
شعری جناب پیکارپامیر بنام "ناله درنی" بر گزیده شده است:

باشد مرا به سینه همی داغ میهمن آنجا وطن در آتش و اینجا نگرتم  
خون جگرزدیده به دامن همی رود هردم چراغ لاله فروزد به دامن  
درداوطن بسوخت ومن زنده ام هنوز زین زنده گی نکوست بیکباره مردنم  
خارم بچشم اهل زمان از صفائی دل چندانکه دوست میشود ای وای دشمنم  
مام وطن به شکوه همیگفت و میگریست چرخ فلک فگنده زگلشتن بگلخنم  
گرآفریده اند مرا بنده بهر غیر من گریه میکنم به چنین آفریدنم  
بهروطن کجاست مدعی که بنگرد در صبح و شام شربت غم آشميدنم  
چون شعله در دیار عزیزم فگنده اند عیبست شاد بودن و ساز مطنهطنم  
جزسوز و جزتپیدن و (پیکار) وجستجو هرگز کسی ندیده دمی آرمیدنم.

## پیام های شاد باش

پیام های متعدد (نیکوداشت) نیز از سوی شخصیت های علمی، سیاسی، فرهنگی و هنری و همچنان از سوی مسوولان رسانه های چاپی، الکترونیکی، صوتی و تصویری جامعه افغانی در خارج از کشور چون جناب پروفیسور حبیب الرحمن هاله از آسترالیا، نصیرمهرین از آلمان، استاد نسیم رهرو از هلند، داکتررسول رحیم از آلمان، داکتر عبدالرحمن زمانی از امریکا، پروفیسور اسدالله حیدری از آسترالیا، داکتر حنан روستانی از آلمان، استاد ضیا (ضیا) مدیر مسؤول هفته نامه "افق" از آسترالیا، اسدالله (الم) مسؤول نشریه الکترونیکی "گفتمان دموکراسی برای افغانستان"، انجمن ادبی، هنری و اجتماعی افغانهای ویکتوریای آسترالیا، محمد شاه فرهود شاعر و نویسنده از هلند و ... بمناسبت تدویر همایش ارجمندی از کارکردهای ادبی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی پیکارپامیر عنوانی "کانون فرهنگی باختر" موافقیت کرده بود که اینک هر کدام از پیام های واصله را با ابراز سپاس و بگونه امانتدارانه در اینجا درج میکنیم :

اسدالله (الم) – آلمان

مسؤول نشریه الکترونیکی " گفتمان دموکراسی برای افغانستان "

## پیکارپامیر ژورنالیست چندین رسانه‌یی



هیأت تحریریه " گفتمان دموکراسی برای افغانستان" ، افتخاردارد که در مراسم بزرگداشت از ژورنالیست چندین رسانه‌یی و نویسنده ارجمند جناب کریم پیکارپامیر در کنار سایر فرهنگیان، قدرشناس شرکت میکند.

در روزگار ما که ابزار های تازه اطلاع رسانی عمرگزارشها و خبرها را به حساب ساعت و دقیقه کوتاه گردانیده است، پیشبرد کار ژورنالیستی بدون

شک کار دشواری است که مجالی برای تنفس و آسایش باقی نمی‌گذارد. این مشکل هنگامی دوچندان میگردد که با اندک تعلل دیدگاه‌های انحصارات رسانه‌ی بزرگ به مدد صنایع فرهنگی به سهولت میتوانند با جا زدن ضد اطلاعات به جای اطلاعات، یا معلومات مؤثث و تأمل برانگیز، افکار عامه را شکل دهند.

در این رستاخیز رسانه‌ی که دیگر آنلاین حتاً جای رادیو و تلویزیون را می‌گیرد، اطلاع رسانی نیز مسؤولیت بیشتر و سطح بالاتر حرفه‌ی را ایجاب میکند.

جناب پیکارپامیر که کار نویسنده‌گی را از رسانه‌های چاپی آغاز کرد، با سرعت این نبض زمانه را لمس نموده و همپای تحولات فنی در ژورنالیسم، جایگاه شایسته‌ای در ژورنالیسم چندین رسانه‌ی کسب کرد. "تاک شو" های تلویزیونی و تبصره‌های رادیویی پیکارپامیر در کنار مطالب جذابی که برای وبسایتها تهیه میکند، گواهانی اند بر مقام شامخ او در نزد همکارانش. "گفتمان دموکراسی برای افغانستان" که در حقیقت زمینه‌ای است برای انتشار افکار ارزشمند نویسنده‌گان افغانستان، آرشیف مبوسطی از گزارشها، تبصره‌ها و تحلیلهای جناب پیکار پامیر را در خدمت خوانندگانش قرار داده است.

تبصره‌های انتقادی پیکار پامیر، گزارش‌های جاندار و ترجمه‌های با ارزش اش از منابع انگلیسی، چنان آگاهانه انتخاب و به موقع در اختیار خواننده گان قرار میگیرند که به سهم خود در فرونشاندن عطش حقیقت جوی خواننده گان کمک به سزاگی مینماید.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

قلم توانان و بدون تکلف پیکار پامیر که با اقتصاد در کلمات، مطلب مهم را برای خواننده گان قابل فهم میگرداند، سرمشقی است برای درک نیاز زمانه و اجتناب از پُرگویی های ملال آور.

هیأت تحریریه گتمان دموکراسی برای افغانستان، در حالیکه بهترین آرزومندی اش را برای سلامت و موقفيتهای هرچه بیشتر همکار ارجمند جناب کریم پیکار پامیر ابراز میدارد، از همکار گرانقدر دیگر جناب آقای فرهاد لبیب و انجمن فرهنگی باختر در کانادا به خاطر این همه خدمات شان برای برگزاری محفل قدردانی از جناب پیکارپامیر ستایش نموده و رسم خجسته ای را که بنیاد گذاشته اند، ماندگار میخواهد.

دکتر عبدالرحمن (زمانی) – ایالات متحده امریکا

۲۰۱۱/۱۰/۳

## د مبارز لیکوال، شاعر او مؤرخ پیکارپامیر د هلوحلو او فعالیتونو د لمانحنی محفل ته لند پیغام



دقلم دخالق په نامه !

درنو او محترمو دوستانو، خویندو او ورونو سلام اوشی چاری !

اجازه راکړی چې تر هرڅه د مخه د باختر د فرهنگی کانون او په خاصه توګه دگران ورور شاغلی لبیب او محترمی خور سعیده جانی لبیب څخه د دغی پرتمینی غوندی د جوریدو او رابللو له امله د زره له کومی منه وکرم او داچی شخصاً په دغه غونده کی د برخی اخیستو څخه قاصره يم،

ملی مبارز شخصیت، گران و رور پیکارپامیر او تاسو ته خپل عذر و براندی کوم.

چون میدانم که درباره ابعاد مختلف شخصیت ارزشمند پیکارپامیر، مطالب بسیاری توسط فرهنگیان، دانشمندان، سیاستمداران و دوستداران وی گفته شده و یا گفته خواهد شد، و به یقین اکثریت شما از این شخصیت ملی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور عزیزمان کم و بیش شناختی داشته و از خدمات بی وقه و ارزنده پژوهشگر مسایل تاریخی و تحلیل های سیاسی اش آگاهی دارید، لذا میخواهم به چند جمله یا نکته مختصراً را جع به شناخت شخصی خودم اکتفا کنم.

شاغلی پیکارپامیر په خپل شخصی ژوند کی دومره ساده، مخلص، ریشتینی او بی آلایشه دی چی هر منطقی انسان احترام ته ارباسی. هفه په داسی حال کی چی یو مؤدبه، صادقه، بی تعصبه، زره ور، او با درکه انسان دی، هو مره هم د هیواد دخپلواکی، تولنیز عدالت، او د خلکو د محروم و پرگنو د حقوقو خخه دفاع او د دوی د ژوند د بدلون په لاره کی نه ستیری کیدنکی، نه تسلیمیدونکی او نه داریدونکی مبارز انسان دی.

دپیکارشعار او عملی کار خپلی خانگرتیاوی لری. د هغه په خته، زره، او عمل کی خپلواکی او آزادی نغشتی ده. د هغه د پاره آزادی د ژوند د پاره د سا ویستلو معنی لری، هغه د آزادی د پاره د هر راز قیمت ورکولو ته تیار دی. دهفه په نظر خپلواکی او آزادی مفتله او آسانه لاس ته نه رائی، بلکی هغه وخت یی ترلاسه کولای شو، چی تول قیمت یی ادا، او ورکرو.

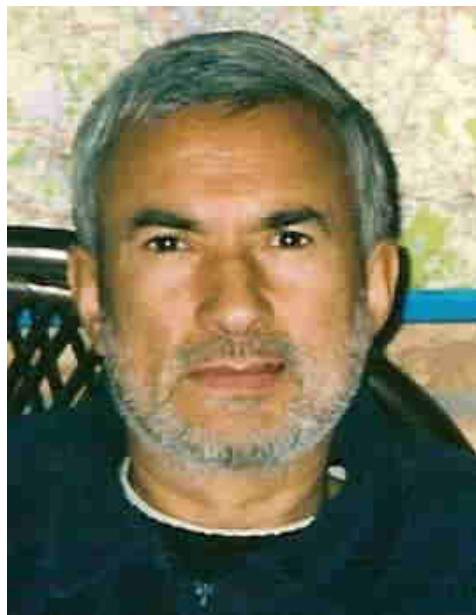
پیکارخپل ملی او تولنیز رسالت شه پیژند لای او تل وايی چی وخت او فرصت موکم دی. باید ترممکنی اندازی خپلی هشی وکبو او د نن کار سبا ته پری نه زدو. هغه عقیده لری چی فرصت خپله ستاسی هرکلی ته نه راھی، بلکی هغه وخت ترلاسه کیزی چی تاسی ورپسی ورشی او دروازه بی وروتكوی.

زه لورو انسانی آرمانونو ته د رسیدو چه هيله، دکار او پیکار په لاره کي خپل دغه رسالتمند ملګري ته د لاپرياوو او روغ صحت او اورد ژوند هيله کوم. د یوه موتی آزاده، آباده او سرلوری افغانستان په هيله !

استاد نسیم (رhero) - هالند

دهم ماه سپتامبر ۲۰۱۱ م

## بمناسبت بزرگداشت از خدمات سیاسی - فرهنگی پیکارپامیر



گرداننده گان فرهیخته "کانون فرهنگی باختر" !

ما، در روزگار آشفته ای زنده گی میکنیم. از افت های این دوران یکی هم شخصیت نمایی و شخصیت زدایی میباشد. آدم شاخ میکشد وقتی می بیند که

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

دربازار مکاره رسانه ها، بدنام ترین آدمکها، "افتخار افغانستان"، "دانشمند"، "علامه" و "قهرمان" معرفی میشوند. خدایا ! عجب زمان و زمانه ای است که به تعبیر رند شیراز : "خزف بازار لعل را می شکند." درازدحام این هیاهوی دل بدکن، به مشکل میشود فرق میان بوریا باف و ابریشم کار را دریافت و سره را از ناسره جدا کرد. در چنین فضا و شرایطی، جدا کردن کاه از دانه و کشیدن خط فاصل میان ارزش و بی ارزشی، کاری است کارستان و عملی است در خور ستایش.

اگر پیکارپامیر بعنوان یک روشنفکر مبارز، نویسنده جانبدار و شاعر متعهد، لیاقت هرگونه ارجگزاری را دارد، پاسداشت از کار کردها و خدمات سیاسی - فرهنگی این مرد مبارز و میهندوست نیز کاریست ستودنی و بجا، زیرا در آینین جوانمردی و آدمیت هیچ چیزی به اندازه حق ناشناسی و ناسپاسی، نکوهیده تر و زننده تر نبوده و نیست.

چه کسی میتواند سهم گیری فعالانه و دستاوردهای با ارزش پیکارپامیر را در قلمرو سیاست، تاریخ و فرهنگ انکار نماید؟! نوشته ها و آثار شکوهمند پیکارپامیر گواهی میدهند که او برای ملت مظلومش قلم کشیده است، از منافع برحق مردمش به دفاع برخاسته و چهره دشمنان مردم را با بی باکی دریده است .

روشنفکر آگاه، میهندوست و مترقبی همانند ستاره ای است که در دل شب های تار می درخشد. روشنفکر وطن دوست و مترقبی مانند شمعی است که خود می سوزد تا بزم دیگران را روشن گرداند..

در آتش باید بودن همه تن همچو خورشیدی  
اگرخواهی که عالم را ضیا و نور افزایی .

دوستان ارجمند ! ما، راه دراز و پُرمشقتی را در پیش داریم. دشمنان  
بیرونی و دزدان درون خانه چون گرگان درنده بجان مردم پریشان حال ما  
افتاده اند. ازتن زخمی وطن خون فوران میکشد. مردم مظلوم ما تنها در  
آتش بمباردمان هوا پیما ها و دالر اشغالگران جنایت پیشه نمی سوزد، آتش  
فقر، بینوایی، ستم، کوردلی، تعصب، نفاق، انتشار و "جهالت نوین" نیز تن  
و روان آنها را سوخته است . باید بدانیم که قطرات جدا از هم، قادر به  
شستن این انبارکثافات ازدامان مادر میهن نیستند. برای این کار، سیل  
خرشانی می باید. چاره اصلی همانا نزدیکی و به هم پیوستن قطره هاست.  
" که قطره سیل شود چون به یکدیگر پیوست . "

من از جانب خود و به نماینده گی از همکاران سایت "رهروان" تلاش های  
خستگی نا پذیر و پُر بار آقای پیکارپامیر را در راه روشنگری، آزادی،  
عدالت و ستم زدایی به دیده قدر مینگرم و برای تمامی روشنفکرانی که با  
قامت بلند در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی میرزمند، تبریک و  
تهنیت عرض میکنم.

قلم پیکار پامیر پُر توان تر باد !

دکتر رسول (رحمیم) – آلمان

ماه سپتامبر ۲۰۱۱ م

## پیکار پامیر کمال گرای اندیشگر



فکرمیکنم کسان دیگری نیز چون من گاهی در بیان برداشتهای شان نسبت به جایگاه راستین مرد فرهیخته ای چون جناب کریم پیکارپامیر، در تنگنا قرار گرفته باشد. زیرا او در یک بر هه بسیار دشوار زنده گی در مهاجرت، آثار متعدد مکتوب بیرون داده است، در انواع مختلف فعالیتهای ژورنالیستی دست داشته است و در سالمندی به فراگرفتن پایه یی حرفه خبرنگاری پرداخته است .

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

پیکارپامیر، از جمله آن تحصیل یافته گان افغانستان است که در بزرگسالی محکوم به مهاجرت ناخواسته شده است. تنگ دستی، بی سرنوشتی و از همه بدتر، احساس غربت در محیط های مهاجرت، آن ابتلاءات خطیر و آشنایی اند که شمار قابل ملاحظه مهاجرانی که یارای مقاومت نداشته اند، دچار شوک فرهنگی و افسرده گی روان شده اند. زیرا دلاوری، هدفمندی و اراده پولادینی لازم است تا انسان کمر راست کند و از مدار جذبه های مرسوم به نا متناهی شوق رها شود. پیکارپامیر از جمله همین کسان است . پیکارپامیر، از نیمه های دهه پنجاه میلادی، کار نویسنده گی را در مطبوعات افغانستان آغاز کرده و در دهه نود میلادی با عزم راسختر و ابتکار چشمگیرتر ادامه اش داده است.

انجمن فرهنگی "پگاه" در دهه نود میلادی یکی از کانون های فرهنگی آبرومندی بود که پیکارپامیر در کانادا بنیاد گذاشت. در روزگار مهاجرت از قلم پیکارپامیر صد ها و شاید هم بیشتر مقاله تحلیلی، تبصره، مصاحبه و نقد کتاب تراویده است . همین اکنون شمار آن نویسنده گانی بسیار کم اند که از نگاه تعدد عناوین، تألیفات شان با پیکارپامیر نزدیک باشند. پیکارپامیر در انواع مختلف شعر طبع آزمایی نموده است و چندین مجموعه از سروده هایش را در مجلد های علیحده ای به دوستداران شعر پیشکش کرده است.

شرکت منظم و مستمر پیکارپامیر در برنامه های رادیویی و تلویزیونی مهاجران، در پهلوی کار طولانی اش در زور نالیسم مکتوب، جایگاه خاصی در رسانه های صوتی و تصویری برای او باز کرده است. چه شکوهمند است که او به این همه افتخارات بسنه نکرده و با پشت کارکم مانندش

برای عرضه خدمات ژورنالیستی معیاری، به تحصیل در حرفه ژورنالیسم رو آورد. تازه ترین ارمغان او برای از میان برداشتن خلای اطلاعاتی در زمینه حوادث جاری افغانستان، ترجمه هایی اند که از منابع معتبر انگلیسی انجام میدهد. آرزومندم در این همایش پربرکت فرهنگیان والا مقام کشورم به نوبه خود با تفکیک بخشهای مختلف آثار پیکارپامیر؛ دیدگاه های شان را ابراز دارند.

اگرچه برای من جالب تر بوئ تا کارهای متنوع ژورنالیستی پیکارپامیر را به ارزیابی بگیریم، اما کثرت عنوانین و تنوع فعالیتهای ژورنالیستی او مستلزم صرف کردن زمان زیادی بود. علاوه برآن، حاکمیت اصل اطلاع رسانی که در آن شخص ژورنالیست افکار خود را کمتر دخیل میسازد، جنبه حرفه یی بودن مسئله را برجسته ترمی ساخت که مطمئناً مورد توجه جمع محدودی قرار میگرفت. از جمله بیش از پانزده کتاب و رساله ای که به قلم پیکار پامیر نگارش یافته اند، من به سه اثرش که جنبه تاریخ داشته اند، بیشتر توجه کرده ام.

در کشوری که کتاب نویسی، فارغ از کنترول دولت و حزب، پدیده بالنسبه تازه یی است، نفس کتاب نویسی بالذات میتواند امری نیکو و گامی به جلو پنداشته شود. اما در اوضاعی که این همه جوان فرهیخته در درون افغانستان سر برآورده اند و با درنظر داشت سطح بلند دانش در کشورهای میزبان، مهاجران در اروپا و امریکای شمالی، خواهی نخواهی در ارزیابی هرنوشته و کتابی هنگار های جهانی، مقیاس قرار میگیرند. با آزمودن در چنین محکی است که من جلد دوم کتاب " نقش پاکستان در تراژیدی

خونین افغانستان" ، آخرین اثرباری خونین افغانستان را که خود میتواند نمونه ای از طرز تفکر و سبک کار او در نویسنده گی باشد، به طور فشرده ای مورد ارزیابی قرار میدهم:

جلد دوم "نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" در سال ۱۳۸۹ خورشیدی در کابل با ۳۰۸ صفحه انتشار یافته است. این کتاب در حقیقت "رونده قدرت گیری طالبان تا رانده شدن از حکومت" را در بر میگیرد. ایکاش به جای نام موجود کتاب، همین عنوان برایش انتخاب میشد تا افزون بر منظور نویسنده که در خود متن شفافیت کامل دارد، مسئله اصل مورد بحث، بیشتر مورد توجه خواننده گان قرار میگرفت.

بدون شک کتابهای زیاد و بسیار با ارزشی هم به زبانهای مروج در افغانستان و هم به زبانهای خارجی در مورد طالبان نوشته شده اند. یک خواننده امروزین وقتی که کتابی را در مورد طالبان میخواند، انتظار دارد تا چیز تازه یی در آن بیابد که در کتاب "طالبان: اسلام پیکارجو، نفت و بنیاد گرایی در آسیای میانه" اثر نویسنده نامدار احمد رشید پاکستانی (تاریخ انتشار مارچ ۲۰۰۱) و یا کتاب "ظهور طالبان در افغانستان: بسیج توده یی، جنگ داخلی و آینده منطقه" ، اثر نعمت الله نجومی نویسنده فاضل افغان (تاریخ انتشار تابستان ۲۰۰۲) انتشار نیافته باشد، در حالیکه احمد رشید با قلم توانا و تحلیل ژرف نگرانه اش ساختارهای رژیم طالبی را بر ملا میگردان، نجومی با اسلوب دانشگاهی در پی ریشه یابی انارشی ناشی از تجاوز بیگانه است که در یکی از مقاطعه‌ش نفاوهای قومی را دامن میزند و طالبان یکی از فرآورده های آن میگردند. پیکارپامیر، از زاویه دیگری به موضوع می

پردازد. او فراز ها و نقاط عطف مختلف در قدرت گیری طالبان را تا فرجام رژیم این نحله جنگی بر مبنای اسناد مؤثق، در یک توالی تاریخی و به طور خلاقانه باز سازی میکند. خواننده کجاو هنگام مطالعه این کتاب، شاید با خود گفته باشد که نویسنده چه تز و یا تز هایی دارد، اما با اینهم به هیچ صورت اثری از اذعان به یک تز خاص و یا بحث و فحص خارج از بستر رخداد هارا در متن کتا نمی یابد.

در تاریخ نگاری معاصر افغانستان و حتا در جهان، دست کم دو اسلوب را میتوان تشخیص کرد: یکی اسلوب فلسفی ای که در پی تعلیل بوده و نویسنده در صدد اثبات مدعایی است. در اینجا نویسنده از اظهارات تز ها، شواهد و دلایل اش ابایی ندارد. دیگر اینکه، اسلوب روایی است که معتقد است رخداد هایی بوده اند و حال او از آن رخداد ها روایت میکند.

نمونه های برجسته این مکاتب تاریخ نگاری از جمله متاخرین، مرحوم میر غلام محمد غبار و مرحوم میر محمد صدیق فرهنگ میباشند. غبار آخرین اثرش، جلد دوم "افغانستان در مسیر تاریخ" را بر مبنای تز "تاریخ نگاری جامعه وار"، با ابراز صریح باور های فکری و ملاحظات شخصی اش به نگارش درآورده است. فرهنگ در کتاب "افغانستان در پنج قرن اخیر"، شیوه روایی تاریخ نگاری را برگزیده است.

تاریخ نگاری به شوئه روایت رخداد ها، به هیچ رو همیشه بیطرف و عقیم نیستند. این نوع تاریخ نگاری دارای نظامی است که زبان و اسلوب به کارگیری استادانه زبان بدان جان میبخشد. در این تاریخ نگاری، زبان سالم و غیر شخصی با روایت صبورانه رخدادها که با هنر بیان، مهره های

جداگانه حوادث را به رشتۀ منطق در میکشد، در بهترین صورت میتواند نماینده خود آگاهی مؤلف باشد. یعنی آگاهی های مؤلف را خواننده نیز می‌پذیرد. کمترین بهره آن ارائه معلومات مؤوث و مدلل برای خواننده است، تا خودش به نتیجه گیری مستقلانه دست یابد.

به طور نمونه، فصل اول کتاب با این رُخداد‌ها آغاز میشوند:

«شهرکابل و اهالی ماتم دیده آن در اوایل سال ۱۹۹۶ میلادی) پس از پیروزی های حکومت آقای "ربانی" به فرماندهی "احمد شاه مسعود" ف برای مدت کوتاهی از شر موشکهای برباد کننده "حزب اسلامی" (حزب اسلامی گلبدين) و نیرو های عبدالرشید دوستم که در چارچوب "شورای هماهنگی" علیه حکومت می جنگیدند، رهایی یافت. اما خیلی زود با شلیک دویانه وار موشکهای کور "طالبان" از سه جهت (جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب) مواجه گردید." و سطر های پایانی کتاب نیز با نقل قولی از اسمه بن لادن که در داخل گیومه با ذکر منبع آن آورده شده است، به فرجام میرسد.

عنوانین فصل های علیحدۀ کتاب نیز معمولاً جنبه انگیزندۀ ندارند. به طور نمونه عنوانین از این قبیل اند : "طالبان در شمال چه کردند؟" ، "اشغال طالقان" ، "طالبان در جنوب و جنوب شرق افغانستان" ، سرنوشت ننگرهار و شورای جهادی" و بالاخره "زمینه های سقوط طالبان". طغیان قلم و حاشیه های تحلیلی بر متن، تقریباً در کتاب هیچ وجود ندارند، هر چند در چهار پنج مورد منفرد، لحن بکار بردن نامها، بوی ارزشگزاری های متفاوت را میدهند.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

حجم اسناد منتشر شده در مطبوعات افغانها و بین المللی و همچنان نامه‌ها و اظهارات شخصی درمورد رُخدادها در این کتاب چنان چشمگیر است که درنظر اول، خواننده فکر می‌کند توضیحات مختصری پیرامون اسناد معینی را دریک بایگانی تاریخی از چشم می‌گذراند. صورت اجرآلت مقامات ارشد طالبان در حکومت ربانی چنان به تفصیل آورده شده اند که خواننده ژرف نگر از بی توجهی دست اندکاران پژوهش و تحلیل در ده سال بعد از یازدهم سپتember ۲۰۰۱ به کارنامه آنها متعجب می‌گردد. کاپی‌های دستنویس‌ها و انتخاب موضوعی عکسها با همه نقایص چاپی ای که در چاپ‌های بعد قابل اصلاح می‌باشند، بر دقت روایت رُخداد‌های این دوره می‌افزایند.

خواننده پس از اتمام کتاب، خود را تنها با پانورامای عملکرد رژیم طالبی در افغانستان نه، بلکه با یک بازسازی استدانه طرز آجرآلت دهشت آمیز "این گروه، رو به رو می‌بیند و مصدق تاریخ "فاعتبروا یا اولی الابصار" را در می‌یابد.

از نظر من، کمتر مؤرخ افغان که تاکنون با شیوه روایت رُخداد‌ها به تاریخ نگاری پرداخته است، از چنین موفقیتی در پیاده کردن یک اسلوب تاریخ نگاری برخوردار بوده است. بر مبنای چنین انتخاب آگاهانه و به کار بُرد بدیع شیوه تاریخ نگاری است که من، پیکارپامیر را کمال گرا خوانده‌ام. در جهان امروز، هر اثر پژوهشی عرصه اجتماع، سیاست، اخلاق و غیره، یا گره کوری را می‌گشاید، یا تزهای تازه‌یی را به آزمون می‌گرد و یا معلومات خواننده‌گان را افزوده و بدان نظم می‌بخشد.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

آنچه پیکارپامیر در این کتاب با بازسازی تاریخی رژیم دهشت آمیز طالبان انجام داده است، در حقیقت، جلوگیری از فراموشی و جلوگیری از محو حافظه‌ی تاریخی یک ملت است. چنین اقدامی، خود زمینه ساز آن آگاهی‌هایی میگردد که نمی‌گذارند فاجعه دو باره تکرار شود.

در آن آثار پیکارپامیر که من اجازه ارزیابی را بخود داده ام، با نویسنده‌ای رو به رو بوده ام که مسائل تاریخ، جامعه و سیاست را به طور نظام مند و با استفاده از روش‌های ویژه‌ی مورد بررسی قرارداده است. بنابرآن، هرگاه او را اندیشگر خوانده ام تعارف نبوده است.

با همه موهاب و فرست‌هایی که برای کارهای پژوهشی درکشورهای غربی وجود دارند، به مشکل شمار اندیشگران مهاجر افغان از انگشتان آدمی فراتر می‌رود. بیهوده نیست که گفته‌اند "قدر زر را زرگر میداند" زیرا این جناب آقای فرهاد لبیب یکی از سابقه‌دار ترین فرهنگیان مهاجر افغان، مؤسس و رئیس کانون فرهنگی باخترا در کانادا بود که قبل از همه، به اهمیت کارهای جناب کریم پیکارپامیر پی برد و به برگزاری مراسم تجلیل از مقام والای این نویسنده پیش‌تازه‌مت گماشت. این اقدام ستوده آن گرانمایه، سزاوار بهترین تهنيت‌ها و سپاس است.

پیکارپامیر یکی از نستوه ترین فرهنگیان کشور است که سوای این همه کتاب و کارهای فرهنگی پرمایه و متنوع اش، از گوهر یکتای انسانیت سرشار است. تنها همین کافی بود که دوستانش به شکرانه چنین نعمتی مقام او را طی محفل با شکوهی گرامی میداشتند. راهیافت من به کارهای پژوهشی جناب آقای کریم پیکارپامیر عمدتاً غیر شخصی انتخاب شده است،

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

چه معتقدم که مشک او خود می بوید و نیازی به مناقب رفیقانه من ندارد  
ورنه حقوق او برمن سنگین تر از بیان فشرده یک حقیقت آشکار در باب  
فرآوردهای فکری اش میباشد. آرزومندم پیکار پامیر عزیزدر کوره راه  
حقیقت یابی، پیوسته با شعله شوق سر فراز باشد.

عمر(صبور)

رئیس انجمن ادبی، هنری و اجتماعی افغانهای ویکتوریا- آسترالیا

## بی پرده گی بیان، وضاحت لفظ و معانی درنوشته های پیکار پامیر

قلم پردازی گلستان ادب، ایثاراندیشه است و گلگون ردای بهارتفرکر، پیوند مضمون و خامه از کلک هنر که در تراوش افکار محصول اتفاق پیچیده گی پندار، عکس پرده تعین و پیکراعتبار مینماید و راه خویشتن در دل پنهان درگوشان بی پروا و اکمه صفتان نا بینا، شیرین تراز کلام طوطیان و زیبا تر از خرام عروسان می گشاید.

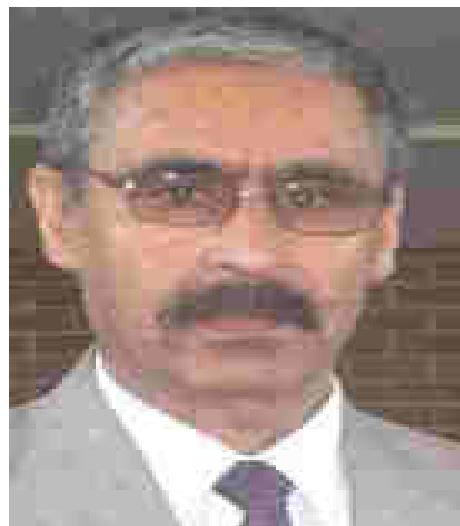
سپاس بی پایان ایزد توانا را که همنشینی من. هیچمدان با اهل ادب بر قرار و غنیمت کتب و نوشه جاتم را در اختیار ساخت. نشریه "افق" را که گوشه بی از دفاتر معلومات و اطلاعات روزگار را به ما تدارک نموده طبق معمول با شتابزده گی ذوق نوشه های نویسنده عالی مرتبت آقای پیکارپامیر را میخوانم و ازان لذت میبرم. بیشتر از هر چیز دیگر، توجه مرا بی پرده گی بیان و وضاحت لفظ و معانی نوشه هایش حین مطالعه ، تردد

ادراک را در ذهنم سلب می‌کند. چون از حقیقت نگری سخن در ژرف برداشت خویشتن رنگین صفحه‌ای تحریر مینماید. جویای احوال و نام و نشان نویسنده شدم و خواستم با ناشر "افق" درمورد این نویسنده سخنی چند داشته باشم. از خلال صحبت‌ها دریافتم که آقای پیکار پامیر؛ شخصیتی است قابل حرمت و جای مسرت است که از فیض نوشه‌های این بزرگوار بهره می‌گیرم. بنا بر آن، برخود لازم و انستم جشن بزرگداشت شان را از صمیم قلب و خلوص نیت تبریک عرض نمایم.

به امید صحت و عافیت نویسندا گرامی آقای پیکار و همه دست اnder کاران انجمن ادبی (کانون فرهنگی باختر) و به امید تحکیم مناسبات و ارتباطات فرهنگی میان انجمن ادبی، هنری و اجتماعی افغانهای ویکتوریایی – آسترالیا و کانون محترم باختر در کانادا.

استاد ضیا (ضیا) – آسترالیا

مدیر مسؤول هفته نامه "افق" در سدنی



از دفتر زمانه فتد نامش از قلم آن ملتی که مردم صاحب قلم نداشت  
با عرض سلام و ادب به کانون فرهنگی باختر، گوهرشناسان بحر بیکران  
دانش و فرهنگ و ارجگزاران معنای انسان !  
تقدیر و تمجید شما از شخصیتی چون کریم پیکارپامیر، نشانه بزرگ و  
درگ عمیق تان از جوهره اصل انسان است که آنرا از ورای اندیشه، تفکر  
و احساس آن وارسته مرد قلم و بیان شناسایی نموده و به این باور رسیده  
اید که قلمش آنچه را نوشته راست نوشته و زبانش آنچه را بیان کرده راست  
بیان کرده است. پس، درود و تحسین برشما باد که از پیکارپامیر؛ این

خجسته مرد ادب، فرهنگ، تاریخ و سیاست که شایسته گی ها و بایسته گی هایش را اظهر من الشمس پدیدار نموده، ازان قدر مینمایید.

اشعار زیبا و نوشه های این فلمدار شیوا بیان و سیاست نویس بی باک و این نویسنده حقیقت جو، نشأت کرده از آن خورشیدی است که در سپیدی آن هیچگاهی اصالتها در هاله های تاریک، بیرنگ و حتی کمرنگ و پنهان نشده، بلکه همه چیز را که مایه اصلی آن درد و آه انسان، آنهم انسان بلا کشیده افغانستان است، بی پرده بیان نموده، زبان شعراو که مالامال از صنایع ادبی است و لازمه اش غیرمستقیم گویی با چنان ظرافت بیان میگردد که انگار هیچ کنایه و تبیهی در آن بکار برده نشده و به همین گونه، نوشه های تشریحی او که طبیعتاً افاده آن باید صاف و عاری از پردازش های لفظی باشد، بگونه ای در دل خواننده چنگ میزند که او را در میان حقیقت، عاطفه و خیال می پیچاند.

هفته نام، "افق" که اینک، وارد سومین سال نشراتی در قاره استرالیا گردیده، برخویش می بالد که از آغاز میلاد خود تا به حال، از اشعار، مقالات، تحلیلها و تفسیر های سیاسی پیکارپامیر فیض یافته و تراویده های او را زینت بخش صفحات خود گردانیده است. حق مسلم اوست که از صمیم قلب سپاسگزار و ممنون احسانش باشم.

ضمن آنکه به پیکارپامیر، این گرامی شخصیت پُرفضل، شاعر، نویسنده و پژوهشگر آگاه و میهن دوست طول عمر و موفقیتها بی پایان تمنا میکنم، یکبار دیگر به همه دست اندکاران کانون فرهنگی باختر و فرهیخته گانی

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

که به قدر شناسی و ارجگزاری شخصیت‌های علمی، ادبی، هنری و سایر افتخارآفرینان هستی مادی ای معنوی وطن عزیزما افغانستان به نحوی از انحا انجام رسالت میکنند، سر تعظیم فرود می‌آورم.

محمد شاه (فرهود) – هالند

مسوول امور فرهنگی فدراسیون پناهنده گان افغان

## پیکارپامیر، ادامه مؤرخ اسطوره‌ای کشور (میر غلام محمد غبار)



برای من، خیلی ارزشمند و بانده است که در باره مؤرخ معتبرض، آگاه و دلیری پیام می نویسم که جایگاه پُر ابهتی را در حوزه تاریخ نگاری احرار کرده است. کتاب شناسی مؤلف نشان میدهد که پیکارپامیر در قلمرو فرهنگی مان، یکی از پُرکار ترین و حرفوی ترین نویسنده گان معاصر ماست. افغانستان کشوری است که رویداد های تاریخی اش،

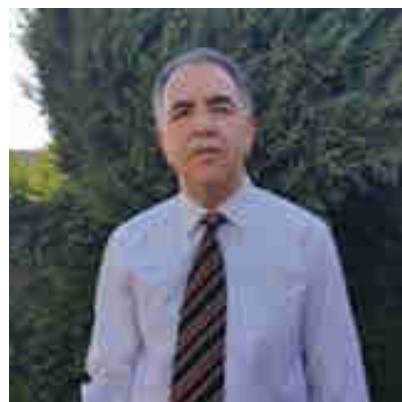
از چندین جهت مورد دستکاری و مسخ قرار گرفته است. سرزمین ویرانی که در چاربرج آن، مؤرخان و نویسنده گان سرکاری و درباری سنگر گرفته اند. در زیرشمشیر داموکلس های خونریزاست که گردن های مستقل و آزاده، بی هراسانه می ایستند و بیباکانه قلم میزنند. پیکارپامیر از سلسله نویسنده گانی است که خامه را از بالذ سیمرغ و رنگ را از خون شفق گرفته است. پیکارپامیر ادامه مؤرخ اسطوره ای کشور، یعنی ادامه میر غلام محمد غبار است.

هر تألیفی، شخصیت مؤلف را معرفی میکند. پیکار، شخصیت پُرتألیف است و هر صفحه و هر ورقی از تألیفاتش توانایی، جسارت و دانایی اش را به زمان و زمانه بیان میکند. هر کاوش و هر پژوهشی در درون یک نوشتار به حقیقت و هستی میرسد. واقعیات تاریخی نیز در درون متون و تألیفات به حقیقت و حافظه تاریخی تبدیل میگردد. آثار تاریخی پیکارپامیر از شمار آن متن های ارجناکی است که افغانستان معاصر را دارای آبرو و حافظه تاریخی میسازد.

از "هرودت" تا ابن خلدون، از "توسیدید" تا "جریر طبری"، از "ابوفضل بیهقی" تا "ولی دورانت" ، از "میر غلام محمد غبار" تا "کریم پیکار پامیر»... نگین های جادویی و جاودانه ای در انگشتتر تاریخ اند. حنجره و انگشتان پیکارپامیر را شاد و تابان میخواهم. آنگونه درخشند و زلال که مانند پار و پارین، بحیث یک شخصیت چند بعدی به خلاقیت خویش ببالد. آری! چند بعدی: کریم مترجم ، پیکارشاعر و پامیر مؤرخ .

انجینیر محمد اکبر (بیات) – تورنتو

## شناسایی و معرفت من با پیکار پامیر



صمیمانه ترین تبریکات خویش را به نسبت ارجگزاری از شخصیت  
فرهنگی محترم پیکارپامیر و دست اندرکاران کانون فرهنگی باختر تقديم  
میدارم.

برگزاری چنین محافل در قدردانی از نبشه های مطبوع و آثار فرهیخته  
گانی چون محترم پیکار پامیر و شخصیت های دیگر علمی و فرهنگی  
جامعه افغانها در دیار غربت از وطن را اقدام نیک و قابل ستایش میدانم.

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

شناسایی و معرف من با محترم پیکارپامیر با مطالعه آثار و چکیده های مطبوع موصوف آغازیده و با وجودیکه سالیان طولانی در حومه شهر

تورنتو باهم اقامت داریم، نتوانسته ام پای صحبت های فرهنگی ایشان حضور یاب شوم. البته این تقصیر من است.

برداشت من آنچه از آثار برجسته ایشان مطالعه نموده ام ، به وضاحت میتوان گفت که دارای ارزش علمی، فرهنگی و تاریخی است. معرفت اجتماع با چنین اشخاص در ارزش آثارمند گار از ایشان است.

جای خوبختی است که افراد و اشخاص در حضور از کارکردها و آثار پُر ارزش که با زحمات شباروزی بوجود آورده اند، در بزرگداشت از آن قدردانی بعمل می آورند. این چنین اقدامات در رشد و حفظ فرهنگ ما در دیار غربت از وطن، در خور اهمیت است.

با تشکر از آثار معنوی و با ارزش محترم پیکارپامیر، صحتمندی و موفقیت مزید برای شان استدعا میداریم. با عرض حرمت.

بایستی با تأسف متذکر شد که رسم قدردانی و بزرگداشت از زنده های علمی، هنری، ادبی و فرهنگی در جامعه ما، بساس حاکمیت مستمر تبعیض و استبداد سیاسی و کوردلی های ضد فرهنگی در افغانستان، رونقی نداشته است، با آنهم بخشهایی از روشندهای و روشن اندیشان کشور، بخصوص در غربت سرای پناهنه گی و مهاجرت، با انتباہ گیری لازم از گذشته های در دنک جامعه سنگ شده ما، چراغ فرهنگ دوستی و فرهنگی شناسی را روشن نموده هرازگاهی در اینجا یا آنجای این کره خاکی که هموطنان آواره

ما بسر میبرند، محافل بزرگداشت یا ارجگزاری به شخصیت‌های علمی، ادبی و هنری و کارکردهای آنان در حضور خود شان و قبل از آنکه جهان ما را پرورد گویند، برگزار مینمایند. بنابرآن، گهگاهی در محیط تورنتونیز در ردیف سایر شخصیت‌های فعال سیاسی – فرهنگی – اجتماعی، از محترم آقای کریم پیکارپامیر و کارکرد های قلمی و ژورنالیستی دراز مدت وی نیز در سالهای پسین از سوی برخی از نهادهای فرهنگی – اجتماعی مقیم این شهر، بزرگداشت صورت گرفته است که اینک، چند نمونه آنرا در اینجا تذکر میدهیم:

۱- هواداران "شورای دموکراسی" در کانادا، به روز سوم ماه مارچ سال ۲۰۰۱ میلادی محفل شکوهمندی را در راستای معرفی یکی از کتابهای تاریخی پیکارپامیر تحت عنوان "افغانستان از شاه شجاع الملک تا بیرک کارمل" و قدردانی از کارهای تحقیقی نویسنده، در شهر تورنتو برگزار نمود. در این محفل، تعداد کثیری از شخصیت‌های علمی، ادبی، هنری، رؤسای برخی از نهادهای فرهنگی، فعالین اجتماعی و روزنامه نگاران مقیم تورنتو اشتراک نموده بودند. ما به منظور اجتناب از اطاله موضوع، از ارائه تفصیل مزید در این زمینه منصرف می‌جوییم.

#### عکس محفل گنجانیده شود

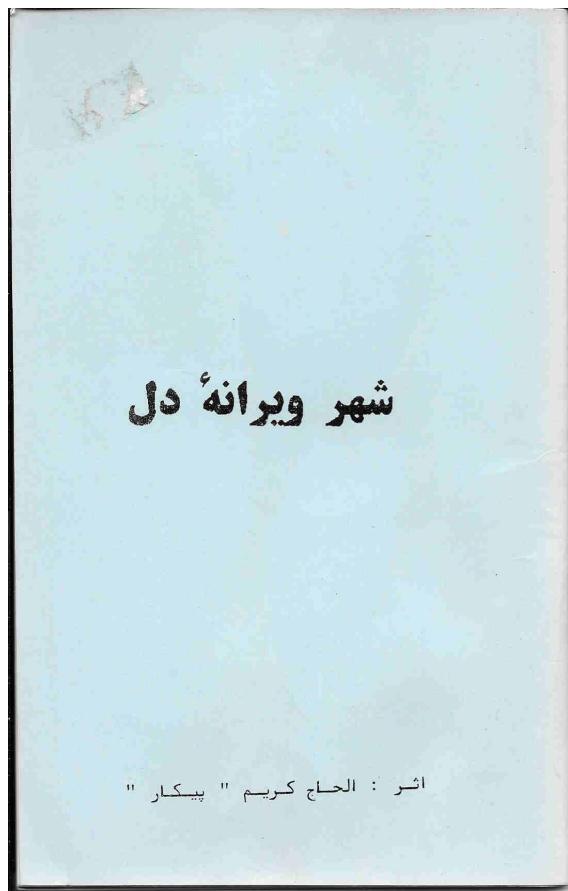
۲- "کانون فرهنگی باختر" در تورنتو نیز در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱ میلادی محفل بزرگی را به منظور معرفی یکی دیگر از آثار تاریخی پیکارپامیر تحت عنوان "جلد دوم نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان" و قدردانی در کارکردهای ادبی، تحقیقی و تاریخی وی در شهر تورنتو

## محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

برگزار نمود. در این محفل هم تعداد غیری از هموطنان اعم از شاعران، قلم بدستان، روزنامه داران و شخصیت‌های علمی و اکادمیک مقیم تورنتو اشتراک نمودند. جریان محفل در موقعش از طریق رسانه‌های چاپی و گفتاری افغانها و برخی از نشریه‌های الکترونیکی به نشر رسید.

۳- انجمن فرهنگی - آموزشی افغان - کانادا (اکسیو)، بتاریخ ۲۷ ماه می سال ۱۵۲۰ میلادی محفل شانداری را به مناسبت معرفی یکی دیگر از آثار تحقیقی پیکارپامیر تحت عنوان "امیران دست نشانده در افغانستان"، در شهرک "پیکرنگ"، واقع در حومه بزرگ شهر تورنتو دایر نمود. جمع قابل ملاحظه بی از هموطنان عزیز اعم از شاعران، فرهنگیان، روزنامه داران، و شخصیت‌علمی و هنری در این محفل بزرگ اشتراک ورزیده بودند. چون جریان محفل، اسمای سخنرانان و متون سخنان شان در موقع اش از طریق رسانه‌های چاپی و تصویری و نشریه‌های الکترونیکی به نشر رسیده‌اند، به همین دلیل از شرح بیشتر جریان این محفل می‌گذریم.



بیمورد نخواهد بود تذکر داده شود که یک سلسله مصاحبه های تصویری (تلویزیونی) نیز با پیکارپامیر، پیرامون آثار منتشر شده اش و همچنان راجع به متن و ماهیت آنها از سوی رسانه های جمعی افغانهای مقیم کانادا در موقع مختلف انجام داده شده است.

## بخش چهارم : همکاریهای قلمی پیکارپامیر با رسانه های

### برون مرزی

آقای پیکارپامیر تنها مشغول تحقیق و تألیف آثار ادبی، سیاسی و تاریخی نبوده بلکه همیشه و پیوسته، بگونه متعهدانه و فعال در کنفرانسها، گردهمایی ها، بحث ها و مصاحبه های رسانه بی سهم جدی و خسته گی ناپذیر ادا کرده است. علاوه با هفته نامه ها، ماهنامه ها، فصلنامه ها، رادیو ها و برنامه های تلویزیونی در کانادا و سایر کشورها نیز همکاریهای قلمی و ژورنالیستی داشته است. اینک، برخی از نشریه ها و رسانه ها را موصوف با آنها همکاریهای صمیمانه داشته است، در اینجا نام می‌بریم:

رادیو "کانون فرهنگی باختر"

رادیوی اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو در تورنتو

رادیو "صدای شرق"

رادیو رنگین کمال و سپس رادیو پگاه و گذرگاه در کانادا

تلوزیون اتحادیه افغانهای مقیم انتاریو

تلوزیون "شهر آشنا"

تلوزیون "افغان تایم"

تلوزیون " اسرار معرفت "

تلوزیون " صدای امریکا "

تلوزیون " نوید "

تلوزیون افغان هنداره

ماهنشمه " اندیشه نو" در کانادا

هفتنه نامه " افق " در آسترالیا

ماهنشمه " مسافر" در آسترالیا

ماهنشمه " کیوان" در امریکا

فصلنامه " رنگین" در آلمان

مجله " خوشه " در آلمان

مجله " خراسان" در امریکا

مجله " آبینه افغانستان" در امریکا

ماهنشمه " فروغ " در کانادا

نشریه طنزی " هفته فام" در کانادا

ماهنشمه " آفتاب " در کانادا

ماهنشمه " لمر" در کانادا

ماهنشمه " افغان رساله " در کانادا

هفتنه نامه " امید" در امریکا

وبسایت " گفتمان دموکراسی افغانستان"

وبسایت " افغان - جرمن آنلاین "

وبسایت " فردا"

محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

وبسایت "رنگین"

## ضمایم:

در این بخش کتاب نمونه های دست داشته از کارکردهای پیکار پامیر را در چند رسانه چاپی، شنیداری و همچنان قدردانی نهادهای فرهنگی را که در پیشکش نمودن تحسین نامه های شان به پیکار پامیر تبارز داده اند، مشت نمونه خرووار نشر می کنیم.

(1)

### ماهnamه پگاه

ماهnamه "پگاه" در سال ... به مسئولیت ... در شهر تورنتوی کانادا به نشرات خود آغاز کرد و در مدت ... سال .... شماره آن نشر شد.....

# محل ارجکاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکار پامیر

صفحه ۳

پیگاه

شماره دو

ک - پیکار

## نیک و بد

آدمیه‌زاده، درحقیقت، مخلوق عالمی و ناشناخته و شکفت آور است. غامق بیان آنکه نه حال و احوال جسمی و روحی بکسانی دارد و نه حق خوبشن خوبش را آنسان که باید، من شناسد. نا شناخته بودنش هم بین همان که وقتی آدمی قادر نباشد چند گونه کی جوهر و اقسام وجودی خوبشن خوبش را بروابد و نیز تدقیق و این تدقیق ای لطفت بی خوبش را بفهمد، بگران بسیار خواهد بواست او آنچنان که هست، بشناسند. پس این محقق، با اعمال و افکار جای و عالمی که در هو قدر از خود بروز بیندند، بیوسته عجیب و شکفت آور و اینرا آمیز مینمایند.

آدمیه‌زاده، از همان لعنه بی که با به عرصه هستی می‌گذرد، کاشانه اسرار آمیز خودش بروشگاه توخ خجال و اراده، « نیک و بد آیا زنش و زیلی می‌باشد، تا دادنی که باری رسید و بروش بکن، موجب شله بر دیگری گردیده و در فرجام، یا این موجود دو با دو مرافق اتفاقی خان خدای گونه شدن ها بیوشنده و یا اعماق لجه‌خواه بستن و پشتی اش می‌افکند و ظاهر صفات دش و اهرمنی اش بیگرداند. درین حال، این تمازع سرگشانه بین نیک و بد و زشت و زیما در نهایتگاه سریسته بغض از آدمیه‌زاده که بگذرد که بمشکل چنین غایب عده درین دید و در آن صورت، اگرچه نصوت‌نادرد به درجات متغیر اخلاقی و شخصیتی و... برسد بدرس و دیو صورت و اهرمن حصل هم نیشود و نه، اگر بروای همنوعان خوبش مفید و هرگز نه باید، مودی و مضر هم نخواهد بود.

اینجاست که اگر بددند بگویی اساسات و قدران در هاد آدمی رسید و غله و جوشش کند، اورا چون مولانی بلخ و بامی بیگرداند که وقتی غرض بیان طرف و فلاح خلق الله بوصمه بی‌شنبند، کاشانه کافی درون قیو و پی ادب در رسیده و باخورد گویی ها بی پلدهانه، توهمش کند و لیک این بوجودیاک نهاد خدای گونه شده، لغه برآینها بپند و بگویند که بر کت خدای بیش که از شما بسی امکنی و اما، و قفس تخصه، فاسدسازنده، رشته و پلشی در او به ققام و تکامل رسید، وی را منحک مار خوش و امیر خون توخ و واعظ بد کوچار کی اذیتش دار آورد که اعماش جز ماقم بر آدمیها نمی‌زاید و گفتارش جز سرگجه و نوع بر استعمال گران بار نمی‌آورد.

دعا و شای ما بیوسته این است که بمحبیت های هنرمنی اول الذکر در دنیای ملتمت نار ما زنده و فراینده باد و آن دیگرشن که همین و منع درخشش هاست، مرده و سر افکنده و تنسته باد! و همین!

## بجای سوچاله

اینک با « پیگاه » دو باره سرخ شما عیتیم، با گونه باری از امید، با قلبی بتو ایمان و عاصی

پیش از همه، ما مستون تنفسون ها، ذکن ها و نامه هایی از شما هستیم که ما را بآن مصیبتانه نشیوند و انتقاد کردید. اول کار ما نا نقص و کمود و همه بود و نیوتن سا را در ساحة عمل بیرون نهادیاند، کار امنیا در آینه شما بیرون نهادیم. جو سیاسی - اجتماعی، حامی افکارهای ما در شریعت متأسفانه در سطح عظیمی با دخواری های عجب و غریب سیاسی دست و گویان است که ما در نظر غیری این خصیمه، مشکل است که گار اجتماعی بدویم. گار از غربال تعصب سیاسی بتواند همیش خودش را به آئین غیر تسبیت بزند، این کار، ما را در حد زیاد با درد سر های بیوده شاگذیرو سردوچار بینکند. هفته باین و پداختن به آن، گار است که صبر ایوب بسخواهد و نلاخ ای پیام.

بنائیں معیاری در چهار چوب نیاز فرهنگی مان، نخواسته و نیتوخواهی که نشیوه دل خوش کن فلان و بیهمان چاب مکنند. واصلت که باین گار شاید در نارق بعضی ها شکنند. چه میتوود گویا! ما نیز این دره های نیک نسل فرهنگی استیم، نیتوخواهی در مدار گفته ها و نوشته های دل خوش کن بروی این و آن بگردیم، ما بیان کنند و نوشتند که بده نوشت و کارهای فرهنگی - اجتماعی تویسته با رساند خوبش داریم که از چن تعصب سیاسی خودش را بیرون کرده باشد.

فرهنگ ما آشناز نیز سه دلان بی همه چیز شده. گاریما و نوشتہ های ما باید شکست سکوت باشد و اینجاد رشته پیوند را فلسفه ایان میلز و آزاده. ما علی الرشیح همه صنایع بایی ها، ایهام و سکوت که خلی ها را در خود پیچیده، نیتوخواهی محصول ایف باری از « ایکاتن » های خسته را خاکستر برگیریم.

در گذرکه سرد زمان، پیگاه بیروزی را به امید نشسته ایم و بنا دل کم به این منع در قبوه شب بپدای نیهن به سوی افق و در برابریم. بر بیاد دی نشایم چون امروز هم رویست که نیز خواهیم محصول ایف باری از « ایکاتن » های فرد شود. اینجاست که بیان ما در حد وسیعی از نزد چهار و دوی این نشیوه بدور تو میوید، به تو میز داریم که بنا همسو این ره دشوار کدار شوی!

ادراه

(2)

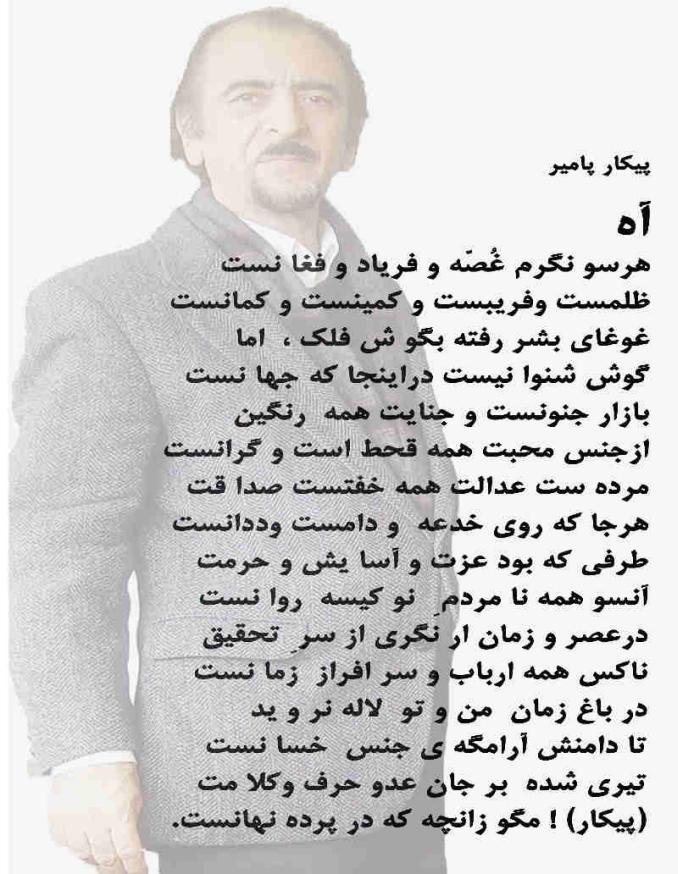
## اندیشه نو

نخستین شماره ماهنامه اندیشه نو در اول اکتوبر ۲۰۰۲ در شهر تورنتوی کانادا نشر شد. اولین مدیر مسئول آن داکتر ثنا نیکپی و دومین مدیر مسئول آن روانشاد سلطان علی شنبی بود. نشریه اندیشه نو دوازده سال فعالیت نشراتی داشت که شماره ۱۳۳ آن در دسامبر ۲۰۱۴ نشر شد و بعد از آن نشر آن متوقف شد.

## محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

پیکار پامیر به صفت عضو هیات تحریر سال ها در این نشریه کار کرده است.

### شکوفه نای شعر



پیکار پامیر

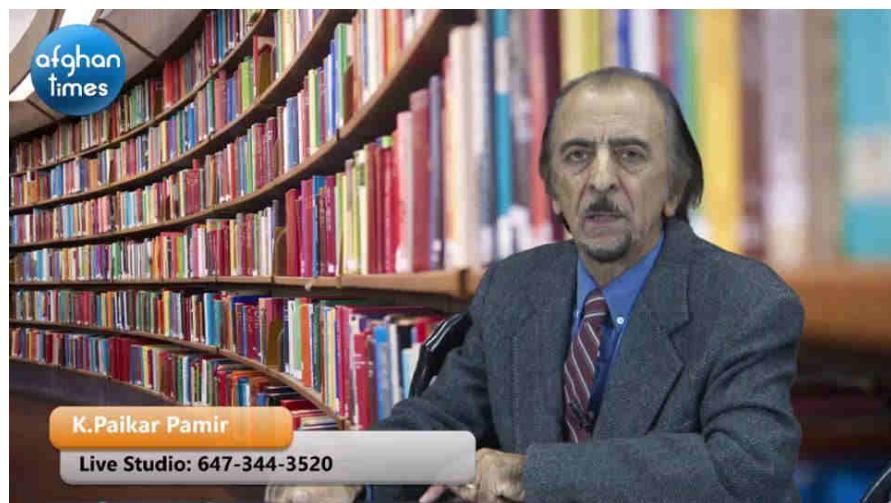
۵۱

هر سو نگرم غصه و فریاد و فغا نست  
ظلمست و فربیست و کمینست و کمانست  
غوغای بشر رفته بگوش فلک ، اما  
گوش شنوا نیست در اینجا که جها نست  
بازار جنوئست و جنایت همه رنگین  
از جنس محبت همه قحط است و گرانست  
مرده است عدالت همه خقت است صدا قت  
هرجا که روی خدعا و دامست و ددانست  
طرفی که بود عزت و آسا یشن و حرمت  
آنسو همه نا مردم نو کیسه روا نست  
در عصر و زمان ارنگری از سر تحقیق  
ناکس همه ارباب و سر افزار زما نست  
در باغ زمان من و تو لاله نر و ید  
تا دامنش آرامگه‌ی جنس خسا نست  
تیری شده بر جان عدو حرف و کلامت  
(پیکار) ! مگو زانچه که در پرده نهانست.

(3)

## افغان تایم

شبکه‌ی تلویزون جهانی "افغان تایم" در ... در شهر تورنتوی کانادا پیکارپامیر در هر هفته دو برنامه‌ی (تاریخی و فرهنگی) را از همین طریق به نشر میرساند که در سرتاسر جهان بیننده دارد.



(4)

### رادیو «رنگین کمان»، «پگاه» و «گذرگاه»

رادیوی اینترنتی و جهانی است که پیکارپامیر از چندین سال به اینطرف، برنامه‌ی سیاسی یا تبصره‌های سیاسی را در هر هفته (پنجشنبه‌ها) به نشر رسانیده و در سراسر جهان شنونده دارد.

(5)

### تحسین نامه‌ها

پیکارپامیر در جریان فعالیتهای قلمی و رسانه‌ی خویش، سپاسنامه‌های متعددی از منابع مختلف نشراتی چه در داخل کانادا و چه در خارج از این کشور بدست آورده است که ما در اینجا، صرفاً به نشر چند نمونه‌ی آنها اکتفا می‌کنیم:



# رادیو گذرگاه

**Radio Gozargah**

Afghan Canadian Radio Station

[www.radiogozargah.com](http://www.radiogozargah.com)

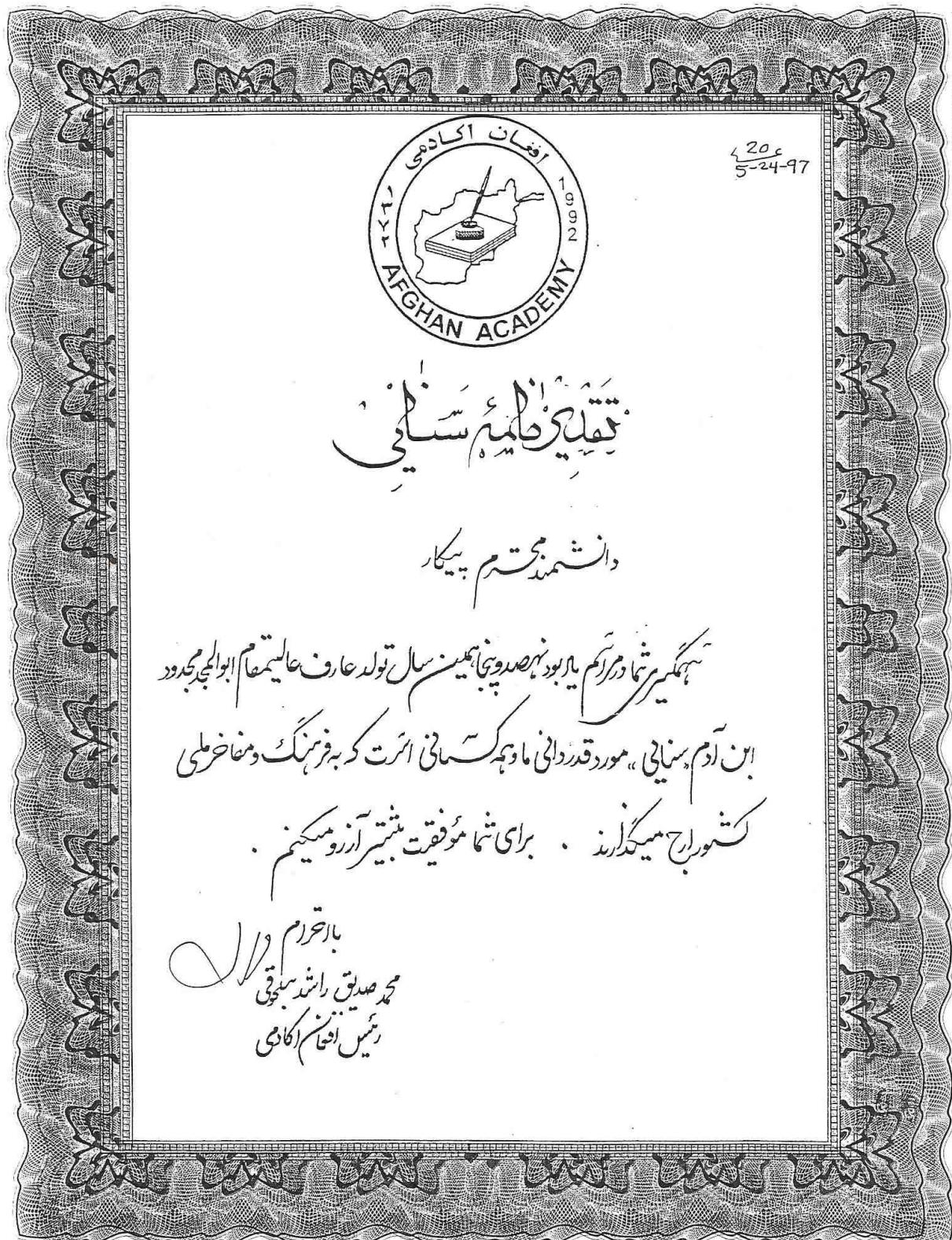
دوسټ خوب و همکار کرامی رادیو گذرگاه آقای کریم پیکارپامیر!

اینک که بپایان سال ۲۰۱۶ و در آستانه سال نو ۲۰۱۷ میلادی ایستاده ایم وظیفه خود میدانم تا از شما همکار کرامی رادیو گذرگاه که در دوازده سال ۲۰۰۴ با اجرای برنامه (محاہی به تاریخ معاصر افغانستان) رادیو گذرگاه را یاری رسانده اید از ثرفاي قلبم سپاهنگاري کنم. اميدوارم با اجرای این برنامه وزين درسالی که پيش روست همچنان پيکري و نير و مندب همکاری تان ادامه دهد.

وکيل بهاراني

مسؤول رادیو اسٹریتی گذرگاه

تور تسو-کاناوا



# Certificate of Appreciation

*In recognition of their wholehearted support towards AAE and their generous contribution for the Memorial of the Unnamed Martyrs.*

Awarded on April 30, 2016, by the members of

Afghans Against Extremism.

Awarded to

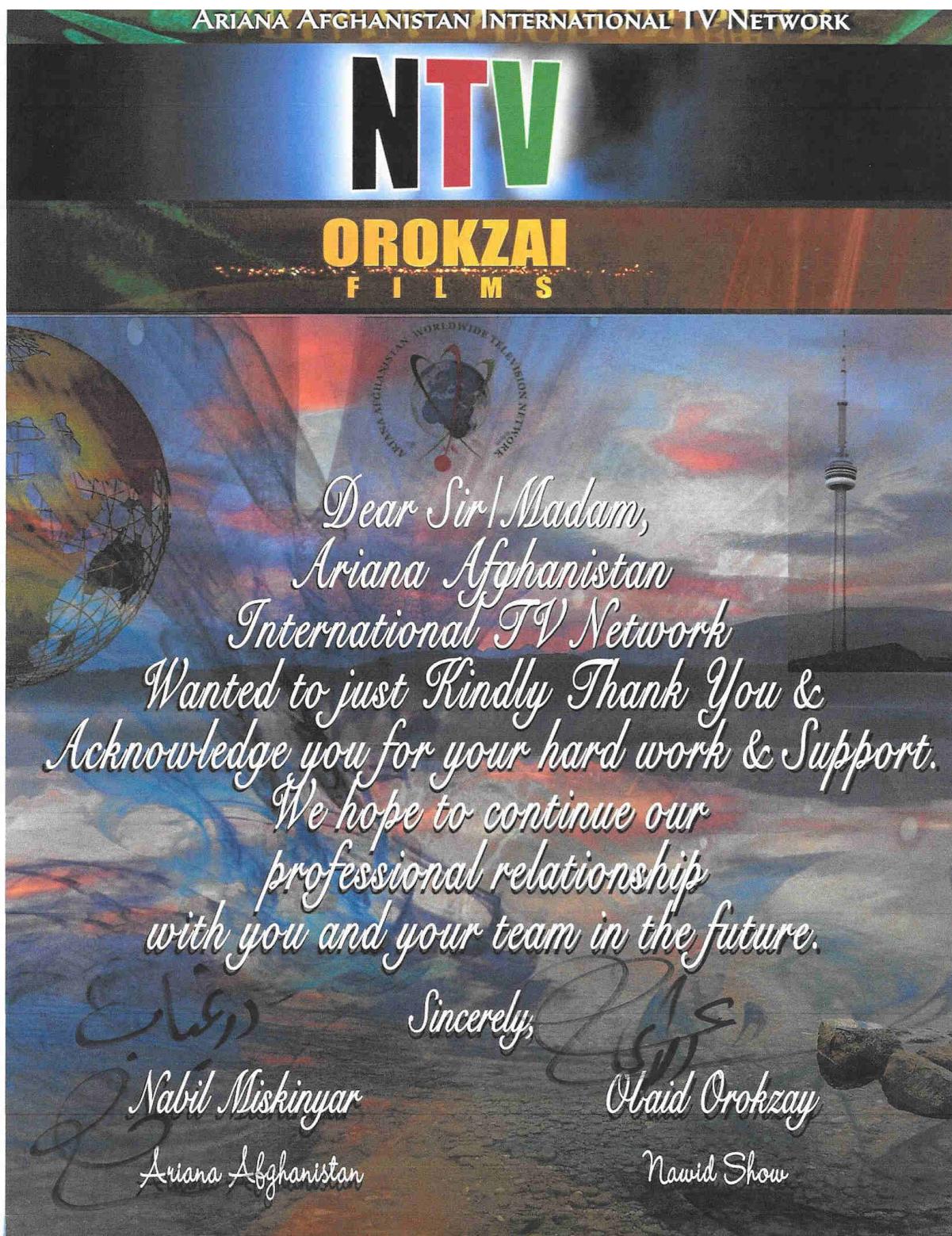
Karim Paikar Pamir

April 30, 2016

Date

Ali Aziz  
President

محفل ارجمندی از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر





## جنرال ټونسلکری جمهوری اسلامی افغانستان

تولنتو - کانادا

جنرال ټونسلکری جمهوری اسلامی افغانستان در تولنتو، به افتخار روز خجسته مادر از شخصیت والای ځلخلم ( خوشیده پامیر و خاکم دلن ) بعنوان بهترین مادری که در عرصه های مختلف اجتماعی زحمات زیادی را متقبل شده، در رشد و تعالی خانواده و تربیه فرزندان شایسته به جامعه از هیچگونه ایثار و فداکاری در بین نکرده اند، تقدیر به عمل می آورد.

نظیفه لنگریان

جنرال ټونسل

# محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---



September 26, 2007

To whom it may concern,

The Voice of America's Afghanistan service had the pleasure and benefit of having Mr. Karim Paikar as an intern for more than six weeks.

Many VOA veterans say it takes months to bring a new worker up to speed. That wasn't true of Karim. In a matter of days, Mr. Paikar was translating and producing several news packages a week for TV Ashna. His Dari/Farsi language skills are superb, and his command of English is fluent.

He is very educated and comfortable with any subject he is presented with for translation. Mr. Paikar works quickly and accurately, is a quick study, and he grasps the different translation needs for radio as opposed to television narrations. His matching of words with pictures is natural and instinctive, and his voice-overs were usually performed in one take.

Mr. Paikar is also a gentleman. Kind and cordial, he's always a pleasure to work with. His civility and strong work ethic will be missed in our newsroom.

Sincerely,

A handwritten signature in black ink, appearing to read "Beth Mendelson".

Beth Mendelson  
Service Chief  
(202) 382-5191  
[bmendel@voanews.com](mailto:bmendel@voanews.com)

330 Independence Avenue, SW Washington, DC 20237 [www.VOANews.com](http://www.VOANews.com)

## محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامبر



University of  
Nebraska at  
Omaha

University Library  
Omaha, Nebraska 68182-0237  
(402) 554-2884

May 27, 1998

Pagah  
P.O. Box 23521  
5899 Leslie Street  
Willowdale, Ontario M2H3R9  
CANADA

Dear Sir or Madam:

We found your publication, **Pagah**, listed on the internet on a site devoted to publications on Afghanistan. We are interested in learning more about your publication and would appreciate any information you can supply concerning subscription cost, frequency of publication, and how to subscribe. If you are able to send a sample issue of your publication, that would also be appreciated. Thank you.

Sincerely,

A handwritten signature in blue ink that appears to read "Robert Nash".

Robert Nash  
Collection Development Librarian

# محل ارجکاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکار پامیر



The Cultural and Civilization Society of Afghanistan

(C.C.S.A)

CAN  
Ref.

Date

(کمیسیون روابط خارجی)

۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷ - دهلی جدید

دانشمند ولا مقام آقای الحاج عبدالکریم پیکار

انسان، موجودی که از شگفتیهای خلقت است و مقامش در هر آین و اندیشه‌ای والا است، در جامعه ما با هر وسیله ممکن و با هر پیمانه‌ای مورد تجاوز و تحقیر قرار دارد و اراده، نیاز، حقوق خدا داد و امتیاز اجتماعی وی یکسره نا دیده گرفته شده است.  
ما در آستانه قرن جدیدی قرار داریم که در آن محیر العقولترین پدیده‌های صنعتی، شیوه حیات را تغییر خواهد داد. این حقیقتی است که از همین اکنون در حال ظهور بوده و با وجود وحشتی که کره زمین را فراگرفته، به سرعت در حال رشد است، کامپیوتر و پدیده‌های الکترونیک سریعاً در پیشرفت است و در حال حاضر بخش بزرگی از خدمات روزانه حیات را در احاطه دارد. دنیا می‌باشد صنعتی، بیشتر به شایستگی انسان پی برده است و او را جایگاه مقدسی می‌دهد. انسان موجودی است که نمی‌توان او را ناقص و مقیر دانسته، نادیده گرفت.  
انسان روح حیات، باعث زندگی و بارور کننده آن است. این انسان هم فرد است، هم جامعه. و او در انفراد همانقدر مقدس است که در اجتماع. در حرکت همراه با زمان، ما نیز ناگزیر با سایر انسانهای کره زمین یکجا به سوی سرنوشت خویش روانیم و در این راه وارد قرن جدیدی می‌شویم که هیچ گونه وسایل آن را در اختیار نداریم. زیرا این وسایل با خرد انسان و اراده و بزرگی انسان، پاکرامت او و با تجارت گهربار وی ایجاد می‌گردد. بیاید با خود اندیشه نماییم، آیا ما نیز خود در جامعه ارزش و مقام می‌اندیشیم؟  
تا جایی که به دوران دو سنه نسل موجوده کشور ما تعلق دارد، او اقلأ در نیم قرن اخیر بکلی نادیده گرفته شده است و در این تمدید به حدی پافشاری شده، که اکنون خودش نیز برای خود ارزشی قابل تیست و کرامتش را به هیچ می‌فروشد. در دوران ۱۸ سال اخیر، تاریخی ترین چفا بر این موجود مقدس وارد آمد. او را در کشور ما صد صد و هزار هزار چون زنده به دور ریختند. او را با انواع شکجه‌ها از انسانیت عاری ساختند و بالآخره ملیونها از این موجود مقدس فدای منافع عده‌ای نا مقدس شدند، بی آنکه از او هیچ‌گاهی و هیچ مقامی واقعاً دفاع کرده باشد.  
ما هدستان در بنیاد فرهنگ و تمدن افغانستان در دهلی و بیرون از دهلی، بزرگترین هدف مقدس ملی را پس از تجارت فجیع از سال ۵۷ به اینسو، خود انسان را هدف خویش قرار دادیم و با انجار از معاملات شرم اوری که با نام انسان جامعه ما صورت گرفت، به پا خاسته ایم تا اورا در صدر مصالح کشور قرار داده و با ایجاد صدای نیاز هایش، بر نظارت در مصالح مقتدر بینیم. ما هدف خویش انسان را هدایت یاری و نیازهای او را، محیط زندگی امن و وسایل اساسی راحت و رسیدن به مقام خدا داده اش. این هدف امروز در رزمگاه ننگین سیاست کشور ما بر آورده نمی‌گردد. تهرا راهی که تجارت ناجیز و فهم قاصر مایه آن اتکا توانست، پرداختن به تجالی فرهنگ و اصول و عقاید کهن و جدید مردم خود و بر جسته ساختن عناصر فرهنگی و بلند کردن آواز خواستها و نیازهای مردم و پیگیری احیای فرهنگ افغانی- اسلامی از طریق ایجاد مطبوعاتی نیرومند است.

اینک که ۸ ماه از تأسیس این بنیاد می‌گذرد و ما توائسته ایم با دست خالی و دلهای پر از امید یاری و همدلی شما سرمایه‌های معنوی کشور و بانکهای گهربار تجارت، قدمهای امید بخشی در این راه برداریم، امید است این خانه را نیز در شمار سایر مؤسسات مشابه افغانها در سراسر جهان از خود بشمارد و در رستاخیز آگاهی ملی و حضور فعال ملت در قضایای حیاتی، در راه تقویت نقش مطبوعات آزاد برای دموکراسی و حقوق انسانی ما باری دهید.

بنیاد همچنین نشر و پخش مقالات و آثار علمی، تحقیقی و اجتماعی شما را خدمتی حقیقی به کشور و مردم خویش تلقی می‌کند زیرا راه نجات، راه دانش است و تکامل. یقین داریم تأیید و راهنمایی شما عامل بزرگی در تداوم کار ما خواهد بود.

با تجدید احترام

عبدالاحمد گمنی

رئیس شورای اجرایی بنیاد فرهنگ و تمدن افغانستان

# Kavimullah Samin Naikane

In our journey from Kanata to Acadia to Quebec, from Kingston to Charlottetown to Ottawa, from Chinnatow to Little Italy to Nunavut, from Vimy to Dieppe to Afghanistan, we have developed:

- an unassuming and self-conscious patriotism supported, when required, by a record of unparalleled military service
  - a quiet self-deprecating diplomacy that reflects a faith in the innate goodness of mankind and in the unique value inherent in collaboration and collective problem-solving
  - an unwavering belief in the dignity of all people and their right to the freedoms that guarantee personal security, development and self-actualization while acknowledging and respecting the rights of others to do so in their own unique way
  - a recognition of the structure and nature of a society grounded in peace, order and good government
  - an acknowledgement of the slow evolutionary need for change by a society that strives to meet the challenges of each new era in time
  - an abiding respect for the unique gifts and talents of individuals and of societies
  - an unwavering but reasoned loyalty informed by history, geography and a sense of justice, to allies in times of crisis
  - a commitment to a shared sense of community and, as citizens of the world, to the global community at large
  - a commitment to "do the right thing", our journey as a people and as a country, we continue to be motivated by an unfathomable desire to "do the right thing", embrace diversity and to keep the peace, often falling short of the goal, but always determined to try.

In this paradox of human strength and frailty lies the essence of those who are proud to be called

३५



# محفل ارجمندی از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکار پامیر

بنام خداوند (ج) جان و جهان آفرین  
بنیاد جهانی ژورنالیستان آریانا افغانستان

Worldwide Journalists' Foundation of Ariana Afghanistan

First International Festival of Books  
in the Cultural History of Afghanistan  
Certificate of Press Award

## نخستین جشنواره بین المللی کتاب در تاریخ فرهنگ افغانستان

\*\*\*\*\*

محترم کریم پیکار پامیر

نویسنده کتاب : پندار نیک

برندگ جایزه مطبوعاتی : علی هجویری غزنوی (داداگنج بخش)

\*\*\*\*\*

هر سالار احمد شاه علم

A. Shahn

پروفیسوردکتر عبدالواسع لطیفی

استاد زلال هروی

استاد احمد راقب

میر

رئیس مکتب بنیاد جهانی رئیس زبان و ادبیات رئیس فعالیتهای فرهنگی رئیس جوایز مطبوعاتی

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

غوث الدین میر

میر

مشتاق احمد کریم نوری

مشتاق

الحاج احمد غوث زلمی

الحاج

رئیس انسجام جشنواره کتاب

رئیس دفتر مطبوعاتی

رئیس دفتر

رئیس جشنواره کتاب

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

دکتر شکرانه کوہگدای

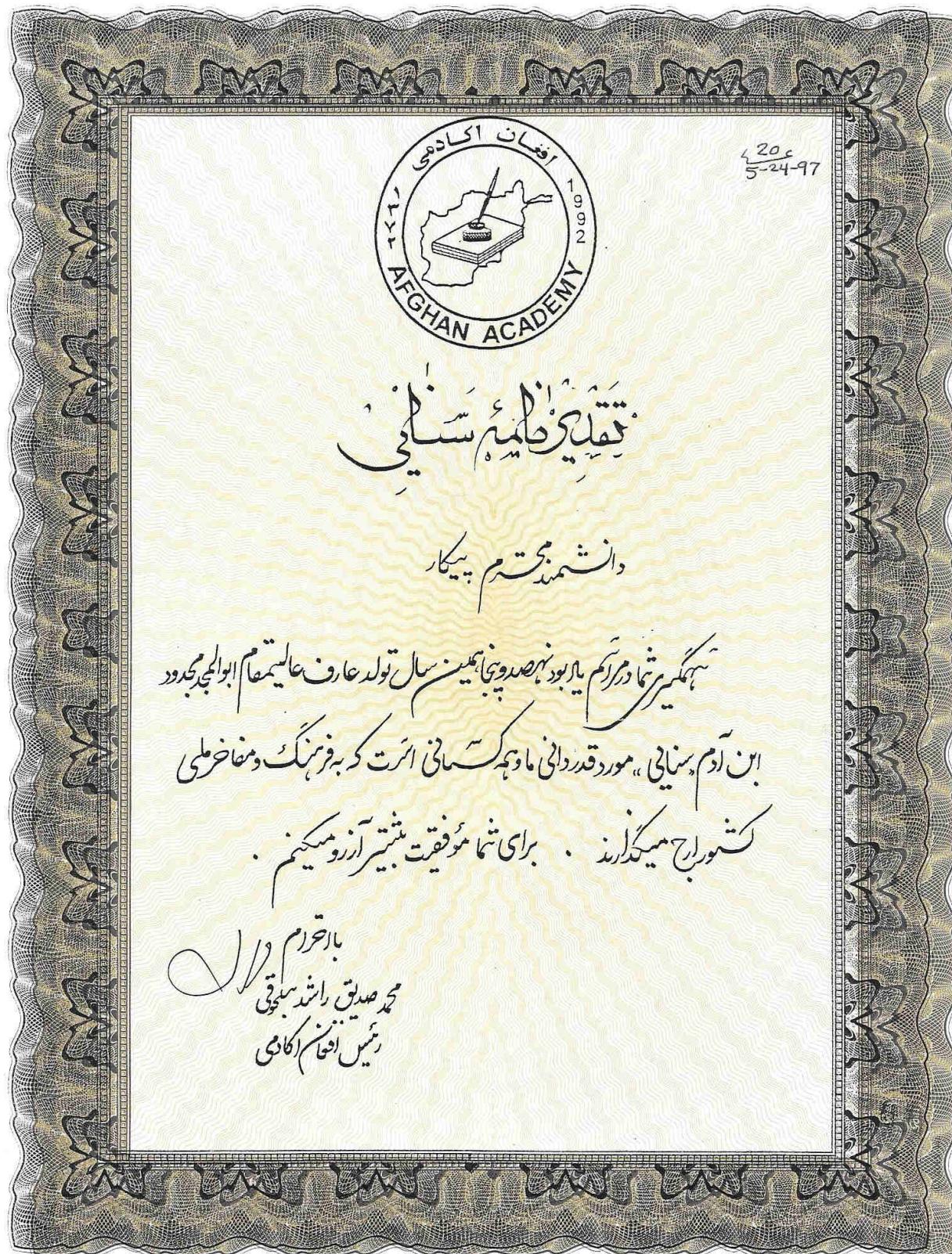
S. Kohgadi

رئیس عمومی بنیاد جهانی ژورنالیستان آریانا افغانستان

شهر ویانا ، کشور اتریش ۲۱ آگست ۲۰۰۴



محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامبر



# محل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

Ministry of Citizenship  
and Immigration

Minister  
6<sup>th</sup> Floor  
400 University Avenue  
Toronto ON M7A 2R9  
Tel.: (416) 325-6200  
Fax: (416) 325-6195

Ministère des Affaires civiques  
et de l'Immigration

Ministre  
6<sup>e</sup> étage  
400, avenue University  
Toronto ON M7A 2R9  
Tél.: (416) 325-6200  
Téléc.: (416) 325-6195



Ontario

June 12, 2008

*Karimullah Pamir Paikar*

Congratulations on completing the Canadian Journalism for International Writers bridging program at Sheridan College.

As a graduate of this program, you will be set to “make news” in another way – in the world of journalism. You will be joining other Ontarians as a proud member of our society, able to fully contribute to the economic prosperity of this great province in which we live.

My ministry is proud to provide support to this important bridging project as a crucial way of helping newcomers seize the opportunities here in Ontario. We know that when newcomers succeed, Ontario succeeds.

Congratulations, again, and best of luck for the future.

Yours truly,

A handwritten signature in blue ink, appearing to read "Michael Chan".

Michael Chan  
Minister

CERTIFICATE OF.



# Outstanding Author

Presented to

Karimullah Paikar Pamin

In recognition of your significant contribution  
through your writing.

Thank you for inspiring and influencing readers  
in a positive way.

Afghan Canadian Cultural Education International Organization  
(ACCEIO)

قانون فرهنگی و آموزشی افغان کانادا  
دافتنه کانادا کاتوری ټولنه

Syed Yusefzai Sayer, President

محفل ارجگزاری از کارکردهای ادبی، سیاسی و فرهنگی ک. پیکارپامیر

---

# Certificate of Appreciation

Presented to

Karim Pzikar Pamin  
کاریم پذکار پامن

Afghan Time C.V. appreciate your performance

at Ali's show



Nabilah Fatah Yaqub

President

Qahar Rauofi

&

Ali Jafarzadeh

Directors